

شماره 46

می 2014

Dari version

# نشریه بررسی مهاجرت اجباری

## مردمان بیجاشده افغانستان در سال 2014 و بعد از آن



REFUGEE  
STUDIES  
CENTRE

به طور مجانی توزیع می گردد

۳ یادداشت سردبیر

### افغانستان

۴ 2014 و پس از آن: عواقب برای بی جا شدن آیدن اولیری

۷ تداوم خشونت، تداوم بیجاشده گی رحمت الله امیری

۹ مردمان بی سرزمین و فاقد شهروندی در افغانستان مایرا کوپیرس

۱۰ پالیسی بیجا شدگان داخلی برای افغانستان: از طرح مسوده تا تطبیق واقعی لایرینی اس ویسیبرگ

۱۲ استقرار بازگشت: نقش استراتژی و راه حل پییرفرانسیسکو ماریا ناتا

۱۵ بهبود وضعیت امنیتی و تصرف اراضی برای بیجاشدگان داخلی شویا راو و جان تورکسترا

۱۸ تنظیم مجدد راه حل ها برای و مهاجرین افغان: نقش سازمان های غیردولتی بشری دان تیلیر

۲۲ پالیسی ملی پاکستان برای مهاجرین محمد عباس خان

۲۴ خشونت و آسیب پذیری: افغان ها در پاکستان ثنا آلمیا

۲۵ عودت مهاجرین از کشور ایران آرماندو کیلییر و ماسیج ام لاتیگ

۲۷ حماات از ه افراد معلول در افغانستان آندریاس دیموپولوس

۲۸ ماهیت متغیر برگشت مهاجرین به افغانستان کیتی کیشماندر، میلیسا سیگیل و نسیم مجیدی

۳۰ نظری از یک مهاجر افغان تبسم اکثر

۳۲ عودت کنندگان افغان منحیث عاملین تغییرات؟ ماریکی وان هوتی

۳۴ بی جا شدن و خشونت در مقابل زنان در افغانستان کامیل هینیون

۳۵ خشونت جنسی: هیچ نوع خشونت جنسی علیه زنان قابل پذیرش نیست لیدا احمد

۳۶ جوانان بیجا شده شهری در کابل نسیم مجیدی

۳۷ حقایق شهری برای زنان و دختران جوان بیجا شده دن تایلر و ساسونو کمیدل

۳۸ هنوز در خطر: خروج اجباری در ساحات شهری افغانستان کارولین هووارد و جیلینا مادزازیویک

۴۲ توجه به نشانه های خطر: احتمال وقوع آوارگیهای بیشتر در افغانستان سوسانی شمیدل

۴۶ انتقال و بیجاشدن خالد کوثر



دختران هنگام برگشت از مکتب در کوچی آباد، یک مرکز استقرار مجدد نزدیک کابل که برای پناهندگان عودت کننده از پاکستان ایجاد گردیده است.



### نشریه بررسی مهاجرت اجباری

جزوه «نشریه بررسی مهاجرت اجباری» زمینه تبادل منظم تجارب عملی، معلومات و نظریات را میان تحقیق کننده گان، مهاجرین و بیجاشده گان داخلی و همچنین کسانی را که با آنها کار نموده اند، فراهم میسازد. این جزوه نشریه توسط «مرکز مطالعات پناهندگان» وابسته به «اداره توسعه و انکشاف بین المللی» دانشگاه آکسفورد به زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسوی طبع و نشر گردیده است.

### کارمندان

ماریون کولبری و مایوریسی هیرسون (سردبیران)  
نینا ای ویفر (معاون مالی و ارتقا)  
شارون ایلین (معاون)

### نشرة الهجرة القسرية

Refugee Studies Centre  
Oxford Dept of International  
Development, University of Oxford  
3 Mansfield Road, Oxford  
OX1 3TB, UK

fmr@qeh.ox.ac.uk

هاتف: +44 1865 281700

سکایپ: fmreview

www.fmreview.org

### تقریظ

محتویات نشریه «مهاجرت اجباری» لزوماً انعکاس کننده نظریات سردبیران «مرکز مطالعات پناهندگان» وابسته به دانشگاه آکسفورد نیست.

### حق چاپ

هرونوع نسخه چاپ شده ویا الکترونیکی «نشریه بررسی مهاجرت اجباری» به طور رایگان تهیه و توزیع شده و می تواند مورد استفاده افراد و نهادها قرار گیرد، منوط به این که منبع آن به آدرس الکترونیکی [www.fmreview.org](http://www.fmreview.org) «نشریه بررسی مهاجرت اجباری» ذکر گردد. برای معلومات بیشتر به این سایت مراجعه نمائید.



ISSN 1460-9819

طراحی و دیزاین توسط:

Art24

www.art-24.co.uk

طبع توسط:

Oxuniprint

www.oxuniprint.co.uk



## یادداشت سردبیر

سال ۲۰۱۴ میلادی نقطه عطفی برای افغانستان به عنوان کشوری است که ۳۵ سال مناقشه را پشت سر گذشته و بزرگترین جمعیت بیجاشدگان داخلی را در سطح دنیا تشکیل میدهد. در این سال نیروهای امنیتی بین المللی افغانستان را ترک نموده و از نگاه سیاسی، اقتصادی و امنیتی و همچنین جایگاه بین المللی، شرایطی «انتقالی» را تجربه می کند.

شرکت گسترده و وسیع مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ نشانه مثبتی برای آینده افغانستان محسوب می گردد ولی هنوز هم در باره ظرفیت این کشور در قسمت رفع چالش ها و مشکلات ناشی از برگشت آوارگان، جذب و استقرار مجدد آنان، حمایت از آنها و دستیابی به حقوق شان و همچنین ادامه بیجاشدن افراد شک و تردیدهایی وجود دارد.

این نشریه به زبانهای های دری، پشتو، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیوی و عربی تهیه شده است.

ما از محترمه سوسانی سشمیدل کارمند ارشد دفتر ارتباطات (افغانستان) و محترمه دن تیلیر از کمیته ناوری برای کمکهای استثنائی شان و همچنین ارایه نظریات تخنیکی منحیث مشاورین خاص برای تهیه و ترتیب این شماره نشریه اظهار سپاس و قدرانی مینماییم.

ما همچنین از ادارات و سازمان های ذیل برای ارایه حمایتهای مالی سخاوتمندانه شان قدرانی مینماییم: شورای پناهندگان ناوری، اداره انکشافی و همکاری سویس/ اداره همکاری سویس در افغانستان، دفتر هییتات ملل متحد، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در افغانستان و دفتر ملل متحد برای همکاریهای بشردوستانه.

نسخه کامل و تمامی مقالات نویسنده گان به صورت اچ.تی.ام.و پی.دی.اف از طریق وب سایت ذیل قابل دریافت است: [www.fmreview.org/afghanistan-dari](http://www.fmreview.org/afghanistan-dari).

از تمام شما خواهشمندیم تا ما را در قسمت توزیع و تکثیر این نشریه از طریق شبکه های اجتماعی مانند توئیتر و فیسبوک و شبکه های اینترنتی و وبسایتهای یاری رسانید.

در صورت نیاز به نسخه چاپ شده این نشریه لطفاً از طریق این ایمیل در صورت تماس در [fmr@qeh.ox.ac.uk](mailto:fmr@qeh.ox.ac.uk) در تماس شوید:

با تقدیم بهترین آرزوها

ماریون کولبری و مایوریسی هیرسون  
سردبیران، نشریه «بررسی مهاجرت اجباری»

## 2014 و پس از آن: عواقب برای بی جا شدن

آیدن اولیری

با خروج قوای کمک به امنیت بین المللی آیساف بعد از دوازده سال، سال ۲۰۱۴ نقطه عطفی برای افغان نستان به شمار می رود، و خطر واقعی را این خروج به ظرفیت حکومت افغان نستان در توانایی اش برای مقابله با سایر چالش های داخلی و خارجی که این کشور به آن مواجه خواهد شد متوجه می سازد. این چالش ها پیامدهای چشمگیری برای بیجا شدگان و عودت کننده گان افغان و برای بیجا شدن های بالقوه در آینده دارد.

تا زمان نوشتن این مقاله هنوز مشخص نیست که آیا بعد از ۲۰۱۴ قوای بین المللی در افغانستان حضور خواهند داشت و یا خیر، و فضای دیپلوماتیک از دیر زمانی مملو از عدم اطمینان و روابط تیره میان دولت افغان نستان و دولت های کمک کننده قوای نظامی در این کشور است. روی هم رفته این ها همیول کنند ه گان اصلی

ساحه توسعه هستند و مگر اینکه فضای همکاری بهبود یابد، دقیقاً در زمان مهم و حیاتی که افغانستان به همکاران باثبات و قابل پیش بینی نیاز دارد علاقه همیول کننده در این کشور کم رنگ می شود. این می تواند دستاورد های مهم سیاسی و انکشافی دهه گذشته را تضعیف کند. واقعاً خروج آیساف به ذات خود یک فرصت مثبت برای تغییر محسوب می شود، طوری که مذاکرات صلح و حل و فصل سیاسی در میان افغان ها به خروج قوای نظامی خارجی از افغانستان وابسته است. در صحنه بشر دوستانه انتقال در امنیت، سیاست، و فضای اقتصادی ممکن تا ثیرات مخربی تا بت براوضاع داشته باشد و تأثیر چشمگیری بر عوامل بیجا شدن خواهد داشت که مردم افغانستان را متأثر می سازد.

افغان نستان بزرگترین عملیات بازگشت مهاجرین در جهان است. در

۵ سال گذشته اضافه از ۵.۷ میلیون نفر در به کشور عودت نموده اند که تقریباً یک چهارم نفوس موجودی ۲۸ میلیونی افغانستان را تشکیل می دهد و چالش قابل ملاحظه بر ظرفیت جذب کشور تحمیل می نماید. تا زمانی که وضعیت توسعه در موقعیت نیست که بتواند تمام بازگشت کننده ها را به طور دوامدار جذب کند، این جا به جایی نفوس به گونه ناگزیر به حجم کاربرد دوستانه می افزاید.

در سال ۲۰۱۳ تقریباً ۱۲۴۳۵۰ افغان به اثر جنگ از خانه های شان بیجا شده اند. بطور کلی شمار بیجا شده های ثبت شده جنگ

به ۶۳۱۰۰۰ میرسد (۲)، که از این جمله ۴۰٪ آنها به مناطق شهری کوچ می کنند که به شمار روز افزون فقرای شهری می پیوندند. در حالی که نیازهای اولیه آنها به کمک های بشردوستانه است، ولی بیجاشدگی دنباله دار به مناطق شهری ایجاب می کند که حکومت به نیاز های دراز مدت انکشافی نیز پاسخ دهد. دلایل عمده بیجا شدن مردم عبارت از جنگ های مسلحانه، و خامت کلی

### اجندای بشر دوستانه بعد از خروج آیساف

در حالی که قوای خارجی افغان نستان را ترک می کنند، جامعه بشر دوستانه برای حفظ ادامه حضور خود، دسترسی به مردم نیازمند و اینکه اطمینان حاصل کنند که مردم نیازمند به کمک و محافظت دسترسی می داشته باشند، نیاز به یک رویکرد جدید دارد. در حالی که افغانستان یک دوره ای را پشت سر می گذارد که در آن کمک ها به این کشور شدیداً سیاسی و اغلباً نظامی شده بود، خروج نیروهای آیساف فرصتی را به وجود می آورد تا بی طرفی و استقلال فعالیت بشردوستانه دوباره تأمین گردد. مرحله ای بعدی احتمالاً دوره ای خواهد بود که در آن منابع مالی محدود می شود و توجه سیاسی جهان غرب نیز کاهش خواهد یافت. یکی از نکات کلیدی برای تضمین اعتبار و موثریت کمک های بشر دوستانه بعد از دوره حضور آیساف، شفافیت و روشنی در کمک ها و رساندن کمک ها بر اساس نیازمندی است.

در گذشته برنامه های بشر دوستانه بیشتر به شمال کشور متمرکز بود، جایی که جمع آوری کمک و فعالیت در آنجا آسانتر بود. با این حال، تحلیل های جدید نشان می دهند که با در نظر داشت شدت نیازمندی های شناسایی شده از جمله شیوع دوباره بیجا شدن مردم در مناطق جنوبی و شرقی، خدمات کمتری در جنوب و شرق کشور صورت گرفته است. یکی از چالش های عمده، شناسایی و سرمایه گذاری روی بازیگرانی خواهد بود که قادر به انجام فعالیت در این ساحه اند و برای انجام این کار تمایل دارند. این بازیگران میتوانند افغان باشند یا بازیگران بین المللی.

در طرح اقدام بشر دوستانه عمومی برای سال ۲۰۱۴، جامعه بشردوستانه توانستند نیازمندی های حاد را در مقابل نیازمندی های مزمن در هر جایی که اتفاق می افتد به شمول مناطق مورد مناقشه که دسترسی به آنجا دشوار است الویت بندی کند. با آنکه این اقدام منطقی می نماید، اما تطبیق و اجرای این استراتژی در



NRC/Shahzad Ahmad

یک مهاجروندت کننده بعد از چند سال خانه خویش را اعمار مجدد مینماید. میمنه، افغانستان

عمل به ایجاد یک سری تغییرات ذهنی و فکری در میان بازیگران بر بنیاد چارچوب پاسخگویی متقابل توکیو کشورهای تمویل کننده فعالیت های بشر دوستانه نیازمند است. اول این که، هم سازمان های امدادسانی وهم تمویل کننده های آنها بایست نشان دهند که در مقابل خطر از مقاومت بیشتری برخوردار هستند و این باید روی دست گیری تدابیری مناسب برای کاهش خطر را نیز به همراه داشته باشد. دوم، زمینه قابل توجه برای آزمایش و رویکرد نوآورانه برای ساخت برنامه های مناسب با شرایط افغانستان، از جمله کمک رسانی مبتنی بر پول نقد، مدیریت برنامه ها از راه دور و نظارت جناح سوم از این برنامه ها وجود دارد. سوم، فعالان امور بشر دوستانه هم به صورت فردی و هم جمعی باید گروهی وسیعی از جوانب زیدخل را شناسایی و با آنها ارتباط برقرار کنند. یکی از الویت های اساسی انجام گفتگو و مذاکره با تمام گروه های دخیل در جنگ در مورد دسترسی امن صورت گیرد ( هر چند لازم است که این مذاکرات را از دیگر طرح و برنامه باید جداگانه نگهداشت). آنچه برای فعالان امور بشر دوستانه در زمینه ای فراهم سازی کمک های ضروری برای نجات زندگی مردم هویدا است در اصل می تواند بر درک درست از نیازمندی ها مبتنی باشد. و این تنها زمانی در عمل قابل اجرا است که دیگر بازیگران این ساحه نیز به درک مشابه رسیده باشند. تطبیق عملی اصول بیطرفی، انصاف و استقلال برای امنیت فعالیت ها خیلی ها ضروری است.

### انتقال سیاسی و امنیتی

با وجود کمک های منظم در بیش از دوازده سال گذشته نهاد های سیاسی و اداری کشور به طور عمو می ضعیف ماندند و اغلبا به دلیل فساد اداری، رقابت های گروهی و خصومت های شخصی



فلج شده اند. در مدل حکومت متمرکز بیشتر قدرت صلاحیت در دفتر رئیس جمهور متمرکز نموده، در حالی که وزارت خانه ها و نهاد های دولتی به طور دائمی از ناحیه منابع بشری، زیر بنا و محصول کاری شان با ضعف جدی روبرو هستند. یکی از عواقب عمده این مسئله این است که ظرفیت جذب کمک های مالی برای توسعه ای که به عنوان حمایت مستقیم از بودجه صورت می گیرد حدود ۴۰٪ تخمین زده شده است. یکی از ضعف های عمده حکومت افغانستان عدم هماهنگی میان اداره مرکزی به عنوان گیرنده و مدیر کمک های خارجی و نهادهای ولایتی به عنوان مسئول ارائه خدمات به مردم است. بی کفایتی متذکره اداره همراه با اتکا و وابستگی به حضور قوت های نظامی خارجی مانع احیای مشروعیت دولت شده است.

برای وضعیت امنیتی کشور یکی از عوامل عمده پس از استقرار نیروهای ایساف در ۲۰۰۱ تشکیل اقتصاد نظامی در افغانستان بود. تنها در سال ۲۰۱۲ دولت امریکا ۲۲ میلیارد دلار امریکایی را برای ادامه عملیات خود در قرار داد ها به مصرف رسانده است. تیم های بازسازی ولایتی یا PRT و برنامه واکنش سریع قوماندانان های نظامی یا (CERPs)) تنها دو ابزار ملکی بودند که برای فراهم سازی ثبات از طریق انکشاف جامعه تلاش می کردند. اما تا شروع سال ۲۰۱۴ ۹۰٪ تیم های کمکی نظامی - ملکی مسدود شدند. انتقال امنیت نشانه پایان مصارف نظامی در ساحه توسعه خواهد بود. با آنکه اکثر این مصارف در مقایسه به مقدار پول به مصرف رسیده بی ارزش بودند اما از جانب دیگر دست کم فعالیت حکومت را حفظ کردند و باعث شد تا والیان ولایات یک سلسله خدمات اندک را ارائه دهند.

### یک نتیجه گیری ابتدایی

در چارچوب عملیات افغانستان پنج گروه از بازیگران عمده وجود دارد که در دسترس به سهولت های بشر دوستانه و محدودیت آنها نقش عمده دارد: فعالین بشردوستانه، جوامع آسیب دیده، دولت، قوت های مسلح غیر دولتی و تمویل کننده ها. گان کمک های بشر دوستانه، فعالین بشردوستانه در صدد توسعه دسترسی از طریق حمایت و تعامل با دیگر بازیگران هستند و اقداماتی را که خود آنها انجام می دهند نیز خیلی ها مهم است. فعالیت مصون و معتبر بشردوستانه نیازمند آن است تا تمام اعضای جامعه پیروی خود از اصول بشردوستانه را تبارز دهند. تا به حال اجرات اصولی متواتر نبوده است. فشار ها و فرصت ها برای انجام کاری در حمایت از اهداف غیر بشردوستانه به صورت چشمگیری وجود داشت، اما با ختم عملیات ایساف کمک های مالی بشر دوستانه نیاز دارد تا از چنگ آجندهای وسیع سیاسی و نظامی خارج گردد.

بیجا شدن های ناشی از جنگ های مسلحانه، وخامت امنیتی عمومی و آزار و اذیت عمدتاً از مناطق روستایی که ۷۰٪ نفوس افغانستان در آن زندگی می کنند سرچشمه میگیرد، از این رو عکس

جنگ ۲۵ ساله به طور آشکارا انکشاف کشوری را مختل ساخته است. افزایش نسل جوان افغانستان و پائین بودن امید به زندگی و اوسط عمر (۶۹ سال) باعث شده است که ۷۰٪ نفوس افغانستان در زیر سن ۲۵ سال قرار داشته باشد و تنها ۲۵٪ مردم در شهر ها

در بهار سال ۲۰۱۴ بازیگران مسلح غیر دولتی (ANSAs) و قوت های طرفدار دولت هنوز هم در بن بست باقی ماند ه اند. با کاهش حضور ایساف انکشاف نیروهای اردوی ملی افغانستان برای تامین امنیت شهرها عمده کافیه است ولی برای دفع تحرکات گروه های مسلح غیر دولتی در محلات، نیروهای افغان توان کافی برای مبارزه را ندارند. مذاکرات صلح به کدام نتیجه نرسید و در عدم موجودیت یک راه حل سیاسی مردم ملکی در معرض حادثات تصادفی یا عمدی قرار داشته، آوارگی موقت ویا دائمی ادامه خواهد داشت، چشم انداز ادغام دوباره مهاجرین و بیجاشده گان داخلی مخاطره آمیز است.

جنگ ۲۵ ساله به طور آشکارا انکشاف کشوری را مختل ساخته است. افزایش نسل جوان افغانستان و پائین بودن امید به زندگی و اوسط عمر (۶۹ سال) باعث شده است که ۷۰٪ نفوس افغانستان در زیر سن ۲۵ سال قرار داشته باشد و تنها ۲۵٪ مردم در شهر ها

العمل به مو قع و موثر نیازمند سوق دادن میزان مناسب فعالیت ها و کمک ها به خصوص به نیمه جنوبی افغانستان است. هر قدری که آوارگی طولانی تر شود، به همان اندازه آوارگان افغان به بازگشت به وطن شان بی میل ترمی شوند. سازمان های بشر دوستانه باید فرهنگی چگونه ماندن را در مقابل فرهنگ چه وقت باید کشور را ترک کرد رواج دهند، و زمانی که برای کاهش خطر از رویکرد های خلاقانه استفاده می کنند اجازه دهند تا بازیگران یک مقدار قابل قبول خطر را پذیرا شوند. و بلاخره برای رسیدن به یک تفاهم با فعالین مسلح غیر حکومتی که زمینه دسترسی مردم به خدمات بشر دوستانه را فراهم می سازند و همچنین با جامعه ای آسیب دیده یک تلاش هماهنگی ضرورت است.

۱. Conflict-Induced Internal Displacement- Monthly Update, UNHCR, ۱  
Afghanistan December 2013 بی جاشدن داخلی از اثر جنگ- اضافه ماهانه، یو این ایچ سی آر افغانستان

<http://tinyurl.com/UNHCR-Afgh-Dec2013>

۲. Conflict-Induced Internal Displacement-Monthly Update, UNHCR, ۲  
Afghanistan January 2014 بی جاشدن داخلی از اثر جنگ- اضافه ماهانه، یو این ایچ سی آر افغانستان

<http://tinyurl.com/UNHCR-Afgh-Jan2014>

۳. <https://afg.humanitarianresponse.info/funding/common-humanitarian-action-plan-chap>

یا این که به صفحه افغانستان در منبع مراجعه کنید. «Humanitarian Kiosk»  
app <http://kiosk.humanitarianresponse.info/>

۴. July 2012 [www.mofa.go.jp/region/middle\\_e/afghanistan/tokyo\\_conference\\_2012/tokyo\\_declaration\\_en2.html](http://www.mofa.go.jp/region/middle_e/afghanistan/tokyo_conference_2012/tokyo_declaration_en2.html)

آیدن اولیری [oleary@un.org](mailto:oleary@un.org) ریس دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه، افغانستان

## تداوم خشونت، تداوم بیجا شده گی

رحمت الله امیری

از آنجایی که احتمالاً جنگ و خشونت و نا امنی در افغانستان ادامه خواهد یافت، از این رو بیجا شدن و آوارگی افراد ادامه خواهد داشت.

داخلی به خانه ها و قریه های شان، قیمت بلند مصارف زنده گی در شهرها، کمبود فرصت های کاری، ناآشنائی با محیط شهری میباشد. برعلاوه به دلیل در نظر داشت اقامت کوتاه مدت بیجاشدگان هیچگاه در زندگی شهری دخیل نمی شوند.

در ساحات مانند ولسوالی چارچینه ولایت ارزگان به محض ترک قوای امنیتی ملی افغانستان و قوای امنیتی بین المللی بیجاشدگان داخلی از شهرهای کندهار، لشکرگاه، نیمروز و حتی از کشور پاکستان به محلات خویش بازگشت نمودند. روند بازگشت بیجاشدگان در دیگر مناطق نشان می دهد که بیجا شده گان داخلی منتظر خروج نیروهای امنیتی داخلی و بین المللی از محلات شان بوده و این موضوع را اولین گام و فکتور مهم در قسمت حصول اطمینان جهت بازگشت به خانه های شان محسوب مینمایند.

### دورهای درگیری و بیجا شدگان داخلی

روند و ماهیت بیجا شدن افراد بر اساس دورهای منازعات و جنگ های فعلی در داخل کشور متغیر میباشد. در ساحات ناامن و غیرمضون - که ساحات مورد منازع خوانده می شوند که اکثراً در این ساحات میان نیروهای امنیتی داخلی و بین المللی و مخالفین مسلح

در این اواخر گزارش شده است که هزاران خانواده از ولایات هلمند، کندهار، ارزگان و یک تعداد ولایات نا امن در جنوب کشور از شهر های که در آنجا برای ماه ها و یا سال ها اقامت داشتند، به قریه ها اصلی خویش بازگشت نموده اند. هرچند در بیشتر ساحات شرایط که باعث بیجا شدن این افراد شده بود، به گونه ای چشمگیری یا برجاست، این بدین معناست که پروسه بیجا شدن مردم ادامه دارد. این حالات و شرایط ادامه داشته و بعضی خانواده ها سکونت در شهرها را الی بهبود شرایط امنیتی ترجیح میدهند.

اکثر خانواده ها از اثر توسعه عملیات های نظامی نیروهای امنیتی افغان و قوای امنیتی بین المللی روستا ها و خانه های شانرا ترک نموده اند، چنانچه در اثر عملیات نظامی سال ۲۰۰۹ تلاش های خانه به خانه و آزار و اذیت بیشتر گردیده و سبب دستگیری بعضی افراد میگردد که بصورت عموم تمام این موارد زنده گی روزمره را سخت ساخته و در قسمت کشت و زرع اراضی زراعتی شان یا اثر اینکه زمین ها توسط قوای امنیتی بین المللی جهت اعمار کمپ نظامی تصرف گردیده و یا اینکه اجازه کشت و زار را در زمین های اطراف کمپ های نظامی بنابر دلایل امنیتی ندارند، مجبور به ترک روستا های شان شدند. عمده ترین دلایل بازگشت بیجاشدگان

۲۰۱۴ می

دولت جنگ و منازعه صورت میگیرد-میزان بیجا شدن مردم بیشتر میباشد. در این ساحات خاصاً مناطقی که روزانه جنگ و درگیری میان طرفین صورت میگیرد، توده اعظیم مردم از جنگ ها فرار

مینمایند زیرا آنها قادر به پیشبرد فعالیت های روزمره، کشت و کار ویا آبیاری اراضی شان نمیشد. این مناطق جنگی در دو سال آینده عمده ترین ساحات را در ولایت جنوب کشور تشکیل میدهد که از آنها بیشتر رقم بیجا شده گان داخلی سرچشمه میگردد. ساکنین محل وضعیت و شرایط ماحول خویش را کما فی سابق مجدداً ارزیابی مینمایند، در صورتیکه منازعات و جنگ های داخلی به مدت زمان کوتاه (الی دو هفته) ادامه یابد ، بیجا شدگان داخلی به نزدیک ترین قریه یا ساحه امن همراه با فامیل و در صورت امکان همراه به مال و حیوانات و بعضی اجناس ابتدائی شان سفر می نمایند. از طرف دیگر در ساحات مورد مناقشه شدید ، ساکنین محل برای ترک قریه جات و خانه های شان برای طویل مدت مدنظر میگیرند و معمولاً به مراکز و شهر های ولایات جنوبی و حتی با کابل ویا به کوئته پاکستان مهاجرت مینمایند. این بیجاشدگان داخلی ندرتاً قادر به حمل اجناس ویا مال های شان میشوند.

دولت و نه نیروهای امنیتی افغان تمایل به عقب نشینی ندارند. مردم خواهان زنده گی در ساحات امن هستند و این که کدام گروه کنترل ساحه را به عهده دارد، علاقه ندارند. در حال حاضر در بعضی ساحاتی که تحت کنترل دولت قرار دارد ودر گذشته نیرو های دولت این ساحات را از کنترل گروه مخالفین مسلح دولت خارج کرده است، امکان بروز جنگ های ناگهانی و شدیدتر وجود دارد زیرا مخالفین مسلح دولت تلاش دارند تا در این ساحات نفوذ نموده و آنرا دوباره از نزد دولت تصرف نمایند. این عمل برای بیجاشده گان کدام مطلب را افاده می نماید؟ آن عده کسانی که خواهان بازگشت به مناطق شان هستند، از بازگشت خویش صرف نظر نموده و منتظر خواهند ماند که بعد از سال ۲۰۱۴ چه اتفاقی رخ میدهد. در صورت بهبود وضعیت امنیتی اکثر بیجاشدگان داخلی به محلات مسکونی خویش بازگشت می نمایند. اما هرگاه اوضاع امنیتی بهبود نیابد و بدتر گردد، تنها این که بیجاشدگان داخلی به مناطق اصلی شان بازگشت نمی کنند بلکه امکان افزایش بیجاشدگان بیشتر نیز وجود دارد.

برعلاوه اکثر خانواده ها و فامیل ها از گشته شدن در عملیات های انتقام جویانه هراس دارند. در یک مصاحبه با یک باشنده محلی ولسوالی ژبری ولایت کندهار چنین ابراز نظر نمود که در صورت کشته شدن عساکر اردوی ملی، بعضی از مسوولین اردوی ملی باشنده گان محلی را به همکاری با طالبان متهم نموده و بعد از آن مطابق به آن انتقام میگیرند. به همین گونه در صورت کشته شدن افراد طالبان، آنها در قریه جات و روستا ها برای یافتن شخص متهم به جاسوسی جهت مجازات وی، قریه را بازرسی و جستجو می کنند.

معمولاً طالبان مسلح در ساحات جنگ زده از ماین ها و مواد انفجاری کنار جاده<sup>۱</sup> استفاده مینمایند تا راه عبور را برای نیروهای امنیتی افغان ویا نیروهای امنیتی بین المللی مسدود نمایند، در بعضی موارد طالبان مردم محل را از ماین گذاری و جا سازی مواد انفجاری در کنار جاده ها خبر میدهند و آنها را از اجتناب از استفاده برخی از راه ها آگاه می سازند ولی مردم نیاز به استفاده از آن جاده ها و سرک ها دارند و این یک فکتور دیگر در قسمت بیجا شدن آنها محسوب میگردد. در شمال غرب ولایت کندهار از اوسط سال ۲۰۱۳ بدینسو جاده منتهی به مرکز مسدود میباشد. این موضوع نه تنها مانع انتقال مواد غذایی و سایر نیازمندی ها گردیده بلکه باعث فرار اجباری مردم از منطقه میگردد زیرا آنها نمیتوانند جهت رفع مشکلات صحتی مانند مراجعه به شفاخانه ها از این سرک ها استفاده نمایند. در این صورت مردم محل از اوضاع امنیتی نگران گردیده و میدانند که دولت به سادگی این ساحه را به مخالفین مسلح تسلیم نمی نماید و بنابراین احتمالاً اوضاع و شرایط زنده گی

طور مثال در ساحات مرکزی ولایت هلمند بعد از ختم عملیات نظامی اکثر بیجا شدگان داخلی به روستا ها و قریه های شان بازگشت نموند زیرا از یک طرف اوضاع امنیتی بهبود یافته بود و از طرف دیگر فرصت های کاری با نیروی های بین المللی ایجاد گردید. در صورت وقوع جنگ های جدید در این ساحات، بیشتر ساکنین محلات متذکره که از فرصت های کاری استفاده نموده بودند، بخش بزرگ از بیجا شدگان داخلی را در دو سال آینده تشکیل میدهند. در ولایت هلمند در ولسوالی مارجه هزاران نفر توسط پروژه های دفتر کمک های مردم ایالات متحده امریکا و سایر پروژه های همویل شده استخدام گردیده اند. این نوع ساکنین محل تحت بدگمانی گروه های مخالفین مسلح دولت قرار داشته و به اشکال مختلف مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. در ولسوالی مارجه در حدود ۱۵۰۰ نفر از طبقه ذکور محلی به گروه مبارزه علیه شورشیان شامل گردیدند و بعداً زمانیکه نیروهای امنیتی بین المللی خواهان یکجا سازی این گروه ها در قالب پولیس محلی گردید، وزارت داخله تنها قادر به جذب ۴۵۰ نفر بود و آن عده افرادی که در چوکات پلیس جذب نگردیده بودند، خویشتر را در معرض انتقام گروه های مسلح مخالف دولت یافتند.

ساحاتی که تحت تصرف گروه های مسلح مخالف دولت قرار دارند، شمار بیشتر ساکنین آنها در معرض بیجا شدن قرار دارند ، چونکه در این ساحات دولت جهت تصرف دوباره آن عملیات های نظامی را وقتاً فوقتاً راه اندازی مینماید. با توجه به افزایش خطرات و



مشکلات امنیتی در جریان عملیات های نظامی، ساکنین محل در جریان عملیات خانه های شان را ترک میکنند. توقع می رود تا چنین نوع سناریو طی دو سال آینده در ساحات جنوبی افغانستان تکرار گردد، زیرا در این ساحات شورشیان مسلح وجود داشته و این گروه ها در این ساحات نفوذ دارند.

در حال حاضر چنین استنباط می گردد که تعداد بیجاشدگان داخلی

در جریان دو سال آینده افزایش یابد زیرا دولت جمهوری اسلامی افغانستان خواهان تقویت نیروها و موقف خویش در بیشتر ساحات بوده و این عمل را از طریق افزایش قوای امنیتی بیشتر انجام میدهد. طالبان نیز در نظر دارند تا از خروج نیروهای امنیتی بین المللی استفاده کنند. از آنجائی که جنگ و عملیات های

رحمت الله امیری [amiri.rahmat@gmail.com](mailto:amiri.rahmat@gmail.com)، محقق سیاسی و اجتماعی، خبرنگار آزاد مقیم کابل

۱. مواد انفجاری

## مردمان بی سرزمین و فاقد شهروندی در افغانستان

مایرا کوپرس

بتوانند از حق آموزش و تحصیلات، درمان، حقوق قانونی و نظایر آن برخوردار شوند. یک شخص متنفذ محلی - این شخص باید بصورت رسمی منحصراً نماینده محلی که متقاضی مدعی تعلق به آن محل است، ثبت باشد- باید هویت شخص درخواست دهنده را به عنوان عضو جامعه محلی و یا به عنوان پسر و یا دختر یک عضو جامعه محلی که خود در فهرست مورد نظر ثبت شده و دارای تذکره باشد، تأیید کند. چالش ها و مشکلات عملی برای بانگرویالو(و یا دیگر مردمان چادرنشین) دوگانه میباشد. در قدم نخست بیشتر بزرگ سالان محلی بصورت رسمی ثبت و راجستر نشده اند، امری که خود امکان درخواست صدور تذکره را غیرممکن میسازد. ثانیاً اکثر بانگرویالوها از ابتدا در آرشیف ملی ثبت و راجستر نگردیده اند و از این رو هیچ گونه سابقه ثبت اداری برای آنها وجود ندارد و این امر پروسه ثبت و راجستر فرزندان آنها را بیشتر مشکل میسازد.

مردمان بدون تذکره یا کارت هویت از سوی مسئولین افرادی نامناسب تلقی می شوند و از این رو ممکن است مجبور به ترک محل شده یا از کشور اخراج شوند. به پژوهشگران ما بارها گفته شده که که گروه بزرگی از بانگرویالو یک ماه قبل به خارج از افغانستان فرستاده شده اند: این امر نمونه دیگری از مشکل بیجاشدگی در افغانستان است که برای آن باید راه حلی منصفانه و پایدار یافت.

مایرا کوپرس، [maira.kuppers88@googlemail.com](mailto:maira.kuppers88@googlemail.com) مشاور

مستقل در دفتر ارتباطات ( افغانستان )

[www.tloafghanistan.org](http://www.tloafghanistan.org)

بر اساس گزارشها، گروهی از مردمان در مناطق شرقی افغانستان - نزد مسوولین و سایر افراد منطقه بانگرویالو ویا وانگاولا خوانده می شوند- به دلیل نداشتن اسناد هویتی به اجبار مجبور به ترک مناطق خود شده اند. این مردمان افراد به زنده گی چادرنشینی و کوچی گری عادت دارند، به دنبال فرصتهای اقتصادی و تجارتی هستند و عموماً از لحاظ فرهنگی از سایر بخش های اجتماع متفاوت تلقی می شوند، زیرا معمولاً زنان جهت کار و یا گدائی کردن به خارج از خانه میروند، درحالی که مردان در خانه میمانند. بر اساس گزارشها، تعداد زیاد زنان گدایگر در بازارها در شهر جلال آباد و قندهار باعث ایجاد دردسر برای اهالی محل شده. نهایتاً توافق جمعی این بوده که مردمان موسوم به بانگرویالو شهروندان افغانستان نیستند و باید به مناطقی خارج از این کشور و احتمالاً کشور همسایه پاکستان منتقل شوند.

بر اساس قانون اساسی افغانستان، با تمام شهروندان آن باید بدون کدام تبعیض و به شکل برابر برخورد شود. بر اساس قانون شهروندی منتشر شده در سال ۲۰۰۰ میلادی، هر کسی که بیشتر از پنج سال در کشور زنده گی نموده و به هیچگونه موارد جرمی متهم نگردیده و سن وی بالاتر از ۱۸ سال باشد، میتواند درخواست تابعیت نماید. برعلاوه این قانون تصریح مینماید که اطفال متولد در داخل افغانستان که وضعیت شهروندی والدین شان مشخص نیست، حق درخواست تابعیت افغانی را دارند.

بسیار مشکل این است که چگونه افراد بتوانند برای صدور تذکره یا مدرک شهروندی افغانستان درخواست کنند، و به این ترتیب

می ۲۰۱۴

## پالیسی بیجا شدگان داخلی برای افغانستان: از طرح مسوده تا تطبیق واقعی

لایریری اس ویسیبرگ

طرح و ترتیب پالیسی ملی به منظور برآورده سازی نیازمندی های بیجا شدگان داخلی افغانستان با مشکلات و موانع زیادی مواجه شد. اگرچه اکنون پالیسی بیجا شدگان داخلی یک واقعیت است ولی احتمالاً تطبیق پالیسی متذکره با چالش و مشکلات همانند مواجهه شود.

بیجا شدگان داخلی را سازمان دهی کردند و یک متخصص بین المللی بیجاشدگان داخلی را جهت کمک و همکاری در این عرصه استخدام نمودند.<sup>۱</sup> قوای کاری یک ورکشاپ مشورتی دو روزه را در جولای ۲۰۱۲ تدویر نموده و به تعقیب آن اولین میز گرد مشورتی ولایتی را در سپتمبر ۲۰۱۲) راه اندازی کردند. پروژه ظرفیت حفاظت آماده به کار (پروکپ ProCap) یک کارمند ارشد حمایتی (نویسنده) را به شکل خدمتی به کمیساریایی عالی سازمان ملل متحد در امور مهاجرین ارسال نمود تا منیج مشاور بیجاشدگان داخلی در وزارت مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان ایفای وظیفه نموده و در قسمت پروسه مشورتی و طرح و ترتیب پالیسی مربوطه کمک و همکاری نماید. بیشتری مشکلات و چالش هایی که گروپ کاری در جریان طرح و ترتیب پالیسی مربوطه با آن مواجه شدند منعکس کننده ای چالش وسیع در زمینه قانونگذاری و سیاست سازی در افغانستان است به طور کلی:

### ظرفیت دولت و تعامل: درحالی که وزارت مهاجرین و بیجاشدگان

دارای صدها کارمند در کابل و ولایات میباشد ولی ظرفیت کاری آنها پائین بوده و مهارت های کاری ویا دانش حقوقی آنها درعرصه طرح و مسوده پالیسی ناکافی بود. تعامل با دیگر وزارت های مختلف جهت دریافت نظریات و پیشنهادات آنها در قسمت طرح و ترتیب پالیسی کار واقعاً دشواری بود، هرچند بعضی نظریات از طریق ملاقات های دوجانبه دریافت گردید. موجودیت فساد اداری در نهاد های دولتی از جمله چالش ها و مشکلات اساسی در برابر پیشرفت های کاری بصورت موثر بود و هنوز هم هست.

### مشارکت تعاملات وسعت: گروپ کاری پالیسی

بیجاشدگان داخلی به منظور کمک و همکاری با وزارت مهاجرین و عودت کنندگان در قسمت پروسه تسوید و مشورت دهی تشکیل گردیده و اکثر اعضای این گروپ کوچک نهاد های بین المللی بشردوستانه میباشد. سعی و تلاش جهت دخیل ساختن کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، اکبر (ACBAR) (سازمان هماهنگ کننده کمک

در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۳ دولت جمهوری اسلامی افغانستان پالیسی ملی بیجا شدگان داخلی رامنظور نمود<sup>۲</sup> که تهیه آن دو سال را دربر گرفت. در نتیجه منازعات و جنگ های داخلی در حدود ۵۰۰۰۰۰ افغان در داخل کشور بیجا شده اند و همچنان اضافه تر از یک میلیون افغان در اثر حوادث طبیعی و پروژه های انکشافی بیجا شده اند. بر اساس یک مقاله روزنامه نیویارک تایمز مورخ فروری ۲۰۱۲ در بعضی محلات فقیرنشین کابل اطفال خانواده های بیجا شدگان داخلی در اثر هوای بی نهایت سرد جان باخته اند، در این محلات فقیرنشین حدود ۳۵۰۰۰ بیجاشده داخلی زیر خیمه ها زنده گی نموده ویا از کلبه های گلی منیجت سرپناه استفاده میکردند.<sup>۳</sup> در پاسخ به مشکلات متذکره، حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان یک قوای کاری را تعیین نموده که متشکل از وزارت مهاجرین و عودت کنندگان و اداره ملی مبارزه علیه حوادث طبیعی افغانستان بود و هدف آن اتخاذ اقدامات مناسب در برابر وضعیت نابسامان بیجاشده گان داخلی میباشد.

قوای کاری متذکره یک گروپ کاری پالیسی را به منظور حمایت و همکاری با وزارت مهاجرین وعودت کنندگان ایجاد نمود. این قوای کاری دیدار گزارشگر خاص سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر



شهرها و مراکز شهرهای بزرگ ساحات مورد توجه بیجا شده گان داخلی را تشکیل میدهند زیرا در آنها محلات امنیتی، فرصت های معیشتی، فرصت های اشتغال و سایر خدمات ابتدائی وجود دارد. هرچند دولت جمهوری افغانستان و جوامع انکشافی منابع کافی را جهت رفع چالش های ناشی از شهری شدن سریع افغانستان خاصاً در قسمت زحف و برآورده سازی نیازمندی های کسانی که بصورت غیررسمی در ساحات فقیر نشین و سایر بخش های شهر مسکن گزین شده اند، در نظر نگرفته اند. پالیسی بیجا شدهگان داخلی مستقیماً روی موضوعات متذکره تمرکز نموده و توجه خاص را روی راه های حل در محلات که نه تنها بیجا شدهگان داخلی بلکه مردم فقیر محل نیز مستفید میگردند، مبدول داشته است.

باوجود اینکه چالش ها و محدودیت های زیادی در برابر پروسه طرح و تسوید پالیسی بیجا شدهگان داخلی قرار داشت ولی اکنون این پالیسی - وسیله ای است - که ذریعه آن از حقوق بیجاشدگان داخلی حمایت میگردد، و به اساس آن رهنمود های لازم ارایه گردیده و کیفیت زنده گی افغان های بیجا شده میتواند بهبود یابد. بدون شک تطبیق پالیسی بزرگترین چالش در برابر ترتیب کننده های مسوده محسوب میگردد: از چگونه گی حصول اطمینان از اینکه پالیسی بیجاشدگان داخلی واقعاً در مورد اقدامات، برنامه ریزی و قانون گذاری آگاهی دهد نه اینکه یک سندباززده در محیط بروکراتیک محسوب شود. کدام مرجع در برابر کدام اقدامات مسوولیت دارد؟ سعی و تلاش کافی و چشمگیر در قسمت تعیین مسوولیت های وزارت های ذیربط در عین حال متفاوت، نهاد های انسجام دهنده و مسوولین بلندرتبه ولایتی و محلی و همچنان جامعه مدنی، جوامع و نهاد های بین المللی بشری و حقوقی و سایر مراجع ذیدخل صورت گرفته است. از اینکه بیجا شدهگان نواحی و مناطق مختلف کشور به اشکال مختلف نمایان گردیده است، مسوولیت ابتدائی در قبال تسوید پلان ها و استراتژی های تطبیقی به والیان تفویض گردیده بود. وزارت مهاجرین و عودت کنندگان مسوولیت تالیف و جمع آوری پلان های متذکره را تحت یک پلان ملی دارد. باید دید که نهاد های مسوول چگونه مسوولیت ها خویش را انجام میدهند.

لایویری اس ویسیبیرگ [lauriewiseberg@gmail.com](mailto:lauriewiseberg@gmail.com) کارمند ارشد حمایت، دفتر بروکاپ  
[www.humanitarianresponse.info/themes/procap](http://www.humanitarianresponse.info/themes/procap)

۱. پالیسی ملی جمهوری اسلامی افغانستان در قبال بیجا شده گان داخلی  
[www.refworld.org/docid/52f0b5964.html](http://www.refworld.org/docid/52f0b5964.html)

۲. رود نورلدن. لینک ذیل را مطالعه نمایند:

[www.nytimes.com/2012/02/04/world/asia/cold-weather-kills-children-in-afghan-refugee-camps.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2012/02/04/world/asia/cold-weather-kills-children-in-afghan-refugee-camps.html?_r=0)

۳. پروژه تقویت ظرفیت، برنامه بین الاداره جهت ارتقای ظرفیت نهاد های مربوطه منظور تسریع برنامه و اقدامات بشری

ها برای افغانستان) و یا سازمان های غیردولتی داخلی به ناکامی مواجه گردید. بعضی نظریات و پیشنهادات از تعداد محدود نهاد مشخص و خاصاً نهادی که در عرصه تحقیقات مشغول بودند مانند سازمان ارتباطات (TLO) و نهاد ساموویل هال دریافت گردید ولی این موارد استثنائی هستند. برعلاوه اوضاع نامناسب امنیتی و عدم دسترسی به بعضی مناطق، برقراری تعامل با والیان و مسوولین بلندرتبه ولایتی و ولسوالی ها و خاصاً آن عده کسانی که در قسمت تطبیق پالیسی مهم هستند را با مشکل و چالش مواجه ساخت.

**نمایندگی بیجاشدگان داخلی:** گفتگو و مشورت با بیجا شدگان داخلی به خصوص مشکل و بغرنج بود زیرا آنها دارای نماینده گان یا وکیل مشخص جهت اظهار نظر و شریک ساختن پیشنهادات شان نیستند. از این رو هنگام تدویر جلسات با گروه های متعدد بیجا شدهگان داخلی ندرتاً روی موضوعات و نیاز های مشخص و مورد ضرورت گروه ها مانند آب، غذا، مسایل صحتی، تعلیم و تربیه و اشتغال فراتر نرفت.

### رفع مشکلات و مسایل کلیدی

طرح و ترتیب اسناد جهت رفع و برطرف سازی مشکلات و مسایل مغلق کلیدی در افغانستان یک موضوع عمده و چالش برانگیزاست. از جمله چالش ها و مشکلات عمده در حالی که والیان، شاروال ها و سایر مسوولین بلندرتبه خواهان حل مشکل بیجا شدهگان داخلی هستند اما یگانه راه حلی که آنها پیشنهاد می کردند برگشت بیجا شدهگان به مناطق مربوطه شان بود. مفهوم ادغام محلی و اسکان مجدد در آجندهای کاری آنها قرار نداشت و تخصیص زمین رهایشی برای بیجا شده گان داخلی در ولایات دیگری مفهوم قابل پذیرش و بغرنج برای آنها محسوب میگردید. در پالیسی بیجا شدهگان داخلی این موضوع را آشکار ساخته است که پذیرش سه راه حل درازمدت نیاز است و ادغام محلی بیجا شدهگان داخلی و مهاجرین عودت کننده که قادر به بازگشت به مناطق مربوطه خویش نیستند، موضوع حایز اهمیت میباشد.

تشخیص افراد بیجاشده داخلی یک موضوع بحث برانگیز است. افغان ها در قسمت درک و پذیرش بیجاشدگان داخلی از اثر جنگ های داخلی و یا حوادث طبیعی غیرمرتبه مشکل ندارند ولی در قسمت پذیرش بیجاشدگان داخلی که از اثر حوادث طبیعی مانند خشکسالی شدید بیجا می شوند برایش خیلی دشوار است زیرا در همچو موارد تمایز مهاجران اقتصادی با بیجا شدهگان داخلی دشوار می شود. با این حال، عودت کنندگان قادر به برگشت محل سکونت اصلی شان نیستند و افراد بیجا شده از اثر پروژه های انکشافی در این پالیسی به عنوان افراد قابل نگرانی گنجانیده شده اند.

## استقرار بازگشت: نقش استراتژی راه حل

بیرفرانسیسکو ماریا ناتا

تهیه حد اقل معیارهای مناسب برای زنده گی و فرصت های معیشتی بمنظور کمک و همکاری در قسمت استقرار آن عده کسانی که به کشورشان بازگشت کرده اند برای ثبات و امنیت آینده افغانستان خیلی ها مهم است. این موضوع یکی از سه هدف عمده استراتژی راه حل برای مهاجرین افغان سال ۲۰۱۲ است.

قابل ذکر است که بعضی تغییرات مثبت و قابل توجه نیز در افغانستان اتفاق افتاده است: عواید سرانه داخلی ۸,۲ فیصد رشد نموده، تعداد استادان و معلمین هفت برابر افزایش یافته، در حدود ۸۵ فیصد نفوس کشور به خدمات ابتدائی صحتی دسترسی داشته و مرگ و میر مادران در هنگام زایمان از ۱۴۰۰ به ۳۲۷ در هر ۱۰۰۰۰۰ ولادت زنده کاهش یافته است. هرچند باوجود این تغییرات مثبت و مصارف ملیارد ها دالر کمک های بین المللی، افغانستان هنوز هم فقیرترین کشور در منطقه محسوب میگردد.

از آغاز برنامه بازگشت داوطلبانه مهاجرین به افغانستان در سال ۲۰۰۲ میلادی، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجرین (UNHCR) کمک و حمایت لازم را به مهاجرین بازگشت کننده جهت برآورده سازی نیازمندی های اولیه زنده گی و استقرار مجدد شان انجام داده است، این کمک ها شامل: سرپناه، آب آشامیدنی، پروژه های عوایدزا، آموزش مهارت ها، سواد آموزی و پول برای کار می باشند. باوجود این، مهاجرین که بازگشت به وطن را انتخاب نمودند با مشکلات و چالش های زیادی بشمول عدم دسترسی به امنیت در قسمت غضب زمین، عدم دسترسی به خدمات ابتدائی، تداوم جنگ و ناامنی مواجه هستند. همچنین عدم دسترسی به سرک های مصئون، دسترسی به بازار، سیستم های مناسب آبیاری و عدم دسترسی به حفاظت در برابر سیلاب و سایر حوادث طبیعی وجود دارد. تهیه حد اقل معیارهای مناسب برای زنده گی و فرصت های معیشتی بمنظور کمک و همکاری در قسمت استقرار آن عده کسانی که بازگشت کرده اند برای ثبات و امنیت آینده افغانستان خیلی ها مهم و حیاتی است. در عین زمان وضعیت مهاجرین افغان در کشورهای همسایه که بازگشت خود را به تعویق انداخته اند باید بصورت درست تنظیم گردیده و یک راه حل بدیل جستجو و تقویت گردد. در حال حاضر نیاز جدی برای دخالت یکپارچه سازمان ملل متحد و مسوولین دولت وجود دارد تا اطمینان حاصل کنند که کمک های مورد نیاز بشردوستانه و انکشافی به صورت تکمیلی وجود دارد.

### استراتژی راه حل برای مهاجرین افغان

با در نظر داشت اهداف فوق، در سال ۲۰۱۱ دولت جمهوری اسلامی افغانستان، جمهوری اسلامی ایران و دولت پاکستان با

مهاجرین افغان بزرگترین جمعیت مهاجرین را در جهان تشکیل می دهند و از جمله طولانی ترین دوره های مهاجرت را از سر گذرانده اند. مهاجرین افغان همچنین بزرگترین رقم بازگشت کنندگان را تشکیل می دهند که این روند تا هنوز هم جریان دارد. از سال ۲۰۰۲ بدنیسو اضافه تر از ۵,۸ میلیون مهاجر افغان به افغانستان بازگشت نموده اند و سالیهای تبعید شان خاتمه یافت. حدود ۸۰ فیصد این مهاجرین برای اضافه تر از ۲۰ سال در تبعید بسر برده اند. حدود ۴,۷ میلیون مهاجر افغان توسط کمیساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجرین (UNHCR) ذریعه برنامه های بازگشت داوطلبانه مهاجرین، کمک و حمایت گردیدند.

در حالیکه در سالیهای بین ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۸ توده بزرگ مهاجرین افغان ( در حدود ۴۳۶۹۰۸۶ بازگشت کننده توسط UNHCR ثبت و راجستر گردیده است) به کشور شان بازگشت نموده اند ولی در سه سال گذشته کاهش چشمگیر در بازگشت مهاجرین نمایان گردیده و در مجموع در این سه سال در حدود ۲۰۱۲۸۴ افغان به کشورشان بازگشته اند. این روند نشانده تغییر شرایط، نسبت به سال های آغازین بازگشت مهاجرین را نشان میدهد که در آن زمان بعد از سقوط رژیم طالبان شوق، اشتیاق و خوش بینی که وجود داشت باعث شده بود تا مهاجرین بازگشت کننده موانع و چالش های موجود در بازگشت به کشوری که در اثر ۲۰ سال جنگ ویران شده بود را نادیده بگیرند. اکثریت این موانع و چالش ها تا هنوز هم پا برجا هستند، خاصاً عدم دسترسی به معیشت و عدم موجودیت خدمات ابتدائی در ساحات و مناطقی که مهاجرین بازگشت کرده اند و همچنان تشدید ناامنی ها در بعضی نقاط افغانستان - اما شوق و اشتیاق قبلی جای خود را به یک رویکرد واقعبینانه داده است که بیشتر مهاجرین افغان از رویکرد "منتظر مان و ببین" استفاده مینمایند. همچنین روشن است در حالی که در سال های گذشته بیشتر مهاجرین افغان دارای ارتباطات محکم با کشور اصلی شان بوده ولی نسل سوم افغان که در تبعید تولد گردیده و ارتباطات محکم با کشور اصلی خویش ندارند، نگاه واقعبینانه و انتقادی نسبت به اوضاع کشورشان دارند و منتظر دلایل محکم در بهبود و انکشافات اوضاع امنیتی، اقتصادی و ثبات در کشور هستند.

پروسه های تصمیم گیری در خانواده ها و جوامع توجه خاص مبذول گردیده است. این پروژه ها بر افزایش آگاهی زنان در مورد توانایی های بالقوه آنها در تامین عواید و ظرفیت های شان در قسمت شرکت در جامعه تمرکز نموده و در عین حال روی شیوه وسیعتر جلوگیری از خشونت های جنسی و جنسیتی علیه زنان توجه می نماید. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور مهاجرین (UNHCR) به شناسایی و اولویت بندی برنامه خویش ادامه میدهد تا با ساحاتی که دارای برگشت بیشتر مهاجرین هستند با در نظر داشت جریان بازگشت و دسترسی به شمول مناطق شهری مطابقت داشته باشد. در صورت کمبود نهاد های کمک کننده در موقعیت های مورد نظر، UNHCR پروژه های مناسب دارای تاثیرات فوری را روی دست میگیرد (مثلا اعمار سرک های کوچک جهت بهبود فرصت های معیشت). در ضمن از نهاد های انکشافی تقاضا به عمل میآید تا فرصت های پایدار و طولی مدت را مهیا سازند.

پروژه های که در چارچوب استراتژی راه حل ارائه شده اند نه تنها روی مشکلات سرپناه و خدمات ابتدائی تمرکز نموده بلکه روی شیوه های بهبود مصونیت و همزیستی صلح آمیز توجه مبذول داشته است. جدا از تهیه سرپناه، آب، کلنیک های صحتی و آمبولانس ها، برنامه های آموزشی مسلکی و تعلیمی و توسعه سهولت های تعلیمی، استراتژی راه حل در دو سال اخیر نصب سیستم های تنویر آفتابى را در خانه ها و سرک های ساحات برگشت مهاجرین تسریع بخشیده، مصونیت زنان را بهبود و بهتر ساخته، سه فابریکه کوچک هایدور پاور (نیروگاه برق آبی) به منظور بهبود دسترسی به انرژی برق برای عودت کنندگان و جامعه میزبان در ساحات مسکونی ایجاد نموده و زیربنا های اقتصادی - اجتماعی را در ساحات مربوطه (سرک، سیستم های آبیاری و مراکز اجتماعی) دوباره احیا نموده است. تمرکز اساسی تمام برنامه های کمیساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجرین (UNHCR) هم روی برنامه های کمک های فوری بشردوستانه و هم برنامه های ادغام درازمدت برای بهبود و پیشبرد اصول حمایت و حفاظت میباشد. این بدین معناست که کمیساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجرین (UNHCR) نه تنها روی ارائه کمک ها به شکل سرپناه و یا مواد کمکی و یا پول نقد تمرکز می کند بلکه روی مصونیت، عزت و حقوق افراد مورد نظر توجه می نماید. در بعضی موارد این برنامه ها شامل رفع نگرانی های مربوط مصونیت ( به گونه مثال، از طریق حمایت پروژه SGBV و یا برنامه حمایتی حقوقی) بوده و در سایر موارد تدابیری را روی دست می گیرد که منجر به بهبود مصونیت در آینده شود ( به طور مثال، پروژه های معیشتی که باعث کاهش خطرات بیجا شدن ثانوی گردیده و یا فرصت های تعلیمی که باعث کاهش خطرات ازدواج زیر سن میگردد).

کمک و همکاری (UNHCR) پروژه مشورتی چهارجانبه را آغاز نمودند که این امر سبب تطبیق استراتژی راه حل مهاجرین افغان در می ۲۰۱۲ میلادی گردید تا از بازگشت داوطلبانه، استقرار مجدد دوامدار حمایت گردیده و به کشور های میزبان کمک صورت گیرد، این استراتژی توسط بیش از ۵۰ کشور به تصویب رسیده است.<sup>۱</sup> استراتژی راه حل مهاجرین افغان فرصت مناسبی را جهت شناسایی راه های استقرار معقول بازگشت کنندگان در داخل افغانستان و جلوگیری از تحرکات ثانوی فراهم می کند.

در مراحل نخست استراتژی راه حل مهاجرین افغان روی ۴۸ ساحه انتخاب شده که از میزان بالای بازگشت برخوردار بودند، تمرکز نموده است تا روی فعالیت های که با استقرار مجدد بازگشت کننده گان ارتباط میگیرد، توجه بیشتر مبذول گردد. بعد از ارزیابی ابتدائی این امر واضح گردید که بازگشت کنندگان جدید به ساحات دیگر کوچ می کنند و بنابراین تصمیم گرفته شد تا ساحات تحت پوشش بازگشت مهاجرین گسترش یابد و کمک و همکاری مستقیم در مطابقت با جریان واقعی بازگشت کننده گان فراهم شود. و در سال ۲۰۱۴ بسته ای از پروژه های پیشنهاد شده ذریعه کار و فعالیت مشترکانه سه دولت متذکره، اداره های سازمان ملل متحد، سازمان های بین الدولتی و سازمان های غیر دولتی بین المللی و ملی ترتیب گردید، این ادارات از طریق یک چارچوب یکپارچه جهت تامین همکاری و هماهنگی چندجانبه در هر کشور کار و فعالیت مینمایند.

استراتژی راه حل در مطابقت با برنامه های اولویت ملی دولت افغانستان (NPPs) قرار داشته و این استراتژی در صدد است تا تسهیلات لازم را برای انتقال از کمک های بشردوستانه کوتاه مدت به برنامه های انکشافی درازمدت ایجاد کند. برنامه همبستگی ملی (NSP)<sup>۲</sup> که یکی از بخش های اساسی برنامه اولویت ملی (NPPs) است یکی از ابزارهای عمده در عرصه انکشاف دهات و ارتقای مناطق روستایی در افغانستان است. این برنامه که توسط وزارت احیا و انکشاف دهات افغانستان در سال ۲۰۰۳ با هدف انکشاف و احیا روستاها و دهات در افغانستان راه اندازی گردید و مقصد این برنامه تقویت جوامع روستائی و تشویق آنها برای شرکت در انکشاف محلی میباشد. به دلیل پوشش وسیع این برنامه، برنامه انکشاف ملی این ظرفیت را دارد تا به مشکلات جوامع مهاجرین بازگشت کننده رسیده گی نموده و در قسمت بازگشت پایدار همکاری نماید.

الویت اساسی استراتژی راه حل عبارت از تقویت جوانان از طریق برنامه های آموزشی و ارائه خدمات مسلکی میباشد. در این استراتژی به پروژه های که هدف آنها بهبود حضور زنان در



می ۲۰۱۴

## مشارکت و هم‌آهنگی

را جهت هم‌آهنگی و جمع آوری وجوه مالی در سطح منطوقی و کشوری روی دست گرفتند. عناصر کلیدی این استراتژی شامل تامین وجوه مالی قابل پیش بینی چند ساله برای استراتژی راه حل و همچنان توسعه مشارکت با دونر ها و کمک کننده های غیر سنتی و فعالان اساسی بخش انکشافی میباشد.

کمیته رهبری ملی استراتژی راه حل پروسه تطبیق این استراتژی را از طریق کمیته هم‌آهنگی بین وزارتخانه هدایت می کند که ریاست آن بر عهده مقام وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان میباشد. این کمیته مسوولیت تنظیم یک صندوق وجهی متشکل از چند دونر را نیز به عهده دارد. تمام این ابتکار و برنامه های استراتژی راه حل برای تمرکز اساسی روی اوضاع بشردوستانه در مرحله غیر قابل پیش بینی انتقال در افغانستان روی دست گرفته شده است که تنها روی افراد بیجا شده و عودت کنندگان در داخل افغانستان اثرگذار نبوده بلکه روی مهاجرین افغانی که در کشورهای همسایه و سایر نقاط جهان در مهاجرت بسر میبرند نیز تاثیر مینماید.

پییرفرانسسکو ماریا ناتا [natta@unhcr.org](mailto:natta@unhcr.org) معاون نمایندنده - حفاظت، دفتر UNHCR در افغانستان است.  
[www.unhcr.org](http://www.unhcr.org)

۱. [www.unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf](http://www.unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf)  
۲. [www.nspafghanistan.org](http://www.nspafghanistan.org)

به منظور انکشاف و تطبیق برنامه ها در مطابقت با برنامه های ملی و هم‌آهنگی و مشارکت با برنامه های دولت مانند برنامه اولویت های ملی مهم و حیاتی محسوب میگردد. وزارت مهاجرین و عودت کننده گان و ریاست های ولایتی آن در قسمت عودت داوطلبانه و برگشت و استقرار مجدد پایدار مهاجرین از جمله همکاران مهم و اساسی کمیساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجرین (UNHCR) به شمار می روند. با این حال تلاش برای ایجاد تعامل و همکاری بیشتر با دیگر وزارت های کلیدی و نهاد های انکشافی سازمان ملل متحد صورت گردیده و در نظر است تا نیازمندی های عودت کننده گان در برنامه انکشافی ملل متحد بعد از سال ۲۰۱۵ شامل گردد. در حال حاضر فرصت های همکاری با برنامه های انکشاف روستایی بانک جهانی و بانک انکشاف آسیایی شناسائی گردیده و هدف آن ارتباط دادن راه حل های بازگشت با برنامه های انکشاف زراعتی میباشد. اداره غذا و زراعت سازمان ملل متحد (FAO) و کمیساریایی عالی سازمان ملل در امور مهاجرین (UNHCR) ابتکار ایجاد بحث ها فرامرزی را روی دست گرفته اند که ذریعه این برنامه ها به خانواده های مهاجرین دهقان در پاکستان امکان دسترسی به برنامه های آموزشی مساعدی می شود تا آنها بتوانند در مورد عودت پایدار و اسقرارمجدد در افغانستان معلومات لازم را دریافت کرده از چشم انداز بهتری در این خصوص برخوردار شوند.

در سال ۲۰۱۳ میلادی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دولت پاکستان و جمهوری اسلامی ایران یک استراتژی بسیج منابع مشترک



قریه قشلاق مهاجر در ولایت بلخ، که برای پناهندگان عودت کننده از پاکستان ساخته شده و به سیستم برق آفتابی



## بهبود وضعیت امنیتی تصرف اراضی برای بیجاشدگان داخلی

شوبا راو و جان تورکسترا

فضیه مسلخ در غرب افغانستان یک مثال واضحی است که پالیسی جدید افغانستان در قبال بیجاشدگان داخلی را در واقعیت افاده می نماید. در صورت تطبیق موفقانه پروژہ از تامین امنیت تصرف اراضی برای بیجاشدگان داخلی در ساحات شهری اطمینان حاصل گردیده و یک پیشینه خوب برای پذیرش بیجاشدگان داخلی در سراسر افغانستان ایجاد میگردد، چونکه تا حال این مشکلات بیجاشدگان داخلی یک موضوع کاملاً سیاسی محسوب میگردد.

پروسه سریع شهری شدن در افغانستان به صورت وسیع بازتاب جهانی موارد مشابه است. در افغانستان نیز بیجاشدگان داخلی به صورت روزافزون در شهرها در درازمدت و کوتاه مدت جهت مستفید شدن از وضع امنیتی بهتر، دسترسی به خدمات عامه، فرصت های معیشتی و شبکه های قومی ویا روابط اجتماعی مسکن گزین میگرددند. در افغانستان رقم شهرنشین شدن سالانه ۵ فیصد تخمین گردیده است که یکی از بزرگترین رقم ها در سطح جهان میباشد.

یکی از پیامد های آشکار شهر نشینی سریع، رشد سریع ساحات مسکونی غیرقانونی در شهرهاست، در کابل تقریباً ۷۰ فیصد مردم در محلات غیرپلان شده و غیر رسمی زنده گی میکنند.

خانواده های بیجاشده در افغانستان در وضعیت دشوار و پرمخاطره زنده گی می نمایند. بانک جهانی و دفتر مهاجرین ملل متحد یک برنامه مطالعاتی را در سه ساحه شهری افغانستان<sup>۱</sup> تدویر نمود، بر اساس این مطالعات بیجاشدگان داخلی آسیب پذیرتر و در وضعیت بدتری نسبت به مردم فقیرساکن محل قرار دارند و خاصاً زمانی که بیکار هستند و به خانه های مناسب دسترسی ندارند و قادر به تامین غذا نیستند. تنها یکی از سه حصه افراد سروی شده به برق، آب آشامیدنی و سیستم تخلیه فاضلاب دسترسی داشتند.

یکی از موضوعاتی که در «خط مشی ملی» جدید افغانستان درباره بیجاشدگان داخلی مطرح شده، «حق برخورداری از مسکن مناسب» و «دسترسی به زمین» (ماده ۷، ۱۳) است. این خط مشی تأکید دارد که یکی از بزرگترین موانع روبروی بیجاشدگان در افغانستان در فقدان دسترسی به زمین و امنیت مسکن است- امری که باعث شده تا بیجاشدگان در مسکنهای غیررسمی زندگی کنند و از همین لحاظ در معرض تهدید و اخراج اجباری قرار داشته باشند. خط مشی راجع به بیجاشدگان داخلی به حکومت توصیه می کند تا زمینهای مناسب را شناسایی کرده و ترتیبات لازم را با صاحبان آنها و جوامع میزبان در نظر گرفته و سرپناه اضطراری و موقت برای بیجاشدگان فاقد خانه، در صورت ضرورت با کمک نهادهای بشردوستانه، فراهم سازند. در این خط مشی از دولت خواسته شده تا (۱) اقداماتی را انجام دهد تا اطمینان به دست آید که بیجاشدگان اجازه یابند تا وضعیت

خانه خود را به میزانی بهبود بخشند که با استاندارد جهانی برای سرپناهای اضطراری سازگار شود، (۲) ابتکاراتی در سطوح محلی برای کرایه دادن و یا فروش زمین در مناطقی که بیجاشدگان داخلی اسکان یافته اند، روی دست بگیرد، و (۳) گزینه و راه حل های دیگری به منظور دادن مصونیت به بیجاشدگان برای اسکان و از جمله طرحهایی برای برخورداری از حق استفاده از مکان اقامت جستجو کند.

در افغانستان زمین یک موضوع کاملاً قابل مشاجره و منازعه بوده و جنگ و دعوا بالای زمین از جمله منازعات و مشاجرات مروج میباشد. دعواها و مشاجرات و ادعاهای چندگانه مربوط به زمین دارای ریشه های عمیق تاریخی بوده ویا از منازعات مربوط به میراث بروز می نماید. رشد نفوس، بازگشت دوباره توده اعظیم مهاجرین و غضب و تصرف غیرقانونی خانه و اراضی به این مشکلات افزوده است. حل و فصل چنین قضایا مشکل و پیچیده بوده و یکی از دلایل آن نافذ بودن چندین قوانین در کشور است از جمله قوانین عرفی افغانستان، قوانین شریعت اسلامی، قوانین دولتی، که در قوانین دولتی در مورد موضوعات اراضی در ساحات شهری و روستائی بصورت چشمگیر غفلت شده است.

در افغانستان بعضی قضایا و دعوا های معمول زمین عبارت اند از: غضب زمین توسط افراد با نفوذ/ جنگ سالاران، دعوا زمین میان اقوام کوچی و ساکنین روستا ها، قضایا زمین بدون مالک و مشارات در مورد اینکه این زمین ها تا چه حدی بی صاحب اند، فرقی میان اراضی و مالکیت ملی عامه و اینکه کدام اراضی ملکیت عمومی محسوب میگردد، دعوای چند جانبه بالای یک قطعه زمین مشخص خاصاً زمانی که پای قومندانان و جنگ سالاران مقتدر که از زمین به عنوان عریده سیاسی استفاده می کنند در میان باشد. تصرف اراضی در ساحات گرانقیمت شهری بیشتر سیاسی بوده و شاروال ها ویا گروه های سیاسی موقت های مختلفی را اختیار نموده اند. در بیشتر موارد مسپله نژاد و قوم یک فکتور اساسی در اینگونه مشاجرات محسوب گردیده و مسوولین محلی از این در هراس اند که افراد منسوب به دیگر گروه های قومی باعث تغییر نفوس و وضع سیاسی گردیده و میزان نفوس ساحه را برهم خواهد خورد.

می ۲۰۱۴

برخی از مسایل مشترک مربوط به زمین در افغانستان عبارتند از: غصب زمین توسط نخبگان/جنگسالاران؛ اختلافات بر سر زمین بین کوچپها و ساکنان محلی؛ اختلاف بر سر محدوده زمینهای بدون مالک؛ تشخیص بین ملکیت دولت و ملکیت «مشترک» محلی؛ و وجود مدعیان متعدد مالکیت زمین، بویژه در مورد فرماندهان مقتدر و جنگسالاران که از زمین به عنوان ابزاری برای کسب وفاداری سیاسی بهره می برند. امنیت تصرف زمینهای شهری بارزتر است بیشتر با مسایل سیاسی آغشته است و بسیاری از شهرداران یا شاروالان و یا احزاب سیاسی شیوه های بسیار متفاوتی را برای اعمال نفوذ از این طریق به کار می برند. مسئله قومیت و احضا یک فاکتور مهم در شرایط متعدد است و مقامات محلی نگرانند که تازه واردان مربوط به سایر اقوام ممکن است ترکیب جمعیتی، و به همین ترتیب توازن سیاسی، را در منطقه مورد نظر شان تغییر دهند.

### ساحه مسلخ و دیگر ساحات مسکونی غیر رسمی در ولایت هرات

مسکون بیجاشدگان داخلی مسلخ در حومه شهر هرات واقع گردیده و بزرگترین کمپ برای بیجاشدگان داخلی در افغانستان محسوب میگردد و درعین حال از بزرگترین کمپ های مهاجرین در جهان میباشد که در زمانی در حدود ۳۵۰۰۰۰ بیجاشده داخلی در آن جاگزین بود. در اوایل سال ۲۰۰۲ میلادی نفوس موجود در مسلخ در حدود ۱۲۰۰۰۰ نفر تخمین گردیده بود. در اواخر ۲۰۰۲ برنامه های بزرگ توزیع خاصاً توزیع مواد غذائی موازی به پروسه بازگشت پلان شده متوقف گردیده و این کمپ رسماً در سال ۲۰۰۵ میلادی مسدود گردید. متعاقباً دولت افغانستان شیوه های مختلف را جهت تعامل با ساکنین این ساحه مسکونی روی دست گرفت، بعضی اوقات آنها را به عنوان بیجاشدگان داخلی اجازه سکونت داده و بعضاً از پذیرش آنها به عنوان بیجاشدگان داخلی خودداری می کرد، این در حالی که شناخته شدن این آوارگان به عنوان بیجاشدگان داخلی یک امر کلیدی در قبال دسترسی آنها به خدمات و کمک های بشری محسوب میگردد.

مسکون بیجاشدگان داخلی مسلخ در حومه شهر هرات وجود دارد: ساحات شیدائی، کمپ های منار و فرقه در محدوده شهر هرات و کمپ کمرکله در حومه شهر موقعیت دارند. بر اساس احصائیه فعلی در حال حاضر در کمپ مسلخ ۳۶۴۸ خانواده (۱۷۹۳۳ نفر)، کمپ منار ۵۸۱ خانواده (۲۹۵۰ نفر) و ساحه شیدائی ۲۱۸۸ خانواده (۱۰۴۳۱ نفر) مسکن گزین میباشد. کمپ مسلخ در ۱۳ کیلومتری خارج شهر هرات بالای زمین های ملکیت اداره اراضی موقعیت داشته و کمپ مناره و شیدائی در محدوده شهر هرات بالای زمین های که قبلاً ملکیت وزارت داخله و در حال حاضر اراضی شاروالی محسوب میگردد، ایجاد گردیده اند. بیجاشده گان داخلی در کمپ های مناره، شیدائی و مسلخ تذکرنامه برای تخلیه ساحات مسکونی شان را دریافت نموده و از سال ها بدینسو در قسمت تخصیص زمین

بررسی و گفتگو نموده ویا خواهان اجازه سکونت در ساحات مسکونی فعلی شان بودند.

بیجاشدگان داخلی کمپ شیدائی حتی به دفتر حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان مراجعه نموده و رئیس جمهوری کرزی در قسمت انتقال آنها از نزدیکی سرک عمومی به اراضی بلاتصدی در ساحات نزدیک به کوه های شیدائی موافقت نمود. هرچند به دلیل موجودیت لاین های برق با ولتاژ بلند در ساحه و عدم موجودیت آب آشامیدنی، بیجاشدگان داخلی قادر به جابجا گردنند. با درآمد پائین و دسترسی خیلی اندک به تسهیلات زیربنایی و خدمات لازم، بیجاشدگان داخلی در وضعیت آسیب پذیری قرار دارند. در صورت ادامه عدم دسترسی به زمین، سرپناه دائمی و عدم موجودیت امنیت تصرف زمین، بیجاشدگان داخلی هیچ امیدی در قسمت برطرف سازی دایره محرومیت های و فقر ندارند.

مسوولین محلی الی اوایل سال ۲۰۱۳ میلادی بیجاشدگان داخلی را منحیت ساکنین دائمی ولایت هرات محسوب نمی کردند ولی ظاهراً مشورت ها در قبال پالیسی بیجاشدگان داخلی باعث ایجاد تغییرات اندک در رفتار سیاستمداران سرشناس به میان آورده است در حال حاضر این سیاستمداران درک نموده اند که بیجاشدگان داخلی به مکان اصلی شان باگشت نمی نمایند. یگانه راه حل پایدار برای بیجاشده گان داخلی ادغام آنها در جامعه میباشد و سرانجام دولت تمایل خویش را در قسمت تجدید و تنظیم کمپ مسکونی مسلخ ابراز داشت که این به نوبه خود یک گام مهم محسوب میگردد.

سوالی که به وجود میاید این است که فرق میان ساحه مسکونی مسلخ با سایر ساحات برنامه های تخصیص زمین در افغانستان در چیست. برنامه تخصیص زمین عبارت از ساحات مشخصی است که به قطعات معین تقسیم گردیده و به مستفیدین بفروش رسیده و یا طوریکه در فرمان ۱۰۴ ریاست جمهوری تصریح یافته است، بصورت رایگان در اختیار شان (خاصاً برای مهاجرین بازگشت کننده ویا بیجا شده گان داخلی) قرار داده میشود. این برنامه در سال ۲۰۰۵ به منظور جلوگیری از تأثیرات سوی قلت زمین و خانه برای مهاجرین عودت کننده از سوی دولت راه اندازی شد. برنامه تخصیص زمین در ولایات متعدد وجود داشته و وزارت عودت مهاجرین مسوولیت اداره و تنظیم آنرا به عهده دارد. هرچند این برنامه بنابر دلایل متعدد مورد نقد و اعتراض قرار گرفته است.

به صورت عموم میزان اشغال زمین نمره های رهایشی تخصصی خیلی پائین است و بعضی ادعاها در رابطه به عدم توزیع زمین به فامیل های نیازمند و در عوض توزیع آن به معامله گران زمین وجود دارد. برعلاوه ساحات زمین ها تخصصی در ساحات دور از شهرها موقعیت داشته

که دسترسی به خدمات ابتدائی (آب، مکاتب، کلینیک ها و غیره)، فرصت های معیشتی را مشکل می سازد. بنابراین آنها به حمایت مالی خارجی متکی میباشند که سرانجام سکونت در آنها ناپایدار می شود. (در ولایت هرات ساحه تخصیص زمین سادات در حدود ۳۰ کیلومتر دورتر از شهر در نزدیکی شاهراهی هرات - ایران در غرب این شهر موقعیت داشته و هیچگونه فرصت های کاری در ساحات نزدیکی آن وجود ندارد- و شبیه شهر اشباح می باشد.) برعلاوه اخیراً وزارت عودت مهاجرین روی تخصیص زمین برای مهاجرین بازگشت کننده تمرکز نموده و افراد بیجاشده داخلی شامل این برنامه نمیگردند، حتی در حال حاضر از



تخریب سرپناهها در کمپ بیجاشده گان داخلی مسمی به مسلخ، شهر هرات، غرب افغانستان

در نظر گرفته شده است. با توجه به حساسیت و ماهیت سیاسی موضوعات متذکره، نهاد های مربوط این پروژه را با همکاری دفتر مقام ولایت، شاروالی هرات، ریاست ارگان های محلی، وزارت عودت مهاجرین، وزارت شهر سازی، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري و اداره اراضی افغانستان طرح و ترتیب نموده است. دفتر هیئتات بعضی بحث و گفتگو های لازم را جهت تامین و توسعه فرصت های تصدی زمین برای بیجاشدگان داخلی کمپ مسلخ با مسوولین مرکزی و ولایتی انجام داده است، این گفتگو شامل حق دایمی، اسناد قانونی (قباله)، سند فردی زمین و سایر انواع اسناد زمین می گردد و توقع می رود تا دولت یکی از گزینه های فوق را مورد پذیرش قرار دهد.

### پیشنهادات

به منظور تامین پیشرفت کاری در قبال دریافت راه های حل پایدار برای بیجاشدگان داخلی در افغانستان، ایجاب می نماید تا موارد مهم ذیل برای کمپ مسلخ و سایر ساحات مربوطه در نظر گرفته شود:

تدویر برنامه های سروی بصورت منظم در ساحات مسکونی غیررسمی در سراسر افغانستان به منظور آگاهی دهی به بحث و گفتگو های دولت در رابطه راه های حل پایدار و تنظیمات امور<sup>۴</sup>

پلان های امنیبت تصرف زمین بشمول جزئیات پلان گسترش خدمات ابتدائی

بیجاشدگان داخلی تقاضا میگردد تا جهت دریافت زمین از طریق برنامه تخصیص زمین در ساحات سکونت اصلی شان درخواست نمایند نه در ساحات سکونت فعلی شان .

یکی از چالش های اساسی و بنیادی عبارت از فراهم سازی زمینه تصرف زمین برای خانواده های بیجا شدگان داخلی در ساحات مناسب و اقتصادی بوده و تجدید سریع این ساحات به سیستم ها و زیربنا های خدمات ابتدائی یک گام مهم محسوب میگردد. کمپ مسلخ خارج از ساحات انکشاف یافته شهر هرات موقعیت داشته ولی از فرصت های اشتغال بسیار زیاد فاصله ندارد. برعلاوه این کمپ بالای زمین های دولتی ایجاد گردیده و بنابراین امکان بهره برداری سیاسی از آن کمتر است. قابل ذکر است که در حال حاضر زمین مناسب و بلاتصدی در کمپ مسلخ به اندازه کافی جهت مسکن گزینی خانواده های بیجاشدگان از کمپ های شیدائی و مناره نیز وجود دارد. موقعیت مرکزی کمپ مناره و موقعیت استراتژیکی کمپ شیدائی در امتداد شاهراه از جمله فکتور های است که باعث جلوگیری از تنظیم و تجدید کمپ ها میگردد زیرا زمین در این ساحات دارای قیمت بلند می باشد.

در حال حاضر پروژه مشترک کمپساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجرین و هیئتات یا نهاد مسکن سازمان ملل متحد (UN-Habitat) در نظر دارد تا در برابر نیازمندی های فوری خانواده های بیجا شدهگان داخلی ساکن در کمپ مسلخ از طریق رسمی سازی عملی این کمپ و ذریعه تهیه خدمات ابتدائی (آب آشامیدنی، سرپناه و سایر تسهیلات لازم) اقدامات لازم را اخذ نموده و در قسمت تهیه فرصت های معیشتی حمایت نماید، چنانچه استندرد های جهانی از جمله اقدامات آغازین

می ۲۰۱۴

ایجاد معیارهای شایسته در هماهنگی با وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان، دفتر مقام ولایت و شاروالی هرات جهت تخصیص زمین برای بیجاشدگان داخلی کمپ مسلخ به اهداف فوق ضروری است.

برنامه توزیع بیشترزمین (توزیع زمین باید در موقعیت‌های مناسب صورت گیرد مثلا در محدوده شهر ویا حاشیه شهرها) برای بیجاشدگان داخلی و سایر خانواده‌های با عواید کمتر) در ولایت هرات و سایر ولایات کشور)

شوبا راوو، [shobha.rao@unhabitat-afg.org](mailto:shobha.rao@unhabitat-afg.org) هماهنگ‌کننده  
قوای کاری ملکیت، زمین و خانه، در UN-Habitat  
جان ترکسترا، [jan.turkstra@unhabitat-afg.org](mailto:jan.turkstra@unhabitat-afg.org) مشاور  
انکشاف شهری، UN-Habitat  
[www.unhabitat.org](http://www.unhabitat.org)

گفتگو و مشورت با ساکنین کمپ‌های بیجاشدگان داخلی در مراحل پلانگذاری و تطبیق پروژه مثلا از طریق شورای انکشاف محلی پیشنهادی دفتر هیئتات که زنان و مردان در این برنامه شامل اند.

برنامه‌های استقرار مجدد با حمایت‌های لازم و موارد تشویقی منجبت بخش از پالیسی راه حل برای بیجاشدگان داخلی در ساحات مسکونی غیررسمی

توقع می‌رود تا کمپ مسلخ یک مودل یا نمونه مناسب برای سایر ساحاتی که با چالش‌های مشابه مواجه هستند، محسوب گردد. از همه مهمتر این عمل باید رهبران و گروه‌های سیاسی و سایر نیروهای ذی‌دخل در قدرت را تشویق نماید تا بیجاشدگان داخلی را منتها منجبت شهروند پذیرفته بلکه آنها را یک دارائی برای جوامع شان محسوب نمایند. در حال حاضر در افغانستان فکتورها و عوامل اساسی که باعث بیجاشدن افراد

## تنظیم مجدد راه حل‌ها برای مهاجرین افغان: نقش سازمان‌های غیردولتی

### بشری

دان تیلیلر

برنامه‌ها و پروگرام‌های حمایتی منظوقی برای مهاجرین افغان باید طوری ترتیب و تنظیم گردد که حامی و پاسخگو مناسب در آنها مدنظرگرفته شده و این موارد نسبت به حل مشکلات ناشی از تغییرمکان متمادی ارجیحت داشته شود.

امروزه افغانها طولانی‌ترین دوره مهاجرت را در سطح جهان تشکیل می‌دهند، کشورهای پاکستان و ایران در ۲،۵ میلیون مهاجر ثبت و راجستر نشده تبعه افغان را میزبانی مینمایند. درحالیکه توقع می‌رود تا به همین تعداد مهاجر افغان در کشورهای میزبان در حال مهاجرت به سربرند. در حدود ۷۵ فیصد مهاجرین افغان اضافه تر از سه دهه در تبعید بوده و برای بیشتر مهاجرین افغان موجودیت بیشتر درمهاجرت باعث افزایش توانائی‌ها شان در قسمت ادغام در

جوامع کشورهای میزبان نگردیده است. برای بیشتر مهاجرین دوره طولانی مهاجرت باعث خرابتر شدن شرایط زنده‌گی بشری شان شده است. و در حال حاضر برنامه‌های تشویقی جهت عودت مهاجرین افغان وجود ندارد. ۱ به نظر اکثریت و توده اعظیم مهاجرین افغان راه حل‌ها و تصامیم در قبال تغییر مکان شان غیرواقعیبانه و غیرمنصفانه می‌باشد. ۲

در جستجوی تطبیق شیوه های درازمدت با همکاری متقابل دولت های کشورهای میزبان با مساوات کامل که با عناصر محلی آگاهی دارند، میباشد.

هرچند در افغانستان وجود تمایل به عودت تأثیرات وسیع معکوس بر روی تمام برنامه ها و فعالیت های انکشافی وارد مینماید. عودت اضافه تر از پنج میلیون مهاجر افغان از سال ۲۰۰۲ روی جوامع محلی فشار بیش از حد را وارد نموده است و امروز چالش ها و موانع اساسی در برابر عودت توده اعظیم مهاجرین افغان پابرجاست و تمام آن ناشی از موجودیت ظرفیت کاری ضعیف در دولت افغانستان، نا امنی های متداوم و عدم توسعه برنام های انکشافی به تمام بخش های کشور میباشد. برنامه انتقال و وضعیت نا معلوم تحویل رهبری عملیاتی های نظامی به نیروی های امنیتی افغان اثرات جانبی روی روند عودت مهاجرین گذاشته و گزینه برگشت به وطن یک حسرت ماندگار برای آنها میباشد. منظور اخذ اقدامات در برابر این مشکلات، نهاد های بشری و حقوقی یک برنامه مناسب را برای مهاجرین افغان در نظر گرفته اند که پیام های مشخص را ارایه نموده و جلسات روبرو را جهت بحث و گفتگو در مورد راه های حل پایدار تدویر نموده و روابط مصالح آمیز را دول کشورهای میزبان یعنی ایران و پاکستان تامین مینماید.

### مفاهیم منطقی و پالیسی محیطی مهاجرین افغان

برنامه ها و پالیسی های منطقی فرصت های مناسب را جهت بهبود سطح همکاری های منطقی تمام نهاد ها و فعالین متعهد به رفع و حل مشکلات و چالش ها ناشی از دوره طولانی بی سرپناهی و مهاجرت افغان پیشنهاد مینماید. استراتژی منطقی حل مشکلات مهاجرین افغان (SSAR) یک چارچوب پالیسی را به سه کشور متعهد ایجاد نموده که باید به اساس آن فعالیت نمایند. از نگاه سیاسی این استراتژی عودت مهاجرین را هدف اساسی استراتژی راه حل دانسته است. در عمل این استراتژی مداخلات و برنامه های دول سه کشور را بهبود بخشیده و شرایط مشخص را در قبال عودت پایدار و تأمین استقرار مجدد مناسب برای آن عده مهاجرین که از قبل به افغانستان برگشته اند، ایجاد مینماید.

برعلاوه بعضی تغییرات مثبت بشمول تعهدات جدید منظور تثبیت موقف بلندتر برای مهاجرین افغان در آجندهای دوزنها و جوامع بین المللی ایجاد گردیده است. در قسمت بهبود برنامه های مبتنی بر شواهد جهت درک و آگاهی و همچنان رفع مشکلات و مصیبت های مهاجرین افغان و طرح برنامه و پروگرامهای استراتژیک مناسب علایق جدید اظهار شده است. این امر سبب تشویق و ایجاد علایق پیشبرد شیوه های مشترک بشری و انکشافی گردیده و برنامه های

رفع چالشها و نیازمندی های مهاجرین افغان در دوره طولانی مهاجرت مستلزم اقدامات و پاسخ های مناسب و متمایل به انکشاف هست که این امر در مغایرت با فعالیت های بشردوستانه قرار دارد. ایجاد مینماید تا این خلا ها به گونه یی رفع گردیده و میان فعالیت های بشردوستانه هماهنگی تأمین گردد تا در قدم نخست نیازمندی های فوری مهاجرین افغان رفع گردیده و در درازمدت برنامه های انکشافی برای جوامع مدنظر گرفته شود که در کل تمام اینها از جمله چالش اساسی برای پالیسی سازان و تهیه کننده گان بین المللی محسوب میگردد.

### راه حل های پایا برای چالش:

اقدامات و پاسخ به نیازمندی های مهاجرین افغان همیشه وابسته به راه حل های استراتژیک تنظیم و گنجانیده شده است. چنانچه شیوه های مروج و سنتی در قسمت کمک و همکاری تأمین رفا و آسایش تنها اقدام مناسب برای دوره مهاجرت افغان های محسوب نمی گردد. ایجاد مینماید تا نهاد های بشری، تمویل کننده ها و پالیسی سازان آگاهی لازم از مشخصات و وضعیت مهاجرین افغان داشته و این مشخصات را در کشور های میزبان یعنی پاکستان و ایران و همچنان در داخل افغانستان در ارتباط به حمایت از عودت مهاجرین مدنظر گرفته و تطبیق نمایند.

کمیساریای عالی ازمان ملل متحد در امور مهاجرین ( UNHCR ) با تلاش های اخیر خویش یک استراتژی جامع را به منظور رفع مشکلات مهاجران افغان طرح و ترتیب نموده است که از این طریق چالش های فرا راه رسیدن به شیوه های مناسب و جامع در یک محیط امنیتی پر از چالش برجسته و نمایان میگردد. استراتژی منطقی حل مشکلات مهاجرین افغان (SSAR) ۳ اقدام مهم را در قسمت طرح و ترتیب چارچوب اقدامات توسط دفتر مهاجرین ملل متحد (UNHCR) و دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دولت پاکستان و جمهوری اسلامی ایران به منظور رفع تمام مشکلات دوره مهاجرت در منطقه پیشنهاد مینماید. در استراتژی بیان گردیده است که موضوعات و برنامه های بشری و انکشافی کاملاً جدا از هم میباشد و همچنان در بعضی موارد یک اندازه ترس و بیم از فعالین مربوطه ی هر دو طرف در قسمت تداخل کاری با یکدیگر وجود دارد.

اما تطبیق چنین نوع شیوه ها به نوبه خود چالش برانگیز است. چارچوب مروج یا سنتی استراتژی راه حل پایدار - عودت ویا برگشت، تبعید و بسیج محلی - در واقعیت در صورت تمرکز واقعی روی برگشت قابل استفاده میباشد. زیرا برگشت یگانه راه حل پایدار محسوب میگردد. طرفداری از پروسه برگشت حساسیت لازم را برای نهاد های مسوول ایجاد مینماید، در حالی که این نهاد ها

رفاه و آسایش نهاد های بشری در قسمت ارایه حمایت و نتایج بهتر سوق میگردد.

جنبه های منفی شامل تمایل جانبدارانه به عودت و عدم موجودیت تعهدات واقعی توسط کشورهای ایران و پاکستان در قسمت الف)

### به دوزنها بگوئید چه موثر هست

ترویج حمایت و همکاری با مهاجرین افغان به انواع و اشکال مختلف از طریق کمک های مالی بشردوستانه باعث ایجاد تمرکز بیشتر روی فعالیت های با تولید عواید بیشتر، برنامه های کاری در برابر مشوق مالی ویا پول نقد و همچنان کمک و حمایت بیشتر با

جامع میزبان میگردد. تدویر و تنظیم برنامه های تعلیمی و مسلکی که در آنها روی ابعاد هر دو طرف سرح (مانند تصدیق نامه مهارت و دوره تحصیلات) تمرکز صورت گیرد، باعث ایجاد تأثیرات دوجانبه روی حمایت و تقویت مهاجرین افغان در قسمت بهبود فرصت های اشتغال در مارکیتهای کارایی در دوره مهاجرت گردیده و در عین حال اهداف دول کشورهای میزبان در قبال برگشت و عودت مهاجرین برآورده میگردد.

در بخش گزینه های راه حل دوامدار، ب) رفع مشکلات و موضوعات مربوط به مهاجرین غیرراجسترشده / بی سند بصورت مناسب و ج) حمایت و همکاری برای مهاجرین افغان راجسترشده که در عین حال آسیب پذیر هستند، میگردد.

ایجاب مینماید تا نهادهای بشری و حقوقی که در عرصه ارایه پاسخ و اخذ اقدامات لازم جهت رفع نیازمندی های مهاجرین افغان تلاش میورزند، تا حد امکان اهداف و استراتژی های خویش را در مطابق با استراتژی منطقی حل مشکلات مهاجرین افغان بازنگری نموده، نیازمندیهای بشری مهاجرین افغان را مشخص ساخته و دوزنان و ممالک تمویل کننده را در قسمت طرح برنامه های جدید جهت ترویج اعتماد بنفوس و کاهش وابستگی تشویق نمایند.

### اطمینان از دسترسی به حقوق

در حالیکه روی افزایش و بهبود اعتماد بنفوس مهاجرین از طریق برنامه ها و شیوه های مناسب تمرکز گردیده است ولی رفع و اتخاذ اقدامات لازم در برابر حقوق رسمی و اساسی مهاجرین افغان و عودت کننده گان حایز اهمیت ویژه میباشد. ارتقای توانائی مهاجرین افغان جهت افزایش سطح اعتماد بنفوس تنها از طریق دسترسی به تمام حقوق مندرج کنوانسیون ۱۹۵۱ بشمول دسترسی به کار و آزادی حرکت تامین و تطبیق گردیده میتواند. توضیح این اصول و عقاید و تشویق دول کشورهای میزبان از طریق شیوه های مناسب و حساس امکان پذیر است که این امر به نوبه خود ارزش بهبود شرایط و کاهش آسیب پذیری را بیان میدارد.

### روش های حمایتی موثرتر

نهاد های بشری و حقوقی باید از اهمیت بحث و گفتگو در مورد دوره طولانی مهاجرت در آجندای نهاد های انکشافی بین المللی و دوزنها اطمینان حاصل نمایند. تامین ارتباطات متقابل میان نهاد های بشری و انکشافی باعث تشویق و ارایه بهتر خدمات به مهاجرین افغان و جوامع میزبان گردیده و از سیستم های موازی در این عرصه جلوگیری شده و اداره سیاسی در قسمت گشودن مشکلات و چالش های وضعیت مهاجرت طولانی بهتر و جالب تر میسازد. رهنمود ها در مورد پارامتر های بشری روی اقدامات اتخاذ شده در برابر مشکلات دوره طولانی مهاجرت ( آغاز برنامه های حمایتی، تداخل برنامه ها و ختم آن میان نهاد های بشری و انکشافی بصورت

در حال حاضر سازمان های غیردولتی بشری و حقوقی مراحل کلیدی ذیل را جهت کمک و همکاری درقسمت رفع نیازمندی ها و حمایت مهاجرین افغان که در مهاجرت طولانی به سر میبرند، می توانند روی دست گیرند:

### هونه ی انجمن های مردمی

نهاد های بشری و حقوقی نباید در جستجوی راه حل مهاجرت طولانی و راه های حل پایدار مشخص باشد، بلکه برنامه ها و اقدامات را طوری در نظرگیرند که حل و رفع مشکلات بیشتر پر منفعت و سودمند بوده و توسط انجمن های مردمی رهبری گردد. ۴ ترویج و بهبود اعتماد به نفس افراد از اصول برنامه است و برنامه های حمایتی و آموزشی طوری استفاده شود تا روی عدم تمایل دولت های میزبان غالب گردد.

تامین ارتباطات و تبادل معلومات در مورد برنامه های مهاجرین افغان با جوامع میزبان، مسوولین محلی و کشورهای میزبان در قسمت افزایش آگاهی شان در مورد اهمیت حمایت و همکاری درازمدت با مهاجرین افغان حایز اهمیت ویژه بوده و برنامه ها باید جهت بهبود سطح اشتراک فعالانه مانند حمایت در قسمت دریافت معیشت در سطح جوامع ترتیب گردد. بمنظور رفع نگرانی های روزافزون جوامع میزبان و دول کشورهای ایران و پاکستان در قسمت تشخیص هویت مهاجرین افغان منحنیث وزنه طاقت فرسا، نهاد های مسوول برنامه های مشخص را جهت تقویت مهاجرین





عودت کننده گان، بیجاشده گان داخلی و دختران محلی در صفوف درسی در مکتب اعمارشده توسط کمیته پناهندگان ناروی در مینمه، ولایت فاریاب، افغانستان

مناسب و واضح شناسائی گردیده است) بصورت چشمگیر موثر بوده و در قسمت بحث و گفتگوی جاری میان دونران کمک و همکاری مینماید.

در ازمدت فاصله گیرد. در عوض برنامه ها و پروگرام های حمایتی در ارتباط به وضعیت مهاجرین بیشتر حمایت و اخذ اقدامات را نسبت حل مشکلات مهاجرت طولانی ترجیح دهد.

طرح و ترتیب چنین شیوه ها برای تطبیق پروگرام ها مهم و حیاتی بوده و زمینه انتقال از یک مرحله مراقبت و مواظبت را به یک مرحله تقویت و تشریک مساعی فراهم میسازد. بحث و گفتگو ها در سطح پالیسی در میان جوامع بشری در منطقه جهت بهبود افزایش آگاهی در مورد برنامه های اتکا به نفس نه تنها از حمایت مالی درازمدت اطمینان داده بلکه کشور های میزبان یعنی کشورهای ایران و پاکستان را در مورد اینکه افزایش اتکا به نفس یکجا سازی با نفوس محلی نباشد، مطمئن میسازد و نقش مهم را در قسمت بهبود و افزایش عودت داوطلبانه مهاجرین در شرایط مناسب ایفا مینماید.

### در سطح منطقه فکر کنیم

استراتژی منطقی حل مشکلات مهاجرین افغان در قسمت پیشبرد برنامه های حمایتی جهت تامین آگاهی بیشتر درمورد فواید شناسائی و استفاده ارتباطات بین سرحدی میان افغانستان، ایران و پاکستان کمک و همکاری نموده و اینکه کدام برنامه و پروگرام های بعدی اثرمتقابل داشته و تاثیرات مثبت را روی زنده گی مهاجرین و عودت کننده گان افغان وارد مینماید، مورد ملاحظه قرار میدهد. تلاش های جدید باید به خصوص شامل برنامه های انکشافی جهت حمایت دوره طولانی مهاجرت در تمام نواحی شهری سوق گردد.

### نتیجه گیری

تا اکنون اتکا روی برنامه های بشری، اقدامات را در برابر وضعیت مهاجرین افغان مشخص ساخته و زمینه تلاش های مصلحت آمیز جهت تامین راه های حل درازمدت فراهم ساخته است. افزایش علایق جامعه بین المللی درمورد وضعیت مهاجرین افغان و چالش ها و مشکلات در برابر عودت مهاجرین از جمله موارد کلیدی و با اهمیت بوده و ایجاب مینماید تا تصمیم بازنگیری گردیده و تمرکز بیشتر صورت گیرد. چنین نوع شیوه ها در مراحل آخر برنامه ها مدنظر گرفته شده و این شیوه ها از ترویج ویا تامین راه های حل

دان تیلر [dan.tyler@nrc.no](mailto:dan.tyler@nrc.no) مشاور حمایت و حفاظت منطقی، کمیته مهاجرین ناروی. [www.nrc.no](http://www.nrc.no)

۱. سوسن شمیت (2012)، مهاجرت طولانی در افغانستان: آیا تاریخ تکرار خواهد شد؟
۲. آویون ماکلیود (2008)، مهاجرین افغان در ایران و پاکستان، لوئیسجر جی، میلر جی، نیومن و ترویلر جی، وضعیت مهاجرت طولانی مدت: مقتضیات سیاسی، حقوق بشر و امنیت.
۳. [www.unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf](http://www.unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf)
۴. جهت دریافت معلومات بیشتر لینک ذیل را مطالعه نمائید: <http://tinyurl.com/RSC-2011-Long-PRS>

می ۲۰۱۴

## پالیسی ملی پاکستان برای مهاجرین

محمد عباس خان

به منظور اتخاذ تدابیر و آماده گی های لازم، برای سال ۲۰۱۴ و تاثیرات " برنامه انتقال" در افغانستان، پالیسی جدید ملی پاکستان برای مهاجرین تلاش می کند تا موارد نامعلوم و حقایق را که مهاجرین افغان در پاکستان به آنها مواجه هستند، رفع سازد.

تاثیرات جابنی خروج نیروهای امنیتی ناتو از افغانستان بالای ۱,۶ میلیون مهاجر راجستر شده و در حدود ۱ میلیون مهاجر افغان غیرراجستر شده که تا هنوز در پاکستان زنده گی می نمایند، معلوم نیست. عودت داوطلبانه تمام مهاجرین افغان بصورت مصون و آبرومندانه همیشه از جمله راه های حل مناسب نزد دولت پاکستان محسوب میگردد ولی عدم موجودیت وضاحت لازم در باره شرایط و اینکه کدام اتفاقات بعد از سال ۲۰۱۴ بوقوع می پیوندد، مهاجرین افغان را در قسمت برگشت شان نا مطمئن میسازد. ده ها سال جنگ و محاربه و آشفتگی های سیاسی ظرفیت جذب افغانستان را خاصاً در سکتور معیشت کاهش داده است و دسترسی به خدمات ابتدائی مانند تعلیم و تربیه، صحت، آب آشامیدنی و سیستم کانالیزاسیون تا هنوز هم از جمله چالش های عمده محسوب میگردد.

وجود دارد که موجودیت قوانین و سایر پالیسی های ضعیف و کمبود فرصت های تامین معیشت دو مانع عمده را در برابر بازگشت و استقرار مجدد پایدار در داخل افغانستان تشکیل میدهد. تامین و انکشاف محیط موثر در داخل افغانستان یک امرحتمی و ضروری در قسمت بازگشت و استقرار مجدد مهاجرین افغان مستقر در پاکستان به کشورشان محسوب میگردد. بنابراین ایجاب مینماید تا ۴۸ ساحه پیشنهاد شده استقرار مجدد برای مهاجرین عودت کننده از طرف دولت افغانستان و جامع بین المللی در اولویت قرار گیرد ولی تا اکنون پیشرفت های اندک در این عرصه صورت گرفته است. پالیسی ملی پاکستان به سیستم موثر شریک سازی معلومات در رابطه به آخرین انکشافات در ساحات استقرارمجدد اهمیت قابل است زیرا این معلومات میتواند با بازگشت کنندگان احتمالی شریک گردد.

### جوامع میزبان

در جولای ۲۰۱۳ دولت پاکستان روی پالیسی جدید برای مهاجرین افغان ۱ موافقت نمود، این پالیسی جهت اشتراک مساعی با استراتژی راه های حل مهاجرین افغان (SSAR) تسوید گردیده است که روی برگشت اختیاری مهاجرین بصورت مصئون و آبرومندانه، استقرار مجدد پایدار در افغانستان و همکاری با جوامع میزبان مهاجرین تمرکز می نماید.

### برگشت و استقرار مجدد

موافقت نامه سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) پروژه برگشت اختیاری و تدریجی مهاجرین راجستر شده افغان از پاکستان را رهنمایی و تنظیم مینماید. از مارچ ۲۰۰۲ بدینسو اضافه تر از ۲۸۴۰۰۰۰ مهاجرافغان بر اساس این موافقتنامه بصورت داوطلبانه به کشور شان بازگشت نموده اند، بر اساس این موافقت نامه هرماهجر بازگشت کننده مستحق دریافت ۲۰۰ دلار امریکایی ازسوی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد میباشد. در حال حاضر این موافقتنامه سه جانبه الی ۳۱ دسمبر ۲۰۱۵ تمدید گردیده است.

این یک برنامه انکشافی عالی بوده که هم جوامع میزبان و مهاجرین افغان از آن مستفید میگرددند. اضافه تر از ۱۰۰۰ پروژه کوچک و متوسط در سکتور های مختلف بشمول تعلیم و تربیه، صحت، معیشت، محیط زیست، آب آشامیدنی و سیستم تخلیه

ماهیت داوطلبانه عودت یا بازگشت مهاجرین اساس پالیسی جدید ملی مهاجرین پاکستان را تشکیل میدهد، این موضوع انعکاس دهنده ایجاد واقعیت گرایی میان پالیسی سازان بوده و این درک

فاضلاب تطبیق گردیده و در حال حاضر یک تعداد پروژه های بزرگ در حال تطبیق قرار دارند.

### تعلیم و تربیه و برنامه های آموزشی

قابل ذکر است که عدم موجودیت سیستم های مناسب تعلیم و تربیه برای مهاجرین یک عامل منفی در برابر دریافت راه ها حل پایدار محسوب گردیده و یک مانع را در برابر انکشاف پایدار و اعمار مجدد کشور مبدا و کشورهای میزبان ایجاد می نماید. تعلیم و تربیه نه تنها برای مهاجرین مایل به برگشت به وطن جهت اشتراک در اعمار و ساختار مجدد کشور مهم و ارزنده بوده بلکه مهاجرین که تمایل به بازگشت ندارند و علاقمند به همکاری و فعالیت مثبت در کشور میزبان هستند نیز حایز اهمیت است. مهاجرین افغان بدون تعلیم و تربیه به عنوان باردوش جامعه دیده می شوند زیرا تعلیم و تربیه در قسمت فعال بودن آنها جامعه ی که عضویت آنرا دارند کمک میکند. برعلاوه بر اساس معلومات و اطلاعات بیطرفانه مهاجرین با مهارت های کاری نسبت به مهاجرین غیر مسلکی علاقه بیشتر به بازگشت به کشور دارند.

پالیسی ملی پاکستان برای مهاجرین یک سند جامع و ارزنده بوده و به اساس واقعیت ها و مدارک موجود طرح و ترتیب گردیده است. این سند یک لست از آرزو ها نبوده بلکه مرکب از برنامه های عملی و منطقی می باشد که برای تامین راه های حل درازمدت ترتیب شده است. در حال حاضر وضعیت امنیتی و اقتصادی پاکستان در سطحی است که این کشور منبعی به تنهای قادر به میزبانی میلیون ها مهاجرغیبیباشد، اما با آن هم پاکستان در کنار برادران و خواهران افغان خود خواهد ایستاد و به کمک های خود در این زمینه ادامه می دهد. مهاجرین افغان بیش از پیش به حمایت و توجه جوامع بین المللی نیاز دارند و دریافت راه حل برای این بحران درازمدت بشری باید در اولویت قرار گرفته و در هر گونه تصمیم سیاسی آینده افغانستان روی آن غور گردد.

محمد عباس خان، [comisb@hotmail.com](mailto:comisb@hotmail.com)، کمیستر مهاجرین افغان، مرکز مهاجرین افغان در اسلام آباد  
[www.safron.gov.pk](http://www.safron.gov.pk)

۱. وزیر ایالات فدرال و مناطق سرحدی، جنرال عبدالقادر بلوچ
۲. سند تهیه شده توسط ناتا را مطالعه نمایند

اضافه تر از ۵۱ فیصد مهاجرین افغان در پاکستان زیر سن ۱۸ سال قرار دارند (اکثریت آنها در پاکستان متولد گردیده اند). بدون برنامه های آموزشی و مسلکی این مهاجرین جوان در قسمت ایجاد زنده گی آپرومندانه در جوامع میزبان به مشکلات فراوان مواجه میباشند. به منظور رفع این چالش و نگرانی، مراکز تخبیکی آموزشی در محلات میزبان ایجاد گردیده است که هم مهاجرین افغان و هم جامع میزبان از آن مستفید میگردد. دولت پاکستان در نظر دارد



NRC/Shahzad Ahmad

می ۲۰۱۴

## خشونت و آسیب پذیری: افغان ها در پاکستان

ثنا آلیا

با توجه به اینکه در حال حاضر توده کثیر افغان ها مقیم و مسکون در پاکستان برای بازگشت به افغانستان تمایل و رضایت ندارند، ایجاب مینماید تا اقدامات لازم جهت رفع آسیب پذیری آنها اتخاذ گردد تا آنها در برابر خشونت و آزار و اذیت محافظت و حمایت گردند.

در حال حاضر بر اساس گزارش ها و تخمین ها در حدود ۱,۶ میلیون مهاجر افغان در پاکستان راجستر گردیده و یک الی دو میلیون افغان بصورت غیرقانونی و بدون اسناد در این کشور زنده گی می نمایند. دولت پاکستان بعد از سال ۲۰۰۱ افغان ها را منحیث مهاجر نپذیرفته و افغان های فاقد اسناد از هیچگونه حمایت قانونی برخوردار نمی باشند. اکثریت مهاجرین افغان در ایالات خیبر پشتونخواه و پلوچستان زنده گی می نمایند، هرچند یک تعداد آنها در شهرهای کراچی، اسلام آباد و ساحات شهری ایالت پنجاب مقیم هستند. بیشتر مهاجرین افغان راجستر شده در خیمه های مهاجرین عمدتاً در خیبرپشتون خواه و پلوچستان زنده گی مین مایند ولی اکثریت مهاجرین افغان جهت زنده گی و سرپناه خویش خانه ها را در ساحات منظم و غیر منظم و رسمی به کرایه گرفته ویا غیررسمی خریداری نموده اند.

” پاکستان جای مصون برای ما نیست. آنها ( دولت پاکستان) فقط از ما میخواهد تا کشور شانرا ترک نماییم. از ایزو همیشه ما را مورد آزارو اذیت قرار میدهند“ ( مهاجر افغان که از سال 1982 بدینسو در پاکستان زنده گی نموده است).

اکثر افغان ها در دهه ای ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به کشور پاکستان مهاجرت نموده و زنده گی سخت را آغاز نمودند. بیشتر مهاجرین افغان در قسمت رشد اقتصادی خویش در ساحات روستائی و شهری کار و فعالیت نموده و روابط عمیق اجتماعی را با پاکستانی ها از طریق رفاقت، ازدواج، تجارت مشترکانه ویا از طریق زنده گی مشترک در همسایه گی مردم بومی ایجاد کردند. با وجود این در سال های اخیر عداوت و خصومت در برابر مهاجرین افغان رو به افزایش بوده و توسط فکنتورهای جانبی مانند “ میزبانی دوامدار و خسته کننده” و نگرانی های ملت گرایي رو به افزایش است.

### پیشنهادات برای سال ۲۰۱۴ و سالهای ما بعد آن

اکثر افغان ها شیوه زنده گی مشترکانه را میان افغانستان و پاکستان انتخاب نموده اند ویا تمایل و علاقه کمتر به بازگشت به افغانستان دارند، این امر به دلیل تداوم جنگ ها و خشونت ها در افغانستان ویا از اثر انکشاف موقف اجتماعی و اقتصادی شان در پاکستان می باشد. دولت اسلامی پاکستان و سازمان های غیردولتی داخلی و بین المللی پلان های مناسب را در این زمینه طرح نموده و مطابق به آن عمل نمایند.

ایجاب مینماید تا برنامه های حمایتی برای آن عده افغان های آسیب پذیر که دسترسی محدود به خدمات اجتماعی، آب و خدمات صحتی دارند، در نظر گرفته شود، و فعالین سازمان های غیردولتی داخلی باید در قسمت کمک و همکاری در این عرصه تشویق گردند. مهاجرین مقیم در کمپ های مهاجرت متکی به خویشت گردیده و دارای یک جامع منظم میباشند و در برابر موارد پرازشار مانند دسترسی به آب آشامیدنی ایستاده گی مینمایند. تامین هماهنگی و ارتباطات موثر میان سازمان های غیردولتی محلی و جوامع افغان ها میتواند سبب حمایت این جوامع در قسمت بهبود محیط زنده گی مهاجرین افغان گردد.

تصویر منفی از افغان ها بصورت روزافزون در سخزانی ها و مطبوعات انعکاس میآید. زمانی افغان های قهرمان محسوب گردیده و از آنها به نام مجاهد یاد میشد ولی اکنون در پاکستان افغانها منحیث طالبان مخرب مورد مشاهده قرار گرفته و این امر سبب افزایش خصومت در برابر مهاجرین افغان گردیده و تأثیرات منفی را نسبت به اقامت آنها برجا گذاشته است. افغان ها در قسمت تامین خانه و سرپناه در پاکستان حتی در ساحات غیرمنظم و خیمه های مهاجرین پرچالش است، به کرایه گرفتن خانه ها مشکل گردیده و افزایش ناگهانی کرایه خانه یک امر معمول محسوب میگردد. تهیه خدمات ابتدائی پایدار نمی باشد زیرا بعضی سازمان های غیردولتی در قسمت سرمایه گذاری در ساحات مسکونی افغان ها تمایل

شیوه های مثبت در حین سخنرانی ها و محافل اجتماعی پاکستانی ها در قبال افغان ها ایجاد گردد. طورمثال پروژه آرشیف شهروندان در شهر کراچی در یک برنامه صوتی را در باره تاریخ مهاجرت در پاکستان ثبت مینماید، در حال حاضر این برنامه تنها روی دوره مهاجرت جدای و استقلال پاکستان تمرکز نموده است ولی باید جهت در نظر گرفتن تاریخ مهاجرت افغان ها در برنامه های شان، مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند.<sup>۱</sup>

اینکه در حال حاضر اکثر افغان های مقیم در پاکستان تمایل به بازگشت ندارند، دولت پاکستان باید یک برنامه پذیرش عمومی را مورد ملاحظه قرار دهد، از طریق این برنامه مهاجرین افغان تابعیت این کشور را حاصل نمایند و بدینوسیله دولت مربوطه قادر به اداره و تنظیم نفوس قابل اندازه گیری می گردد که این نفوس بطور غیر رسمی یک بخش از جامعه را تشکیل میدهد، و توده مردم از تامین حقوق کامل و حمایت لازم برخوردار میگردند. در صورتی که تطبیق چنین نوع اقدامات امکان پذیر نباشد، برای مهاجرین افغان فرصت های کاری درازمدت ویا کارت اقامه مناسب و پایدار فراهم گردد، در حال حاضر کارت ثبت و راجستر مهاجرین نیاز به تمدید و تجدید داشته و بعضاً امکان تمدید آنها به تاخیر می افتد. افغان ها یک بخش جدا ناپذیر پاکستان را تشکیل میدهند، باید این امر در قوانین مربوطه رعایت گردد.

ثنا آلیما sa113@soas.ac.uk پاور ارشد تدریسی درمکتب

مطالعات خاوری و افریقای، لندن. [www.soas.ac.uk](http://www.soas.ac.uk)

این سند بر اساس کار های ساحوی طرح و ترتیب گردیده است و درسال ۲۰۱۰ در شهرهای کراچی و پيشاور آغاز گردید.

[www.citizensarchive.org/oral-history-project/](http://www.citizensarchive.org/oral-history-project/) .۱

برنامه های آموزشی و تعلیمی در مورد حقوق بشری و حقوق مهاجرین افغان در پاکستان برای نهاد ها و مسوولین دولتی ( بشمول محاکمان محلی)، فعالین جامعه مدنی، پولیس پاکستان و قوای نظامی این کشور از طرف دولت پاکستان و کمیساریای سازمان ملل در امور پناهندگان ( UNHCR ) تدویر گردد. کمک و همکاری های قانونی توسط همکاران و نهاد های تطبیق کننده برنامه های مهاجرین ملل متحد در ساحاتی که نفوس افغان ها بیشتر میباشد، ترتیب و انکشاف یابد.

در درازمدت دولت جمهوری اسلامی پاکستان باید در قسمت پذیرش این واقعیت عینی جامعه که میلیون ها افراد غیربومی یک بخش جدائی ناپذیر جامعه بوده و در طویل مدت بخش از پاکستان

## عودت مهاجرین از کشور ایران

آرماندو گیلیر و ماسیح ام لاتیگ

آگاهی از فکتورهای تاثیر گذار روی اخذ تصمیم مهاجرین جهت عودت و بازگشت و توانائی مردم در قسمت تجدید و سرو سامان دادن وضعیت بعد از برگشت در قسمت پلانگذاری مناسب در قبل و بعد از برنامه عودت مهاجرین افغان از کشور ایران مهم و حیاتی پنداشته میشود.

سال های اخیر اکثریت عودت کننده گان افغان از کشور ایران در قسمت استقرار مجدد شان در افغانستان به دو وضعیت کلیدی قبل از بازگشت مواجه میگردند: (۱) پیوند ضعیف اجتماعی و اقتصادی که با وطن شان برقرار کرده اند. و (۲) عدم توانائی در قسمت اخذ تصمیم آگاهانه و مثمر در مورد بازگشت شان به کشور. ۱

### ظهور فکتورهای منفی اجبار کننده

معمولاً روابط قومی، خویشاوندی، روابط دوستانه و فعالیت های تجارتي در دو طرف سرحد اساس ارتباط ابتدائی را میان توده اعظیم افغان ها در ایران و مردم داخل افغانستان تشکیل میدهد. ۲ از مصاحبه ما با عودت کنندگان در ساحات مربوط ولایات بلخ و سرپل که مهاجرین بیشتر بازگشت نموده بودند، چنین استنباط میگردد که عملکرد و قوت این شبکه ها نسبت به سال ۲۰۰۰

فکتورها و عوامل کلیدی مانع عودت و بازگشت مهاجرین ( امنیت، فرصت های اقتصادی و دسترسی به خانه و خدمات ابتدائی) به صورت درست درک و شناسائی گردیده است اما خلاهای علمی در عرصه های اجتماعی و مفاهیم جانبی بازگشت و مراحل استقرار مجدد بیجاشدگان و مهاجرین افغان وجود دارد. آگاهی مناسب و بهتر در این عرصه باعث ایجاد برنامه ها و گزینه های فرامرزی در هر دو سوی سرحد گردیده تا مهاجرین افغان با مهارت های و دانش مناسب به منظور بازگشت و استقرارمجدد موفقانه بهتر تجهیز گردند، مخصوصاً آن عده کسانی که چندین سال را در تبعید سپری نموده اند.

به اساس برنامه تحقیقاتی که در اواخر سال ۲۰۱۳ میلادی برای شورای مهاجرین ناروی انجام شد به وحت نشان می دهد که در

می ۲۰۱۴

که توده های بزرگ مهاجرین افغان به افغانستان بازگشت کردند، کاهش یافته است. تعداد اندک خانواده های افغان مقیم ایران دارای سرمایه و دارایی در افغانستان میباشند و آنها قادر به فرستادن پول به افغانستان نیستند، چونکه نرخ پول ایران یعنی ریال در برابر دلار امریکایی بسیار پایین است و بحران اقتصادی و تورم شدید در ایران وجود دارد.

زنده گی مهاجرین افغان در کشور ایران در اثر موجودیت بیروکراسی متداوم و تغییرات دوامدار در مقررات مغلق و مشکل میباشد. به طور مثال ایجاد مقرره ساحات ممنوعه برای ورود افغان ها در ایران - این ساحات بصورت ناگهانی برای مهاجرین به اساس امنیت عمومی، فواید عامه و صحت محدود ساخته شده است- که این مسئله دریافت وظیفه و شغل، امتیازات اجتماعی، ارسال اطفال به مکاتب و یافتن سرپنا و منزل رهایی برای مهاجرین افغان مشکل ساخته است. در این ساحات خریداری انرژی برای تامین غذا و سایر نیازمندی ها کاهش یافته است. این فشارها و مشکلات بیشتر خانواده های عودت کننده را مجبور به اخذ تصمیم ناگهانی به جای یک تصمیم پلان شده مینماید که بیشتر این تصمیم ناشی از ناامیدی و بیزاریو سرخوردگی گرفته می شود .

بر اساس این تاریخچه، ظاهراً اکثر مهاجرین افغان قادر به اخذ تصمیم قاطع و پلان های مناسب برای عودت یا بازگشت نیستند. به اساس شواهد و مدارک حاصله از مصاحبه ها و ملاقات های ما، معمولاً از داستان بازگشت مهاجرین بصورت مناسب درک و تفهیم نگردیده و بلکه این برداشت بر اساس مختلطی از تهدیدات، رویداد های ترغیبی، امید ها و افسرده گی ها میباشد. به اساس تحلیل ما چنین پیشنهاد میگردد:

■ درحالی که مهاجرین افغان در ایران با داشتن و عدم دریافت کارت آمایش ( تضمین حقوق مسکونی) در مکان های مختلف زنده گی مینمایند) مثلاً موارد قانونی در مقایسه با غیرقانونی با تمام تفاوت ها در آسیب پذیری و فرصت های که مساعد است، بازگشت هر دو نوع مهاجرین مشکل و پیچیده است. آماده گی ها جهت بازگشت بصورت حداقل بوده و موارد قبل از بازگشت مانند نا امنی و مشکلات تامین معیشت موضوعات مروج و مرسوم در پروسه بازگشت میباشد.

■ در حالیکه ظاهراً بازگشت به وطن باعث رهایی از زنده گی خسته کننده و خوار مهاجرت در کشور دیگر با سخاوت دولت که مصمم به ارسال آنها به وطن شان میباشد محسوب می شود ولی عودت کننده گان پس از بازگشت معمولاً در حسرت وضع امنیتی و وظایف شان در ایران هستند.

مهاجرین افغان بعد از عودت به افغانستان این موضوع را درمیابند که بعد از دور بودن ویا مهاجر بودن برای یک دوره طولانی هفت الی سی سال آنها بصورت وسیع از روابط خویشاوندی، تجارت و فعالیت های کاری و روابط قومی که در ده سال قبلی از آن مستفید میگرددند، جدا گردیده اند. طور مثال به اساس گفته های مهاجرین افغان عودت کننده آنها قادر به دریافت وظیفه از طریق دوستان و خویشاوندان خویش نمیشاند زیرا آنها به یک شبکه قومی ارتباط نداشته و به کدام منابع دسترسی ندارند. این امر نه تنها زنده گی آنها را از نگاه اقتصادی مختل ساخته بلکه نگرانی های دیگر را نیز میان عودت کننده گان ایجاد مینماید. آنها یک زمان منحبث خارجی ها در ایران شناسائی گردیده و در قسمت ایجاد بنیاد اساسی برای خویش تلاش مینمودند و امروز در کشور خود تلاش دارند تا روابط اجتماعی خویش را دوباره احیا نمایند که نه کدام مواد برای آنها تقسیم گردیده و نه برنامه های حمایتی ارایه میگردد.

### تصمیم آگاهانه ویا خطرات حساب شده ؟

با وجود اینکه زنده گی در ایران مشکل و طاقت فرسا بوده و تبعیض و آزار و اذیت از جمله موارد معمول زنده روزمره محسوب میگردد ولی ظاهراً مهاجرین افغان تمام این موارد را قابل تنظیم و قابل تحمل میدانند. در کشور ایران امنیت تامین بوده و دریافت کار و وظیفه آسان میباشد و همچنان طریقه های مختلف جهت دسترسی به صحت و تعلیم و تربیه وجود دارد. برعکس، زنده گی در افغانستان



وضعیت روانی مهاجرین افغان در ایران و اخذ تصمیم شان در رابطه به بازگشت به افغانستان عمیقاً بطور پیچیده به یکدیگر شان ارتباط دارد. دلیل مشکل اولی ناشی از بحران هویتی است ولی مشکل دومی برخاسته از پیچیده بودن اخذ تصمیم است که مهاجرین از اثر مشکلات واقعی این پروسه متردد میگردند.

آرماندو گلر [armando@scensei.ch](mailto:armando@scensei.ch) و مسیح ام. لاتک  
[maciej@scensei.ch](mailto:maciej@scensei.ch) بینانگذازان نهاد Scensei هستند.  
 وبسایت نهاد: [www.scensei.ch](http://www.scensei.ch)

۱. برنامه تحقیقاتی شامل جمع آوری معلومات از برگشت کننده گان جدید در ولایات بلخ و سرپل و بهبود نفوس شماری، پروفائیل های اقتصادی و آسیب پذیر توده مهاجرین افغان در جوامع میزبان مانند کرمان در ایران میباشد.
۲. برای دریافت معلومات بیشتر لینک ذیل را مطالعه نمایند  
<http://rsq.oxfordjournals.org/content/27/1/58.full.pdf+html>

بر اساس معلومات و نتایج تحقیقات ابتدائی کارکرد ارتباطی دو طرف سرحداً باید مورد آزمایش مجدد قرار گیرد. ایجاب مینماید تا تمام موارد مانند فرستادن پول، قاچاقهای فرا سرحدی، خویشاوندی، رفاقت و شبکه های کاری و مفاهیم زنده گی آینده مهاجرین در وطن\* باید مورد تحقیق و تجسس بیشتر قرارگیرد. آگاهی و دریافت معلومات در مورد اینکه چرا ظاهراً اکثر عودت کننده گان قادر به

## حمایت از افراد معلول در افغانستان

### آندریاس دیموپولوس

جنگ ها و بحران های داخلی - بشمول استفاده کورکورانه و جاهلانه از ماین ها و مواد انفجار ناشده<sup>۱</sup> - و نبود زیربنای مناسب و کافی باعث شده بسیاری دچار معلولیت شوند و در دسترسی کافی به خدمات صحتی، خدمات توان بخشی، تعلیم و تربیه و فرصت های اشتغال نداشته باشند. درچنین شرایطی، تصمیم گیرنده گان در عرصه سرپناه باید خاصاً نگرانیهای پناهجویان معلول افغانستان و وضعیت آنها را در صورت رد درخواست پناهندگی و بازگردانده شدن به کشور مورد توجه قرار دهند. طوریکه کمیته مربوطه خاطرنشان می کند، اگرچه دسترسی به خدمات معلولان در افغانستان یک امر تدریجی است و نمی توان انتظار داشت که در کوتاه مدت فراهم شود، ولی نهاد های دولتی باید اقدامات مشخص و زمان بندی شده ای را جهت اجرای برنامه های حمایت از معلولان انجام دهند و منابع کافی را جهت رفع موانع موجوده روی دست گیرند. از آن جا که تحقق چنین امری در افغانستان به زودی عملی و امکان پذیر نیست، باید ادعای پناهجویان معلول در مورد رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز با آنان در هنگام درخواست پناهندگی مورد توجه مسئولین رسیدگی به درخواست قرار گیرد.

در سال ۲۰۱۳ یک پناهجوی افغان که معلولیت شدیدی داشت، از بریتانیا به افغانستان بازگردانده شد. موصوف ادعا دارد که عدم مراقبت های اجتماعی برای افراد معلول در افغانستان باعث می شود که با آنان به شکل غیرانسانی و تحقیرآمیز برخورد شود، و این امر با ماده ۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپا مغایرت دارد. از آنجا که افغانستان دارای پلان کاری ملی<sup>۱</sup> برای معلولین کشور بوده و فامیل های متقاضی در افغانستان به سر می برند، از این رو محکمه کنوانسیون حقوق بشر اروپا نپذیرفت که این فرد معلول در معرض برخورد و روبه غیرانسانی ویا تحقیرآمیز در افغانستان قرار داشته است و از این رو درخواست پناهندگی او را رد کرد.<sup>۲</sup>

در این اواخر در یک قضیه دیگر(سزلیویا نیوستی، پیتر تاکاس و تاماس فاظیکاس هنگری)<sup>۳</sup> متقاضیان معلول دچار اختلالات بصری بوده اند. آنها در افغانستان بدون کمک و همکاری قادر به استفاده از کارت های ATM بانکی خویش نبوده اند و «کمیته حقوق افراد معلول» مدعی است که ناتوانی این افراد در استفاده از کارت های ATM بانک به دلیل اختلالات بصری حکایت از آن دارد که دولت در رعایت و تطبیق تعهدات و مکلفیت های خویش تحت ماده ۹ «کنوانسیون حقوق افراد معلول» کوتاهی کرده است. کمیته مربوطه پیشنهاد نمود که افغانستان توسط نهادهای مالی خصوصی مربوط به خدمات بانکی که قبلاً در دسترس نبود، یک چارچوب قانونی دقیق، قابل اجرا و زمان بندی شده جهت نظارت و ارزیابی پروسه تدریجی تغییرات و تنظیم امور ایجاد نماید.

آندریاس دیموپولوس [Andreas.Dimopoulos@brunel.ac.uk](mailto:Andreas.Dimopoulos@brunel.ac.uk)  
 مدرس حقوق در پوهنتون برونیل، بریتانیا ،  
[www.brunel.ac.uk/law](http://www.brunel.ac.uk/law)

۱. <http://tinyurl.com/Afgh-DisabilityActionPlan>

۲. SHH v UK <http://tinyurl.com/SHHvUK>

۳. <http://tinyurl.com/Nyusti-Takacs-FazekasvHungary>

۴. افغانستان ازجمله کشورهای محسوب می شود که بیشترین تعداد ماین های جاسازی شده را در جهان دارد.

بر اساس تحقیقات نهاد موسوم به «معلولیت بین الملل» در سال ۲۰۰۵ میلادی، در افغانستان در هر ۵ خانواده یک فرد معلول و معیوب است.

می ۲۰۱۴

## ماهیت متغیر برگشت مهاجرین به افغانستان

کیتی کیشمایندر، میلیسا سیگیل و نسیم مجیدی

ایجاب می نماید تا دوزنها و فعالین مربوطه تغییرات اساسی را در دوره‌های مهاجرت و برگشت مهاجران در فعالیت و تلاش های کاری شان در قسمت شناسایی آن عده افغان های که به کمک های بیشتر نیاز دارند، ایجاد نمایند.

در دهه گذشته، مهاجرین بازگشت کننده به افغانستان از سده ماه ویا اضافه تر از آن در خارج کشور بودند به عنوان مهاجر پناهجویان باگشت کننده به مردمانی تغییر کرده است که از کار و دیگر انواع مختلف پناهنده گی برمی گردند . از اینرو، من بعد

مهاجرین بازگشت کننده از جمله افراد آسیب پذیر در افغانستان محسوب می گردند و ایجاب می نماید تا پالیسی های مربوطه تنوع و تفاوت های موجود در روند بازگشت مهاجرین را در نظر بگیرد.

اضافه تر از شش میلیون مهاجر افغان از سال ۲۰۰۲ بدینسو از سراسر جهان به ویژه از کشورهای همسایه مانند پاکستان و ایران به کشور بازگشت نموده اند. هرچند در این اواخر میزان بازگشت مهاجرین افغان به داخل کشور به سرعت کاهش یافته است، بازگشت اجباری و اختیاری مهاجرین افغان به افغانستان ادامه دارد. در جریان ده سال اخیر بازگشت مهاجرین افغان از کشورهای اروپایی بیشتر به یک مسئله سیاسی مبدل شده، چنانچه افغان ها بزرگترین گروه پناهجویان را در این قاره تشکیل میدهند. سالانه صد ها پناهجوی رد مرز شده بازگشت داوطلبانه مساعدتی و حمایت در قسمت استقرار مجدد را انتخاب می کنند ویا مجبور به بازگشت به افغانستان میگردند. برعلاوه رویکرد سیاسی کشور ایران در قبال مهاجرین افغان تغییر کرده است و از سال ۲۰۰۷ بدینسو سالانه رقم بزرگ مهاجرین افغان از این کشور اخراج میگرددند. در نتیجه در ده سال گذشته در ماهیت مهاجرت و بازگشت مهاجرین به افغانستان تغییرات قابل ملاحظه وارد گردیده است و ایجاب مینماید تا پالیسی های مربوطه این موضوع را به رسمیت بشناسند و در نظر بگیرند که مهاجرین برگشت کننده دیگر آسیب پذیرترین افراد جامعه را تشکیل می دهند.

### نتایج سروی خانواده

در سال ۲۰۱۱ میلادی در حدود ۲۰۰۵ خانواده در پنج ولایت افغانستان به منظور آزمایش وضعیت مهاجرین بازگشت کننده و جوانب بازگشت از مهاجرت سروی گردیدند. که شامل ۱۱۰۰ خانواده بازگشت کننده از مهاجرت ( این خانواده های با داشتن پناهجویی عودت کننده یا پناهنده عودت کننده در میان شان به عنوان خانوار یا خانواده تعریف شده اند) و ۱۸۵ خانواده دارای مهاجر بر حال میباشند ( آن عده کسانی که در زمان مصاحبه برای



مهاجرین عودت کننده به افغانستان در سال 2004

به اساس تحلیل و ارزیابی های بیشتر دلایل ابتدائی مهاجرت اثرات اساسی را روی رفاه و آسایش خانواده ها همحض برگشت وارد مینماید. بر خلاف انتظارات، خانواده های مهاجرین برگشت کننده به تناسب به خانواده های مهاجرین کارگر در وضعیت بهتری قرار

دارند. <sup>۲</sup> بر علاوه از مقایسه خانواده های برگشت کننده با خانواده های که مهاجر نیستند و خانواده های که فعلاً در مهاجرت قرار دارند، چنین استنباط میگردد که خانواده های برگشت کننده در وضعیت بهتری قرار دارند.

دلایل متعدد در رابطه به این موضوع وجود دارد. در قدم اول مهاجرین برگشت کننده در مورد شرایط و اوضاع ساحاتی که به آن برگشت مینمایند، آگاهی کامل حاصل نموده اند و بنابراین برگشت به وطن را انتخاب نمودند چرا که آنها از مناسب بودن شرایط و اوضاع آگاهی حاصل کردند. این امر به طور خاص به دسته های نخست مهاجرین برگشت کننده صدق می کند. در قدم دوم کمک و همکاری های که دریافت می کنند خاصاً سرپناه عامل موثر دیگر در قسمت رفاه و آسایش مهاجرین محسوب میگردد. <sup>۳</sup> نهایتاً این امکان وجود دارد که آن عده کسانی که مهاجرت نمودند از ابتدا در وضعیت بهتری قرار داشتند و با مهارت و تجاربی کسب کرده اند که آنها را برای ادغام مجدد پس از بازگشت به وطن آماده ساخته است. با در نظر داشت موارد فوق، فراهم سازی حمایت متداوم با قابل شدن امتیاز به مهاجرین بازگشت کننده باعث افزایش خشم مردم و ساکنین محل در قبال آنها گردیده و تداوم فعالیت ها جهت

این نتایج پیامد های مهمی برای پالیسی های بازگشت و استقرار مجدد در افغانستان دارد. بازگشت کننده گان تقریباً یک سوم نفوس افغانستان را تشکیل میدهند که این یک توده اعظیم مردم است که نمیتوان آنها را منعیث افراد آسیب پذیر محسوب نمود خاصاً در حالیکه افغانستان در حال انتقال قرار داشته و کمک های

بین المللی رو به کاهش است. افغانستان، سازمان های بین المللی و دونرها باید آسیب پذیری را در چوکات محلی تعریف کنند. واضحاً درمیان افراد و خانواده های مهاجرین بازگشت کننده در افغانستان افراد آسیب پذیر وجود داشته ولی بدین معنا نیست که همه ی مهاجرین بازگشت کننده افراد آسیب پذیر اند و نسبت به دیگران در وضعیت بدتری قرار دارند. از دیدگاه پالیسی و اجراءات مربوطه اولویت های اساسی دونرها و سایر فعالین، شناسائی نیازمندی های متنوع تمام برگشت کننده گان در برنامه ها و تلاش های شان برای کمک به آسیب پذیرترین افراد است

کیتی کوشمایندر،

[Katie.kuschminder@maastrichtuniversity.nl](mailto:Katie.kuschminder@maastrichtuniversity.nl) همکار

تحقیقاتی و

میلیسا سیگیل،

[Melissa.siegel@maastrichtuniversity.nl](mailto:Melissa.siegel@maastrichtuniversity.nl) معاون پروفیسور

در پوهنتون ماستریچ هستند،

نسیم مجیدی، [Nassim.majidi@samuelhall.org](mailto:Nassim.majidi@samuelhall.org) رئیس

سامویل هال <http://samuelhall.org>، کاندید دوکتورا

پوهنتون ساینس پاریس است

۱. جمع آوری معلومات از طریق اکادمی IS صورت گرفته است؛ پروژه انکشافی سوری مهاجرین. خانواده ها در پنج ولایت ذیل مورد سوری قرار گرفته اند: کابل، بلخ، هرات، کندهار و ننگرهار. در هر ولایت ساحات شهری، نیمه شهری و روستائی انتخاب گردیده و این نمونه برداری به صورت تصادفی ویا بر اساس یک لست ابتدائی دریافت شده از اداره مرکزی احصائیه صورت گرفته است (<http://cso.gov.af/en>). برنامه جمع آوری معلومات از طرف وزارت خارجه هالند و سازمان IOM تمویل گردیده است. نتایج نهایی را در لینک ذیل مطالعه نمائید:

<http://tinyurl.com/UNU-MERIT-migration-and-dev>

۲. استفاده شیوه چند بعدی در جا هایی که رفاه و آسایش تنها وابسته به عواید ویا مصارف بوده بلکه به سایر ابعاد مانند مهارت ها، صحت، تعلیم و تربیه و امنیت و شمولیت های اجتماعی تعلق دارد.

۳. پوهنتون ماستریچ و سمول هال (نومبر ۲۰۱۳) ارزیابی برنامه همکاری سرپناه، UNHCR

<http://samuelhall.org/REPORTS/UNHCR%20Shelter%20Assistance%20Programme%20Evaluation.pdf>

UNHCR/L. Slezic/Globel Aware



## نظری از یک مهاجر افغان در کانادا

تبسم اکثیر

هر چند بخش عمده زنده گی من در کانادا سپری شده است، اما افغانستان میهن فامیل من است و همراهی با دیگر کانادایی ها ما به بازسازی آن متعهد هستیم.

در جریان سال های جنگ شوروی در افغانستان از ۱۹۷۹-۱۹۸۹ بازگشت به کشوراجدای شان ابراز علاقمندی می کنند لکن تنها زمانی که چیزی برای بازدهی و یا سهم گرفتنداشته باشند. ارسال بازدهی همراه با زاگشت به منظور ظرفیت سازی و حمایت بین المللی از جمله راه های آشکاربازدهی فغان ها در غرب است. ارزیابی دقیق پول های ارسالی به دلیل ماهیت غیر رسمی این سیستم مشکل است لکن بانک جهانی تخمین می کند که پول های ارسال شده از خارج برای ۱۵ فیصد ازخانواده های افغان روستا نشین را حمایت می کند که تقریباً ۲۰ فیصد مصارف روزانه فامیل رادر بر می گیرد. صندوق بین المللی برای رشد زراعت طی یک راپور در سال ۲۰۰۷ تخمین نمود که پول ارسال شده به افغانستان در عاید نا خالص داخلی افغانستان ۲۶,۶ فیصد سهم دارد.<sup>۱</sup>

### رویا ها در مقابل حقایق:

من ، خواهر و برادرهایم بخش اعظم از زنده گی خویش را در کانادا سپری نموده ایم و در باره کشور که ما چند دهه پیش از آن فراری شده بودیم بسیار کم میدانیم. از این رو مفهوم "بازدهی" به افغانستان از طریق سهم گیری در یکی از پروژه های خاص در [vdhk] جریان رخصتی های ما در افغانستان، مسلماً بیشتر یم تصور خیالی بود. برای بار اول در سال ۲۰۰۳ زمانی که من از افغانستان دیدن به عمل آوردم من و خواهر و برادرهایم برای حمایت از تعلیم دختران افغان یک مقدار مواد درسی را همراهی با خود به افغانستان برده بدیم. اندکی پس از آن که ما به قریه رسیدیم این آشکار گردید که بیشتر مشکلاتی که مانع دسترسی دختران به تعلیم می شود مشکلات لجستیکی اند مانند: مسیرهای نا امن به مکتب، ماین های نا معلوم، اطاق های درسی نا امن بدون دیوار و پنجره و حتی موجودیت مردان اوباش محلی. هر چند عنعنه عمیق محافظه کاری مانع به مکتب رفتن بعضی ها شده است لیکن تعداد زیادی از دختران از حمایت والدین شان برخوردار بودند و به شرط این که مشکلات فوق الذکر از بین برده شود حاضر اند به مکتب بروند. فقدان حصار و حریم در مکاتب دخترانه ابتدا با اعمار پنجره های فولادی برای یکی از مکاتب محل مرفوع شد و بعداً با موافقه والدین ما با اعطای زمین اججدای خویش برای ساختن یک مکتب دخترانه چهار دیواری دار اقدام به عمل آوردیم. در حالیکه قرطاسیه و لپ تاب های دست دومی که با خود آورده بودیم یک نظریه

ما به مقام خود به حیث شهروند کانادا و به خاطر فرصت ها و آزادی های داده شده ممنون هستیم. در عین حال ما علاقمند برگشت صلح به کشور خود هستیم تا بلاخره به وطن خود برگردیم و به مداوم زنده ساختن آرزو ها مختل شده خویش بپردازیم. حالت متحول موجوده برگشت به وطن را غیر عملی می سازد. اقدامات کوچکی موجود اند که اکثرآ مهاجران در روش ها سهیم اند، اقداماتی که تعهد جمعی را برای حفظ ، استقرار مجدد، امنیت و خوشبختی افغانستان نشان می دهد. برای ما با خاطرات و تعلقات ما ، افغانستان یک کشور بی مهر و یک جامعه جنگ زده نیست بلکه کشوریست فراموش شده که نیاز به ترمیم دارد. به طور مثال فامیل های ما سفر های سالانه به افغانستان دارند که بعضاً برای ماه ها می مانند. پدر من یک داکتر است که مصروف اخذ تخصص در بیماری های ساری است و در گذشته در یک کمپ مهاجرین در پاکستان کار می کرد. تمرکز وی بالای صحت و رفاه مردم قریه ما و اطراف آن است از طریق کلینیک که سالهای قبل اعمارکرده است مشوره های طبی رایگان می دهد. مادر من نیز رول عمده ی را بازی می کند. او خدمات طبی را در دسترس زنان روستایی قرار می دهد. وی پدرم را هنگامی که به خانه های مراجعین می رود همراهی می کند و یا درکلینیک در کنار پدرم می نشیند تا به مراجعین زنانه محافظه کار که از حضور قریب یک شخص نامرحم احساس نا راحتی می کنند اطمینان دهد.

نوع خدمات صحتی که در این کلینیک داده می شود بسیار ابتدایی است در عین حال برای مردم محل این خدمات برجسته است و حتی برای بعضی این اولین بار است که توسط یک داکتر معاینه می شوند. با شور و اشتیاقی که این کلینیک توسط دو نفرمهاجر از کشور به پیش برده می شود نشان دهنده برجسته علاقه و آرزوی اکثر از افغان های در خارج نسبت به افغانستان است.

### و بعد از ۲۰۱۴

انتقال فعلی همراه با پیامدهای سیاسی، امنیتی و حمایت پولی بین المللی اش بالای توقعات و برنامه های فامیل من تاثیر به سزا نداشته است. در ساحه که ما اکثر دخیل بودیم (ولسوالی رودات ننگرها) در ده سال گذشته تا حدودی بی طرفی خود را نگاه داشته است، هرچند در سر تا سر ولسوالی و ولایت بقایا جنگ موجود است اما برای فامیل ما کدام مانع یا تهدیدی ایجاد نکرده است. نظر به اوضاع سیاسی در محلات شان دیگر فامیل های افغان مهاجر مقیم در خارج ممکن احساس متفاوتی داشته باشند.

با توجه به مطالعه کیفی انجام شده با زنان جوان افغان در کانادا، به نظر بنده بازگشت آنها مشروط به صلح نیست بلکه به چیزی است که آنها برای ارئه به افغانستان داشته باشند. این زنان فعال، هدفمند، جوان، و پر انرژی مهاجر افغان دارای شور و اشتیاق برای کمک به بازسازی هستند اما تا به حال این منبع از سوی کدام نهادهای بشردوستانه یا ترقی خواهانه بهره برداری نشده اند.

تبسم اکثیر که ایمیل آدرسش [t.akseer@queensu.ca](mailto:t.akseer@queensu.ca) است فعلاً نامزد دوکتورا در پروگرام مطالعات فرهنگی در پوهنتون کوین در کینگستون اوتاریو است. [www.queensu.ca](http://www.queensu.ca)

۱. سیگل ام. (2013) 'Understanding Afghan migration', Debating Development blog <http://blog.qeh.ox.ac.uk/?p=147>

۲. اکسیر تی. (2011) Identity Formation and Negotiation of Afghan Female (Unpublished Masters of Education thesis), Brock Youth in Ontario (Unpublished Masters of Education thesis), Brock University, St Catharines, Canada.



دختران مهاجرین عودت کننده هنگام انجام تکلیف خانگی، میمنه، ولایت فاریاب، افغانستان

عملی بود لیکن به طور واقع بینانه بسیاری از مشکلات در اصل با زیربنا و امنیت مرتبط بود.

خلاصه اینکه که سفر اول یک تجربه دلچسب بود. به حیث اعضای افغان های مهاجر ما فرض کرده بودیم که تمام جواب ها را میدانیم. ما بیشتر شبیه کسانی بودیم که از خارج با نیت خیر اما معلومات اشتباه با اشتیاق برای آوردن تغییر و توان بخشیدن به افغانستان می روند. این مهم است که افغانان مهاجر و غیر افغان ها با شور و اشتیاق برای اهداف بشردوستانه فراتر از راه حل های سریع نگاه کنند و از روش های متنوع برای راه حل های دوامدار استفاده کنند.

### مهاجران افغان

را به کشور ارسال می نمایند تا از خانواده ها و جوامع در افغانستان (و کمپ های مهاجرین) حمایت کنند. آنها در افغانستان سرمایه گذاری کرده اند و در دوازده سال اخیر در پرورش های سیاسی به طور قابل ملاحظه سهم گرفته اند.

اقتباس از: تایلر دی بلزنگری راه حل ها برای مهاجرین افغان: نقش NGO های بشردوستانه در 18-21 و کوثر کی (2014) انتقال، بحران و تحرک در افغانستان. رجز خوانی و حقیقت. سازمان بین المللی مهاجرت. صفحه 12.

[www.iom.int/files/live/sites/iom/files/Country/docs/Transition-Crisis-and-Mobility-in-Afghanistan-2014.pdf](http://www.iom.int/files/live/sites/iom/files/Country/docs/Transition-Crisis-and-Mobility-in-Afghanistan-2014.pdf)

پاکستان و ایران میزبان 2.5 میلیون مهاجر ثبت شده افغان است و حدس زده می شود که معادل این تعداد مهاجرین ثبت نشده نیز در این دو کشور میزبان موجود باشد. در مجموع حدس زده می شود 300000 مهاجر افغان در امریکا مسکن گزین شده باشند. حد اقل 150000 در امارات متحده عربی و شاید هم 125000 در جرمنی و تعدادی کمی در کانادا، آسترالیا و در سراسر اروپا مقیم شده باشند. در حالی که اکثر مهاجرین افغان در امارات متحده عربی کارکنان موقتی هستند اما تعدادی زیادی از مهاجران افغان در دیگر کشور ها ساکنین دایمی هستند که بعضاً تعلیم یافته و صاحب مهارت هستند. تخمین زده می شود که 10000 مهاجر افغان در هند به سر می برند و بیشترشان سیک ها و هندو های افغان می باشند. اهمیت اقتصادی و سیاسی مهاجران افغان بیشتر از اهمیت شمار آنها است. آنها پول و کمک های مالی قابل توجه

## عودت کنندگان افغان منحیت عاملین تغییرات؟

ماریکی وان هوتی

توقع می‌رود تا عودت کنندگان افغان که از کشورهای صنعتی به وطن شان باز می‌گردند در قسمت انکشاف و تامین صلح افغانستان کمک و همکاری نمایند. هرچند این که از کدام طبقه مهاجرین بازگشت کننده توقع آوردن چه نوع تغییری می‌رود، همیشه تعریف نشده باقی می‌ماند.

عودت مهاجرین به کشور توسط جامعه بین المللی منحیت ثبوت و دلیل اساسی تامین صلح و برگشت کشور به حالت نورمال ثقلی می‌گردد. هرچند جالب اینجا است که این عودت کنندگان افغان منحیت عامل تغییرات دیده می‌شوند که می‌توانند در عرصه

انکشاف کشور و تامین صلح کمک و همکاری نمایند. عودت کنندگان از کشورهای صنعتی به عنوان طبقه تحصیل کرده، ثروتمند، متشبه و دارای شبکه قوی نخبه‌گان پنداشته می‌شوند که این افراد مهارت ها، سرمایه و مفکوره های عالی را در خارج کشور حاصل نموده اند. برعلاوه توقع می‌رود تا آنها به عنوان میانجی و واسطه میان فرهنگ ها باشند. در سراسر کشورهای اتحادیه اروپا، دولت ها بودجه های شانرا در قسمت کمک های انکشافی رسمی جهت تمویل برنامه بازگشت داوطلبانه مهاجرین پذیرفته نشده مورد استفاده قرار داده اند. هرچند عودت کنندگان از کشورهای اروپائی گروه های غیر متجانس افراد را تشکیل داده و تمام آنها دارای چنین خصوصیات نمی‌باشند. بر اساس یک مطالعه در مورد عودت کنندگان به کابل وضعیت قانونی افراد و انگیزه های آنها جهت بازگشت چشمگیر می‌باشد.

در محیط غیرقابل پیش بینی افغانستان، تحرک جهانی با ارزشترین دارایی برای بازگشت کننده گان محسوب می‌گردد. این موضوع آنها را قادر می‌سازد تا از آزادی بیشتر در قسمت محدودیت های ساختارهای ملی برخوردار باشند و در عوض محدود ماندن به این ساختارهای اجتماعی ترجیح دهند تا تغییرات را مورد بحث و گفتگو قرار دهند. درحالی که جامعه بین المللی بازگشت دایمی مهاجرین را منحیت اثبات تامین صلح ثقلی مینماید ولی تحرک متداوم آنها بیشتر به خاطر معیشت پایدار، تلاش در قسمت تامین صلح و انکشاف موثر می‌باشد.

بازگشت مهاجرین افغان بصورت اختیاری - برعکس بازگشت مهاجرین AVR- حقوق دایمی آنها را در کشور میزبان که زنده گی مینمایند، حفظ میکنند. این تحرکات میان کشوری یکجا با موقف خوب اجتماعی - اقتصادی آنها باعث افزایش اطمینان در توانائی هایشان در قسمت حمایت خویش در برابر خشونت و در عین حال تامین، حفظ بستگان شان در کشورهای غربی که زنده گی مینمایند را نشان میدهد. اکثر عودت کنندگان داوطلب از اثر آرزو های بلند پروازانه خویش تحریک گردیده و باوجود اغتشاشات احتمالی بعد از سال ۲۰۱۴ خواهان بازگشت به افغانستان می‌باشند. آنها با خوش بینی و انرژی به وطن بازگشت نموده و بیشتر آنها علم و دانش، مهارت ها و تخصص را که در اروپا ویا کدام کشوردیگر حاصل نموده اند، منحیت یک دارائی قابل استفاده برای مهین خویش محسوب می‌نمایند. هرچند بعد از گذشت زمان آنها احساس میکنند که نظریات شان و مفکوره های خارجی شان با بدگمانی مواجه میگردد، از اینرو این عمل باعث دلسری آنها گردیده و ناامید میشوند. عودت کنندگان داوطلبانه دایماً تصامیم خویش را درمورد ماندن ویا رفتن را بررسی می‌کنند و احتمالاً در صورت تغییرات منفی بعد از سال

ماریکی وان هوتی یاور داکتر در مکتب ماستریچ، پوهنتون ماستریچ، هالند است. [mariekevanhoute@gmail.com](mailto:mariekevanhoute@gmail.com)

این سند بر اساس رساله داکترای وی در مودر بازگشت مهاجرین تهیه شده که قرار است موصوفه در سال 2014 از آن دفاع نماید. [www.maastrichtuniversity.nl](http://www.maastrichtuniversity.nl)





## بی جا شدن و خشونت در مقابل زنان در افغانستان

کامیل هینیون

شرایط بد اجتماعی، اقتصادی و از دست دادن میکانیزم حمایت عوامل کلیدی در افزایش آسیب پذیری زنان در مقابل خشونت شمرده می شود.

خشونت علیه زنان در افغانستان رایج است؛ از ازدواج های قبل از وقت گرفته تا ازدواج های اجباری، خشونت خانوادگی، تجاوز جنسی، قتل های ناموسی و سلب مالکیت خشونت های اند که علیه زنان صورت می گیرد. هر چند دریافت ارقام قابل اعتبار در شرایط افغانستان مشکل است، اما دریافت های یک مطالعه حمایتی بی جا شده گان داخلی ۲۰۱۲ نشان می دهد که بی جا شدن، آسیب پذیری زنان بی جا شده در مقابل خشونت علیه زنان را شدت می بخشد. در میان عواملی که میان خشونت علیه زنان و بی جا شده گی رابطه تشکیل می دهد دو نوع عوامل بسیار حساس هستند.

اولاً تنزل شرایط اجتماعی-اقتصادی فامیل ها در آواره گی خطر خشونت علیه زنان را افزایش می دهد. یک مورد تکان دهنده این بود که یک دختر خرد

کامیل هینیون [camille.hennion@samuelhall.org](mailto:camille.hennion@samuelhall.org)  
مدیر پروژه در مرکز مشاورتی اسمول هال است  
[www.samuelhall.org](http://www.samuelhall.org)

۱. سامویل هال ان آر سی-آی دی ایم سی-آی پی اس (۲۰۱۲)

Challenges of IDP Protection. Research Study on the protection of internally displaced persons in Afghanistan.

(چالش های محافظتی بی جا شده گان داخلی، تحقیق در باره محافظت بی جا شده گان افغان) [www.nrc.no/arch/\\_img/9665970.pdf](http://www.nrc.no/arch/_img/9665970.pdf)

به مجیدی و هنیون هم مراجعه شود (۲۰۱۴)

'Resilience in Displacement? Building the potential of Afghan displaced women', *Journal of Internal Displacement*.

(مقاومت در بی جا شدن؛ ایجاد پوتانسلیت زنان بی جاشده افغان، جرنال بی جا شدن افغان)  
<http://samuelhall.org/REPORTS/Building%20the%20resilience%20of%20Afghan%20displaced%20women.pdf>

برعلاو به این هم مراجعه شود:

'Afghanistan: Women, Peace, and Security - Review of Key Reports' (افغانستان: زنان، امن و امنیت - بازدید از راپور های مهم) (۲۰۱۲-۲۰۱۰) راپور های مهم از دست آورد ها از سال ۲۰۱۰ بدینطرف بالخصوص در محتوی انتقال فعلی افغانستان

<http://tinyurl.com/TLO-women-peace-security-2013>

۲. بر اساس ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی حکومت افغان  
<http://cso.gov.af/en/page/1726>

### خشونت جنسی: اسلحه جنگ، مانع صلح

شماره ۲۷ «نشریه مهاجرت اجباری» در جنوری ۲۰۰۷ چالش ها و فرصت های فرا راه مبارزه علیه زمان جنگ، بعد از جنگ و دوره انکشاف و توسعه کشور بررسی کرده است.

نشریه بررسی مهاجرت اجباری به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، اسپانیوی و عربی به صورت الکترونیکه ذیل قابل دریافت است: [www.fmreview.org/sexualviolence](http://www.fmreview.org/sexualviolence)

«کاهش خشونت جنستی در تمام کشورهای جنگ زده یک نشانه واقعی از بهبود وضعیت ملی طوریا احمد عبید رئیس اجرائیوی سابق UNFPA (این قسمت از مقدمه گرفته شده است)

اولاً تنزل شرایط اجتماعی-اقتصادی فامیل ها در آواره گی خطر خشونت علیه زنان را افزایش می دهد. یک مورد تکان دهنده این بود که یک دختر خرد سال بیجاه شده هدف اشخاص بیرون جامعه بی جا شده گان برای ازدواج کم مصرف قرار گرفته بود. یک سروری نشان داده است که ۲۶٫۹ فیصد بی جا شده گان داخلی حد اقل دارای یک طفل بودند که مجبور به ازدواج اجباری شده است و این در مورد فامیل های که در راس آن زنان قرار داشته اند بیشتر صدق می کند (این گونه فامیل ها در میان بیجا شدگان از شمار بالای برخوردار هستند). بعضی از فامیل های بی جا شده گان داخلی به امرار معاش به پول مهر اتکاء می کنند:

«ما به دلیل گرسنگی به این عمل دست می زنیم، برای کودکان ما. در غوریاں به این عمل آتقدر نیاز نبود به اندازه که به آن در این جا نیاز است. من (دختر خود) را برایش دادم. من او را برایش سپردم زیرا من مجبور بودم. شوهر او مارا پیدا کرد. آنها میدانست که مهاجرین این جا قرار دارند و نیز میدانند که دختران ما ارزان است.» (یک خانم بی جاشده ۳۵، ساله، ولایت هرات)

اولاً، جدا شدن از محیط آشنا و عادی به محیط مزدحم و نگران کننده که فشار را برای بدست آوردن عاید بالای رئیس خانواده افزایش دهد ممکن است سبب ایجاد فضای مملو از اضطراب می شود و این خود به خود به احتمال زیاد خشونت داخلی را به وجود می آورد.

به ویژه پرسوه مشکل که آوره گان در هنگام نقل مکان از محلات به شهر ها از سر می گذرانند باعث ایجاد خشونت خانوادگی می شود. تفاوت های اصول اجتماعی که اغلب با آوره گی همراه می باشد همیشه هم برای زنان سودمند نبوده است؛ زیرا آنان زمانی رسیدن به شهر ها محافظت نسبی و آزادی های در گشت و گذار را که در روستا داشته اند از دست می دهند.

ثانیاً اینکه زنان کمک و حمایت های سنتی خود را زمانی که به یک محل جدید و نا آشنا مسکن گزین می شوند از دست می دهند. زمانی که زنان به شرایط خطرناک مانند ازدواج اجباری و یا خشونت خانوادگی مواجه می شوند، زنان به آسانی مواجه شدن به خطر طرد شدن از سوی خانواده و یا مشکلات بزرگتر از آن می توانند به میکانیزم محافظت خارجی مانند پولیس و سستم قضایی

## خشونت جنسی: هیچ نوع خشونت جنسی علیه زنان قابل پذیرش نیست

لیدا احمد

در افغانستان در جریان ده سال جنگ و خشونت، زنان بارها مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته اند. گزارشهای سازمان های ملی و بین المللی زنان و حقوق بشر نشان می دهند که دختران و زنان در سنین مختلف از اقوام و طبقات گوناگون در معرض خشونت جنسی قرار گرفته اند: از تجاوز (به شمول تجاوز گروهی) و اجبار به فحشا گرفته تا و ازدواج های اجباری یا ازدواج زیر سن قانونی.

اگرچه در جریان جنگهای داخلی و مجموعه عملیات نظامی تجاوز انفرادی و گروهی به زنان به عنوان یک سلاح جنگی به صورت منظم و سیستماتیک (چنانچه در حال حاضر نیز جنگجویان مرتکب تجاوز انفرادی و گروهی به زنان می شوند) استفاده نشده است، اما دلایلی وجود دارد حاکی از آن که زنان و دختران افغان به طور عموم در معرض خطرات بالایی قرار دارند.. در گذشته مرتکبین حوادث تجاوز بر زنان عمدتاً جنگجویان گروههای مختلف بودند، اما در حال حاضر عوامل این قضایا هم جنگجویانند، نظیر فرماندهان نظامی و افراد مسلح شان، افراد پر قدرت، پولیس و سایر نیروهای امنیتی؛ و هم غیرنظامیان و افراد ملکی بشمول اعضای خانواده، اقوام و همسایه ها.

مصاحبه ها و گزارشهای سازمان دیده بان حقوق بشر<sup>۱</sup> و سایر سازمان های حقوق بشری نشان می دهند که مسئله شرافت و انتقامجویی ناموسی در افغانستان بیشترین خطرات و چالش ها را در برابر زنان و دختران به وجود می آورد. همچنین زنان و دختران از این رو در معرض تجاوز قرار می گیرند که بر اساس تلقی افراد در مکان نامناسب و یا در زمان نامناسب بوده اند و یا تصور می شده که از آنان عمل «اشتباهی» سر زده است. در برخی مواقع، از تجاوز به عنوان یک شیوه مجازات قربانی و یا خانواده اش استفاده شده است. به عنوان مثال، سمیه در هنگام برگشت از صنف سواد آموزی توسط محافظین مسلح فرمانده محلی ربوده شده و در طول ده روز از سوی آنان در معرض تجاوز گروهی قرار گرفت- گناه او صرفاً این بود که یگانه دختر قریه بود که در صنف سواد آموزی اشتراک می کرد در حالی که فرمانده محلی شرکت دختران را در مکاتب و کورسهای آموزشی ممنوع کرده بود.

بسیاری از زنان و دخترانی که مسورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، مجبور به ترک خانه های خویش شده اند، زیرا آنها مایه عار و ننگ خانواده محسوب شده اند. ترک خانه و بی جاشدگی، در نبود یک شبکه حمایتی و عدم حمایت و

در حال حاضر خانم لیدا احمد [lida.ahmad.afg@gmail.com](mailto:lida.ahmad.afg@gmail.com) استاد مسایل توسعه در دانشگاه افغانستان است و به حیث مشاور مسایل خشونت علیه زنان در «موسسه همکاریهای بشردوستانه برای زنان و کودکان افغانستان» ایفای وظیفه می نماید. [www.hawca.org](http://www.hawca.org)

۱. سازمان نظارت بر حقوق بشر (۲۰۱۲) *I had to run away: The Imprisonment of Women and Girls for "Moral Crimes" in Afghanistan* [www.hrw.org/reports/2012/03/28/i-had-run-away](http://www.hrw.org/reports/2012/03/28/i-had-run-away)
۲. قانون «منع خشونت علیه زنان»، متن آنلاین آن در منبع زیر قابل دریافت است: <http://tinyurl.com/EVAW-Dari>
۳. شیوه سنتی حل اختلافات که در آن یک دختر جوان از خانواده که ای که مجرم شناخته شده، برای کسب رضایت خانواده طرف مقابل به آنها داده می شود.

مجموعه عملیات نظامی تجاوز انفرادی و گروهی به زنان به عنوان یک سلاح جنگی به صورت منظم و سیستماتیک (چنانچه در حال حاضر نیز جنگجویان مرتکب تجاوز انفرادی و گروهی به زنان می شوند) استفاده نشده است، اما دلایلی وجود دارد حاکی از آن که زنان و دختران افغان به طور عموم در معرض خطرات بالایی قرار دارند.. در گذشته مرتکبین حوادث تجاوز بر زنان عمدتاً جنگجویان گروههای مختلف بودند، اما در حال حاضر عوامل این قضایا هم جنگجویانند، نظیر فرماندهان نظامی و افراد مسلح شان، افراد پر قدرت، پولیس و سایر نیروهای امنیتی؛ و هم غیرنظامیان و افراد ملکی بشمول اعضای خانواده، اقوام و همسایه ها.

مصاحبه ها و گزارشهای سازمان دیده بان حقوق بشر<sup>۱</sup> و سایر سازمان های حقوق بشری نشان می دهند که مسئله شرافت و انتقامجویی ناموسی در افغانستان بیشترین خطرات و چالش ها را در برابر زنان و دختران به وجود می آورد. همچنین زنان و دختران از این رو در معرض تجاوز قرار می گیرند که بر اساس تلقی افراد در مکان نامناسب و یا در زمان نامناسب بوده اند و یا تصور می شده که از آنان عمل «اشتباهی» سر زده است. در برخی مواقع، از تجاوز به عنوان یک شیوه مجازات قربانی و یا خانواده اش استفاده شده است. به عنوان مثال، سمیه در هنگام برگشت از صنف سواد آموزی توسط محافظین مسلح فرمانده محلی ربوده شده و در طول ده روز از سوی آنان در معرض تجاوز گروهی قرار گرفت- گناه او صرفاً این بود که یگانه دختر قریه بود که در صنف سواد آموزی اشتراک می کرد در حالی که فرمانده محلی شرکت دختران را در مکاتب و کورسهای آموزشی ممنوع کرده بود.

بسیاری از زنان و دخترانی که

مسورد تجاوز

جنسی قرار گرفته

اند، مجبور به

ترک خانه های

خویش شده اند،

زیرا آنها مایه عار

و ننگ خانواده

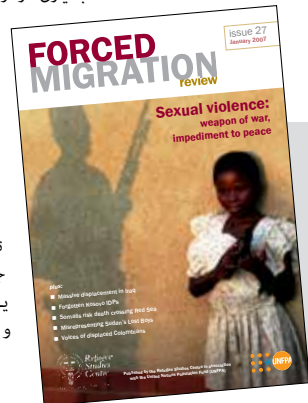
محسوب شده اند.

ترک خانه و بی

جاشدگی، در نبود

یک شبکه حمایتی

و عدم حمایت و



خشونت جنسی را در

ک از از طریق لینک

را ارائه مینماید.

می ۲۰۱۴

## جوانان بیجا شده شهری در کابل

نسیم مجیدی

نتیجهٔ سروی جدید در بارهٔ جوانان بی جا شده شهری (بین سنین ۱۵-۲۴) در کابل نشان می دهد که جوانان بیجا شده در کابل فرصت های را می خواهند تا نقش کاملتری در کشورشان به حیث بازیگران اجتماعی و اقتصادی اجرا کنند. اما آنها احساس می کنند که به آنها فرصت و زمینه های لازم داده نشده است تا از توانایی های بالقوه خود استفاده کنند. از تعداد ۲۰۰۰ پاسخ دهنده این سروی تنها پنجاه نفر ذکر کردند که پلان دارند دوباره هجرت کنند که اینها عمدتاً مرد مرز شده گان و عودت کنندگان اروپایی بودند کسانی که یک گروه کوچک فرعی را در میان جوانان بی جا شده تشکیل می دادند.

در کوتاه مدت جوانان بی جاده شده در کابل به فرصت های کاری از طریق مشاغل نامنم به صورت محلی و یا از طریق کارهای موقتی و کارهای دوره ای و موسمی در پاکستان و ایران دست رسی پیدا می کنند. گروه های جوانان بی جاده شده در کابل به فرصت های کاری از طریق مشاغل نامنم به صورت محلی و یا از طریق کارهای موقتی و کارهای دوره ای و موسمی در پاکستان و ایران دست رسی پیدا می کنند.

آنها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی آسیب پذیرتر هستند. با این حال، آنها به جای مهاجرت به کشورهای خارجی به نظر می رسد که انتظار می کشند تا ببینند در جریان یک یا دو سال آینده در افغانستان چه به وقوع می پیوندد. این به سازمان ها فرصت زمانی می دهد تا در این مدت به صورت عموم برای تحصیلات، مهارت و ادغام سازی این نسل جوان به بازار کار توجه کنند، و به ویژه فرصت های مناسب را برای زنان جوان بی جا شده نیز مهیا کنند.

۱. جوانان بی جا شده شهری در کابل، تحقیق که از طرف مرکز مشورتی ساموئل هال در افغانستان انجام میشود. راپور این تحقیق در سال 2014 نشر خواهد شد.

به همین گونه نگاه کنید: مرکز مشورتی ساموئل هال (۲۰۱۳) *Afghanistan's Future in Transition: A Participatory Assessment of the Afghan Youth*, commissioned by Afghan Deputy Ministry of Youth Affairs, UNDP, UNFPA and UNICEF

(آینده افغانستان در حال انتقال: ارزیابی مشارکتی جوانان افغان که توسط معینیت وزارت امور جوانان، یو ان دی پی، یو ان اف پی ای و یونیسف راه اندازی شده است) <http://tinyurl.com/SamuelHall-Afghan-youth-2013>

در حال حاضر، دولت افغانستان وسازمان های بین المللی و ملی در توسعهٔ پروگرام های حساس برای جوانان عقب مانده اند. بر اساس

### نوجوانان افغان: آیا دوباره مهاجرتی به تنهایی در پیش است؟ مهاجرت اطفال افغان به تنهایی: آماده حرکت؟

بویژه از این نظر که تمام عایدات و منابع مالی خانواده جهت تامین مصارف سفر اولیه آنها هزینه شده باشد. همان جامعه که در یک مرحله باعث شد یک نوجوان تصمیم بگیرد به تنهایی مهاجرت کند، اکنون به تلاشهای این نوجوان بازگردانده شده به کشور ارزش لازم را نمی دهد.

«آنها ما را طعنه میزنند و میگویند که نوجوانانی با سن پائینتر از شما به مقصد شان رسیده اند ولی شما تا نتوانسته اید. آنها درک نمی کنند که مهاجرت و سفر به تنهایی ساده و آسان نیست. آنها چیزی در باره خطرات و مشکلات چنین سفرهایی نمی دانند.» (غلام، نوجوان 18 ساله، ولایت ننگرهار)

هرچند بسیاری از نوجوانان افغان به این عقیده اند که سعی و تلاش دوباره شاید آسان تر بوده و بیشتر از همیشه مصممند

«من موفق نشدم، اما هنوز هم می خواهم به خارج از کشور بروم. من باید به مقصد بروم، چرا که اینجا در افغانستان نه کار است و نه تحصیل و آموزش.» (امینی جوان 17 ساله، ننگرهار)

بسیاری از نوجوانان افغان که در گذشته افغانستان را ترک نموده و به کشورهای غربی رفته بودند ولی بصورت اجباری دوباره به کشور شان بازگردانده شده اند، با وجود مشکلات و چالشهایی که در جریان سفر با آن مواجه بوده اند، تلاش می کنند تا دوباره به خارج بروند. دستگیری و بازگردانده شدن سرنوشت معمول برای آن دسته از جوانان افغان است که به تنهایی مهاجرت مینمایند. آنگاه هم که به افغانستان بازگردانده شده اند، با مشکلات بازپرداخت پولی دست به گریبانند که خانواده های آنان مجبور شده اند برای سفر اولیه آنها قرض کنند. جذب مجدد عودت داده شدگان نوجوان در جامعه با دشواریهای روبروست.



افغانستان» قرار است که در اوسط سال ۲۰۱۴ میلادی نشر گردد: جهت دریافت معلومات بیشتر به وب سایت ذیل مراجعه کنید: [www.areas.org.af](http://www.areas.org.af) برای اطلاعات بیشتر می توانید با جینیفر لین باگاپارو، محقق ارشد واحد ارزیابی و تحقیقاتی افغانستان [jennefer@areas.org.af](mailto:jennefer@areas.org.af) در تماس شوید. خانم باگاپارو در تهیه گزارش با سوفیا شهاب کار و همکاری نموده است. [sofya.shahab@gmail.com](mailto:sofya.shahab@gmail.com).

دوباره به سفر اقدام کنند. آنها می خواهند با رسیدن به غرب معیشت خود را تأمین کنند، از آزادی نسبی بهره ببرند، و از دسترسی به فرصت ها و سهولت هایی مانند تعلیم و تربیه برخوردار شوند، و به همین دلیل حاضر می شوند تمام خطراتی رسیدن به مقصد را به جان بخرند.

بعضی از یافته های تحقیقات مشترک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد و «واحد ارزیابی و تحقیقاتی

## حقایق شهری برای زنان و دختران جوان بیجا شده

دن تایلر و ساسونو کمیدل

تعداد روز افزون آوره گان داخلی در اسکان های غیر رسمی در شهر های بزرگ افغانستان زندگی می کنند. لیکن روش زنده گی برای دختران و زنان جوان بیجا شده در این گونه شرایط خیلی آسیب پذیر است و این موضوع به درستی شناسایی و به آن پرداخته نشده است.

فرضیه های عام این باور را حمایت می کند که زنان و دختران شهری به صورت عمومی نظر به محلات اطرافی که مسکن اصلی سابق آنان بود، قادر به دست رسی به خدمات و فرصت های اجتماعی زیادی هستند. روش مترقی شهر ها و موجودیت خدمات

”دل ما برای دنیا خارجی عمیقاً دق می شود و در اینجا احساس می کنیم که ما حیثیت بندی ها را داریم. زندانیان از ما بهتر هستند. حد اقل برای زندانیان غذای بهتر می رسد.“ (زن ۲۴ ساله)

از دست دادن شبکه ها: چون زنان قادر به داد و ستد با خارج از خانه های شان نیستند آنها از دیگران کمک خواسته می توانند. زنان جوان معمولاً ناتوانی خود را واگذار نموده اند تا فشار خود را همراه زنان دیگر همجواری شان شریک سازند یا یک شبکه را در مسکن غیر رسمی و جامعه شان تأسیس نمایند. اغلب همسایه ها فامیل ها را تهدید می کند که آن ها باید از نورم های جامعه بغاوت نمایند و آزادی زنان و دختران را به شمول تعلیم فراهم نگردانند.

تحصیلی وسیع در مناطق شهری این نظریه را تقویت داده است. اما تحقیقات جدید چیزی دیگر را پیشنهاد می کند. ۱. زنان و دختران بی جا شده در کندهار، کابل و جلال آباد به چالش های برجسته کیفیتی مختلفی در زمینه دست رسی به تحصیل، خدمات صحتی و کاریابی بیشتر از همتهان مرد شان روبرو هستند. حقیقت بسیار تکان دهنده از دست دادن آزادی، سرمایه اجتماعی و مزوی شدن شدید زنان است. تمام مصاحبه ها همراهی دختران و زنان جوان از طرف زنان و دختران ساحات نزدیک صورت گرفته است. ابتدا از بزرگان و بعد از اعضای مذکر خانواده های مسکن گزین در ساحه غیر رسمی اجازه برای صحبت با زنان و دختران جوان گرفته شد.

“تقریباً تمام روز ما چیزی برای انجام دادن نداریم. اگر برای ما فرصت تعلیم و آشنایی با دیگران داده می شد ما در عرصه های سیاسی و فرهنگی کار می کردیم. یگانه عملی را که انجام می دهیم این است که دختران از خیمه های همجواری جمع می شوند و در باره نوع زنده گی خویش شکایت می کنیم و چیزی بیش از این برای انجام دادن نداریم.“ (زن ۲۵ ساله)

پیشانی و افسردگی: در نتیجه شرایط ناگوار زنده گی شان تعدادی زنان و دختران جوان بیجا شده شهری از افسردگی عمیق رنج می برند و اغلب در باره اختتام بخشیدن به زنده گی شان صحبت می کنند. بعضی از بی جا شدگان داخلی در باره کمبود کمک های روانی صحبت کرده اند. آنها گفته اند که هیچ نوع از گروه های انفرادی و

انزوا و به حاشیه رانده شدن: زنان و دختران بی جا شده اغلباً در انزوا نگهداشته می شود و معمولاً اجازه ندارند تا در محل دور گشت و گذار نماید و اغلباً خارج از منزل خود نیز نمی توانند بروند که امر به شدت دست رسی به تحصیل و مراقبت های صحتی و فرصت های معیشتی آنها را کاهش می دهد. در جریان مصاحبه تنها ۴۰ فیصد پاسخ دهنده گان گفتند که دختران و زنان اجازه ترک خانه به منظور ملاقات با دوستان خود را دارند. حد اقل یک بر سه حصه آنها گفتند که آنها باید همراهی اعضای ذکور فامیل به بیرون از منزل بروند. محدودیت تحرک نیز دست رسی به تحصیل و فرصت های معیشتی برای زنان را از میان بر می دارد. موانع فرهنگی عوامل تعیین کننده در به حاشیه زنده شدن و انزوا است

می ۲۰۱۴

سازمانی برای کسانی که از مریضی روانی ( اختلال تنش زای روانی پس از آسیب یا Post-Traumatic Stress Disorder ) رنج می برند توجه و کمک نکرده اند. (به شمول افرادی که در صدد رساندن ضرر برای خود هستند)

فعالین حقوق بشر باید دریابند که چگونه تهیه تعلیمات رسمی و غیر رسمی را هر چه عاجل در چرخه ای بی جا شدگی دوباره آغاز کنند به طور مثال شامل تعلیمات حرفه ای و فعالیت های حمایتی برای معیشت باشند. هماهنگی و حمایت برای بی جا شده گان داخلی در سکونت گاه های شهری نیاز به توسعه دارد که در نتیجه به ثبت سستماتیک تفصیلات بی جا شده گان شهری داخلی و نیازمندی ایشان و تاسیس میکانیزم پاسخ گوینه و مراجعوی نیازمند است.

### حمایت هدفمند

تعداد زیادی زنان و دختران جوان اظهار شرمساری کرده تا بگویند که آواره هستند و اکثراً حالت اسفبار موجوده زنده گی شان را با زندگی قبلی آرام و شگوفای شان در دهات مقایسه می کردند. احساس افسردگی بیش از حد یکی مظالم است، کمبود فرصت و ناتوانی دریافت راه حل نیز به این پیریشانی می افزاید. شمار زیاد زنان و دختران جوان هدف مصاحبه را زیر سوال برده اند و گفتند که اگر هیچ کسی به کمک نماید این مصاحبه چه سودی خواهد داشت و زنان و دختران جوان بیجا شده از ولایت کندهار ادعا نموده اند که کمک توسط مردان آورده می شود و صرف به مردان توزیع می گردد.

بخاطر پرداختن بهتر به آسیب پذیری های مشخص زنان و دختران جوان در مسکن شهری ما سفارش می دهیم که کمک ها برای بیجا شدگان شامل جزء برای نیاز های صحت روانی باشد. ( با امکانات ارجاع سریع آنهایی که با خطر بالا شناسایی شده اند)

دن تایلر [dan.tyler@nrc.no](mailto:dan.tyler@nrc.no) مشاور امور محافظتی و وکالتی در "شورای پناهندگان ناروی" است: [www.nrc.no](http://www.nrc.no) و سوسانی شمیدل [susanne.schmeidl@tlo-afghanistan.org](mailto:susanne.schmeidl@tlo-afghanistan.org) مشاور در "دفتر ارتباطات افغانستان" [www.tloafghanistan.org](http://www.tloafghanistan.org) و استاد مهمان در کالج آسیا-اقیانوسیه در دانشگاه ملی استرالیا است. [www.anu.edu.au](http://www.anu.edu.au)

کارمندان بشردوستانه بدون تخصص به شمول کارکنان محلی باید آموزش داده شوند تا مسایل صحت روانی را تشخیص نمایند و بدانند که چگونه به موقع رسیده گی نمایند. تحلیل جندر باید برای ارزیابی ساده سازی شود و به وارد بخش عمده اصلی استراتژی ارزیابی و

۱. راپور قونسل مهاجرین ناروی و دفتر لایزن راپورث را در مورد بی جا شده گان جوان در نیمه 2014 به نشر خواهد رسانید. تمامی مصاحبه ها با زنان و دختران جوان بیجاشده توسط زنان و دختران مناطق اطراف همان محل انجام شده است. در این رابطه نخست از بزرگان محلی اجازه گرفته شده تا در داخل مجموعه مردمان ساکن در اقامتگاههای غیررسمی گفتگو انجام شود و بعد هم اعضای مرد خانواده ها اجازه داده اند تا با زنان و یا دختران خانواده مصاحبه صورت گیرد.

کارمندان بشردوستانه بدون تخصص به شمول کارکنان محلی باید آموزش داده شوند تا مسایل صحت روانی را تشخیص نمایند و بدانند که چگونه به موقع رسیده گی نمایند. تحلیل جندر باید برای ارزیابی ساده سازی شود و به وارد بخش عمده اصلی استراتژی ارزیابی و

## هنوز در خطر: خروج اجباری در ساحات شهری افغانستان

کارولین هووارد و جیلینا مادزاریویک

رقم بزرگ افغان های بیجا شده چالش ها و مشکلات در قسمت حمایت و انکشاف شهری برای دولت و جوامع بین المللی ایجاد می نماید.

بیشتر تسریع شده است. از آنجائی که آینده افغانستان غیرقابل پیشبینی میباشد، از انبرو دریافت راه حل پایدار برای بیجا شده گان داخلی و مهاجرین عودت کننده مشروط به تهیه و تدارک خانه ها و مکان زیست و امنیت متصدی میباشد. عدم موجودیت گزینه های مناسب فراهم سازی مسکن باعث میگردد تا بیجاشده گان داخلی و مهاجرین عودت کننده اراضی دولتی و خصوصی را بدون اجازه ویا بصورت غیرقانونی غضب نمایند. این امر آنها را در معرض شرایط غیراستندرد زنده گی قرار داده و آنها را با خطرات ناشی از

در حدود ۶۳۰۰۰۰ افغان در داخل کشور از اثر جنگ و خشونت ها بیجا شده اند و کشور تا هنوز با استقرار مجدد اضافه تر از ۵,۷ میلیون مهاجر عودت کننده دست و پنجه نرم می کند. در حال حاضر در حدود ۳۰ فیصد افغان در شهر ها و اکثریت آنها در محلات بی نقشه ویا در اطراف و نواحی شهر های بزرگ زنده گی می نمایند. 'رشد سریع نفوس در شهر ها ذریعه عودت مهاجرین ، بیجاشده گان داخلی از اثر خشونت و جنگ ها و حوادث طبیعی و مهاجرت به خاطر وخامت وضعیت اقتصادی از ساحات روستائی



و فرهنگی<sup>۳</sup> از اینکه تمام افراد از عناصر ابتدائی حق داشتن خانه مناسب بشمول امنیت متصدی خانه که به نوبه خود از حمایت قانونی در برابر اخراج اجباری برخوردار باشد، باید اطمینان دهد. افغانستان منحصبت عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۴</sup> متعهد است تا از حقوق و حریم خصوصی اتباع خویش در برابر دخالت غیرقانونی و اختیاری در خانه و زنده گی قطع نظر از مشروع بودن سکونت حمایت و احترام نماید. کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان<sup>۵</sup> و میثاق حقوق اطفال<sup>۶</sup> (افغانستان از امضا کنندگان هردو سند است) تعهدات مشابه را در رابطه به زنان و اطفال تصریح مینماید زیرا آنها قربانی های اساسی اخراج اجباری میباشند.

تسریع انکشاف شهری نیاز به سیستم های جدید تنظیم و اداره زمین دارد- خاصاً تنظیم محلات مسکونی غیررسمی که مسوولین مایل به تصدیق آنها نیستند. این وضعیت برای بیجاشدگان داخلی پیچیدگی های ایجاد کرده که حقوق آنها در قسمت انتخاب محلات مسکونی شان ندرتاً توسط مسوولین ولایتی و شاروالی ها شناسائی گردیده است. بیجا شده گان داخلی به ترک شهرها و محلات و ساحاتی که در آن زنده گی میکنند، ندرتاً میل دارند و در عین حال پالیسی سازان راه های حل درازمدت را جهت برگشت آنها به خانه های اصلی شان در نظر دارند. دولت برنامه مقدماتی جابه جایی یا برنامه تخصیص زمین را برای برگشت کنندگان و بیجاشدگان داخلی که مجبور به ترک خانه های شان گردیده اند، در سال ۲۰۰۵ روی دست گرفت ولی به اساس نتایج محققین جا به جایی پایداری در ساحات برنامه تخصیص زمین ندرتاً صورت گرفته است زیرا ساحات انتخاب شده بی کیفیت بوده و معیار های استاندارد در نظر گرفته نشده است و مهمتر اینکه قیمت زمین بسیار بلند میباشد.

نهاد های کلیدی دولت و همچنان مسوولین شاروالی ها راه حل ها برای بیجاشدگان داخلی را تنها مسوولیت وزارت مهاجرین و عودت کننده گان تصور می کنند. بنابراین اقدامات و واکنش ها در برابر نیازمندی های درازمدت بیجاشدگان شهری در سراسر ادارات دولتی بصورت درست و مناسب هماهنگ نگردیده است. در حال حاضر نشانه های خوبی در مورد تغییر موقف مسوولین مربوطه وجد دارد. در سال ۲۰۱۲ کلستر حمایت خانه سازی افغانستان و قوای کاری ملکیت و اراضی یک رهنمودی را برای کاهش خسارات و زیان هنگام اخراج اجباری<sup>۷</sup> و پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی تسوید نموده و در نوامبر ۲۰۱۳ توسط شورای محترم وزیران منظور گردید که این رهنمود را در برمی گیرد.

پالیسی بیجاشدگان داخلی موارد ذیل را تصریح مینماید:

تخلیه اجباری اراضی غضب شده توسط مالکین اصلی ویا نهاد ها و مسوولین دولتی جهت اعمار شهرک ها، سرک ها ویا دفاتر وغیره مواجه می سازد.

شورای مهاجرین ناروی (NRC) ذریعه مرکز نظارتی بیجاشدگان داخلی خود (IDMC) ۱۶ قضیه تخلیه اجباری را از محلات غیررسمی و نواحی و اطراف شهر های که این کمیته دارای نماینده گی های ولایتی میباشد، مورد مرور و بررسی قرار داده است: ولایات کابل، هرات، ننگرهار، بلخ، میمنه و فراه شاهد همچو قضایا بوده اند. این قضایا (بین نوامبر ۲۰۱۰ و جون ۲۰۱۳ راجستر شده است) که در این قضایا بیجاشدگان داخلی و خانواده های مهاجرین برگشت کننده اراضی دولتی و خصوصی را بدون اجازه قبلی ویا داشتن کدام قبالة شرعی غضب نموده اند.

### خلاهای برنامه های حمایتی و نواقص پالیسی

در حدود ۹۶۰۰ خانواده (۵۷۴۰ نفر) در جوامع گزینش شده از این نوع موارد متاثر گردیده و در حدود ۵۵۷ خانواده جبراً خانه های شانرا ترک نموده اند. بیجاشدگان جدید و افرادی که از درازمدت مقیم هستند، در معرض خطر قرار دارند. در حال حاضر در برنامه های حمایتی تمام مراحل تخلیه اجباری نواقص و خلا ها و جود دارد:

■ عدم رعایت حقوق مشورت و اشتراک

■ طرزالعمل ها و معیاد زمانی کاملاً متفاوت و غیر مناسب تذکر نامه

■ عدم موجودیت سیستم های اصلاح و جبران بدون درنظرداشت این که آیا خانواده اخراج شده حق قانون خانه های خویش ویا کدام شکل قانونی حق تصدی را دارد یا خیر

■ از همه مهم تر این که هیچگونه گزینه موثر جهت جابه جایی بمنظور جلوگیری از بی خانمان شدن و آواره گی افراد وجود نداشته و آسیب پذیری را بعد از تخلیه اجباری افزایش میدهند.

باوجود این که قانون اساسی افغانستان در برابر دخالت غیرضروری را در خانه و ملکیت اتباع تضمین مینماید، ولی این قضایا خلا های جدی را در قوانین مربوطه آشکار می سازد. افغانستان به استندرد های بین المللی متعهد بوده و این امر ایجاب مینماید تا این کشور از این موارد جلوگیری نموده و قضایا اخراج اجباری را مجازات نماید. افغانستان منحصبت عضو میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی

می ۲۰۱۴

داخلی شهری، مهاجرین عودت کننده و افراد فقیر شهر های سرحدی. ایجاب می نماید تا شرایط و طرزالعمل های که به اساس آن پروسه تخلیه محلات مسکونی اعمار شده در اراضی عامه و خصوصی در شهر ها صورت میگردد، واضح گردد و از رعایت قانون، الزامات و متناسب بودن اقدامات برای تخلیه اطمینان حاصل گردد، در پروسه تخلیه خانه های مسکونی باید از زور بیش از حد استفاده نگردیده و تخریب خانه به شکل جبری و فشار صورت نگیرد. دراین خصوص در نظر گرفتن میکانیزم های جبران خسارات و برنامه های جابجایی

شناسایی حقوق بیجاشدگان داخلی و عودت کننده گان به منظور دریافت مسکن در ساحات شهری

دربرگیرنده احکام معتبر در ارتباط به اخراج اجباری و امنیت متصدی خانه

شناسائی رشد ساحات مسکونی غیر رسمی

شناسائی حقوق بیجاشده گان داخلی تحت روشنائی قانون اساسی درقسمت مسکن گزین شدن آنها در هر نقطه کشور



کمپ بیجاشده گان داخلی در کابل

تائید مسوولیت های نهاد های ملی، ولایتی، ولسوالی ها و شاروالی به منظور حصول اطمینان از اینکه بیجاشدگان داخلی و مهاجرین عودت کننده در ساحات مسکونی غیررسمی و سایر ساحات مورد تهدید یا اخراج اقرار نگیرند.

مسوده پالیسی دولت سال ۲۰۱۳ در مورد تقویت ساحات مسکونی غیررسمی همچنین با معرفی قانون جدید در برابر اخراج اجباری تامین حمایت می نماید. هرچند تحویل دهی پالیسی متذکره به شورای محترم وزیران در ختم مارچ ۲۰۱۴ نیز معلق مانده است.

### پیشنهادات

در صورت غضب و تصرف مکلیت دولتی و خصوصی بدون مجوز قانونی، اخراج اجباری اجتناب ناپذیر است. جمهوری اسلامی افغانستان با کمک و حمایت جوامع بین المللی باید روی موارد ذیل تمرکز نماید:

اتخاذ اقدامات فوری جهت تطبیق پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی از طریق انکشاف پلان فعالیت ملی و ولایتی در مورد راه های حل پایدار و بهبود نیازمندی های مشخص بیجاشده گان داخلی در ارتباط به مسکن، اراضی و ملکیت در شهر ها

معرفی قوانین، پالیسی ها و پلان های موثر، جامع و منطقی بمنظور جلوگیری و مجازات موارد اخراج اجباری بیجاشده گان

نماید، پروسه تخلیه باید کاملاً الی اتخاذ و ابلاغ رسمی تصامیم متوقف گردد.

و تهیه خانه های جدید ( همراه با امکانات درخواست استیناف) مهم و اساسی می باشد.

معرفی معیار های اساسی منظور تامین امنیت حقوقی ساکنین خانه برای بیجا شدگان شهری آسیب پذیر، مهاجرین عودت کننده و سایر کسانیکه دسترسی قانونی به اراضی و خانه ندارند: ایجاد می نماید تا فرمان ۱۰۴ ریاست جمهوری تعدیل گردد تا نیازمندی های مستفیدین به صورت بهتر برآورده گردد و در صورت ایجاد تعدیلات باید روی انتخاب ساحات مناسب، کاهش ویا صرف نظر از قیمت اراضی و گسترش معیار های مناسب به منظور واجد شرایط ساختن بیجاشدگان داخلی و مهاجرین بازگشت کننده برای سکونت در خارج از ولایت اصلی یا محل سکونت اصلی شان تمرکز نماید . در عین حال باید مهلت قانونی هنگام تخلیه اجباری در نظر گرفته شده و برنامه جهت تجدید و قانونی سازی محلات مسکونی غیررسمی توسعه یابد.

پذیرش سریع پالیسی تجدید محلات مسکونی غیررسمی و اخذ اقدامات فوری در قسمت تطبیق پالیسی متذکره

نهاد ها و دونرهای بشری و فعالان انکشاف بین المللی باید موارد ذیل را در نظر گیرند:

تامین وجوه مالی و یا حمایت و همکاری در قسمت تطبیق پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی بشمول ضبط فعالیت های بیجاشدگان داخلی به منظور آگاهی و درک عمیق تر از نیازمندی های مشخص بیجا شدن و بهبود اقدامات و برنامه ها

حصول اطمینان از این که چارچوب کمک های انکشافی ملل متحد از سال ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۹ روی راه های حل پایدار برای بیجاشدگان داخلی و مهاجرین بازگشت کننده بشمول درک حقوق آنها در قسمت دریافت مسکن مناسب در ساحات شهری از طریق برنامه های مبتنی بر اجتماع .

نهادینه ساختن مشورت ها و اشتراک جوامع متأثرشده همراه با نهاد های بشری و انکشافی: ایجاد مینماید تا تمام افراد متأثرشده بشمول زنان و بزرگ سالان از تمام مراحل و پروسه های تخلیه یا ترک اجباری آگاهی داشته باشند. در صورتیکه شخص متأثرشونده در برابر تذکرنامه تخلیه به مراجع مربوطه عریضه یا درخواست استینافی خویش را ارایه



می ۲۰۱۴

کارولین هوارد، رئیس بخش آسیا میانه، اروپا، منطقه قفقاز و بخش آسیایی، مرکز نظارت بیجاشدگان داخلی،  
[caroline.howard@nrc.ch](mailto:caroline.howard@nrc.ch)، [www.internal-displacement.org](http://www.internal-displacement.org)

جیلینا مادزاریفک [jelena.madzarevic@afg.nrc.no](mailto:jelena.madzarevic@afg.nrc.no)  
 مشاورزمین، ملکیت و خانه، کمیته ناوری افغانستان،  
[www.nrc.no/afghanistan](http://www.nrc.no/afghanistan)

۱. بیجاشده گان شهری و آسیب پذیری در کابل، گروه پالیسی بشری، انستیتوت  
 انکشاف خارجی تهیه شده توسط میتکالف و مارتین

[www.odi.org.uk/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/7722.pdf](http://www.odi.org.uk/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/7722.pdf)

۲. جهت دریافت معلومات بیشتر و تفصیلات بیشتر در مورد پیشنهادات لینک ذیل را  
 مطالعه نماید:

[www.nrc.no/arch/\\_img/9689800.pdf](http://www.nrc.no/arch/_img/9689800.pdf)

۳. [www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CESCR.aspx](http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CESCR.aspx)

۴. [www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx](http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx)

۵. [www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/text/econvention.htm](http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/text/econvention.htm)

۶. [www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx](http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx)

۷. <http://tinyurl.com/Afgh-evictionguidelines-2012>

تطبیق چارچوب سرمنشی ملل متحد برای ختم بیجاشدن در اثر جنگ و منازعات و همچنین به همین گونه رفع مشکلات بیجاشدگان داخلی و مهاجرین بازگشت کننده.

تشویق و ترغیب فعالیت مشترک نهادهای بشری و انکشافی بین المللی در قسمت میکانیزم های هماهنگ برای رفع بیجاشدن داخلی به منظور حصول اطمینان از ایجاد شیوه جامع برخورد با این چالش

بهبود ظرفیت کاری نهاد های حمایتی جهت نظارت و گزارش دهی از تخلیه و جابه جای افراد در سراسر کشور

حصول اطمینان از تامین وجوه مالی ثابت و پایدار برای برنامه های ارتقاء ظرفیت و فعالیت های آگاهی عامه در مورد تخلیه اجباری و استندرد های قانونی قابل تطبیق ( بین المللی) برای تمام مراجع ذیدخل

## توجه به نشانه های خطر: احتمال وقوع آوارگیهای بیشتر در افغانستان

سوسانی شمیدل

در حال حاضر شواهد زیادی حاکی از احتمال وقوع موج دیگری از آوارگی و بیجاشدگی در افغانستان وجود دارد. غفلت و عدم اعتنا به این نشانه ها و عدم اتخاذ اقدامات لازم ممکن است باعث شود که در آینده هم از نگاه مالی و هم از لحاظ انسانی خسارات هنگفت بیشتری پرداخت گردد.

بیشتر از ده سال بعد از سقوط رژیم طالبان و بعداً دخیل شدن وسیع جامعه بین المللی در هم در عرصه انکشاف و توسعه و هم در زمینه نظامی در افغانستان، تمام شواهد و مدارک نشان میدهند که ممکن است ما شاهد موج بزرگ دیگری از بیجاشده گان و آوارگان باشیم. این بار فرق اساسی این خواهد بود که بیجاشدگی در داخل افغانستان ابعادی وسیعتر از آوارگی به بیرون از مرزهای این کشور خواهد داشت. در چنین شرایطی بیشتر آوارگان به کابل پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ روی خواهند آورد. عوامل زیر در ارزیابی احتمال بیجاشدگی بیشتر باید مورد ملاحظه قرار گیرند:

**احتمال یک جایجایی دیگر:** اکثر افغان ها برای خود یک استراتژی ترک کشور را هر زمانی که شرایط وضع امنیتی و اقتصادی ایجاب نماید، در نظر گرفته اند. کسانیکه دارای منابع مالی کافی هستند، انتقال خانواده هایشان به شهر دویی آغاز نموده اند؛ تعدادی از خانواده ها به دنبال فرصت های اشتغال و یا تحصیل خارج کشور بوده و یا برنامه هایی برای پیوستن به دیگر اعضای خانواده خود در کشورهای غربی داشته اند. بعضی خانواده تمام پس انداز و عواید شانرا جهت فرستادن یک فرد

تحرك و جایجایی مکانیسم مهمی برای مقابله با شرایط نابسامان در افغانستان؛ براساس آمارها، از هر چهار تن در افغانستان سه نفر بیجاشدگی و مهاجرت اجباری را در زنده گی تجربه نموده اند و برخی چندین بار (در داخل و یا خارج از کشور) مهاجر و یا بیجا شده اند. از این رو بسیاری از افغان ها دیگر دارای

جوان خانواده از طریق قاچاق به کشورهای غربی به مصرف می‌رسانند با این امید که یک زمینه انتقال خودشان به این کشورها در آینده مهیا گردد. در عین حال در چند سال گذشته رقم بیجاشده گان داخلی به صورت چشمگیری افزایش یافته است و اضافه تر از ۶۳۰۰۰۰ نفر خانه های شانرا ترک نموده اند. تنها در سال ۲۰۱۳ میلادی در حدود ۱۱۰۰۰۰ نفر و تقریباً به اندازه همین رقم سال پیشتر از آن بیجا شده بودند.

**مهاجرت و پراکنده گی افغان ها به مناطق مختلف جهان:** مهاجرت افغانها باعث پراکنده گی آنها در سطحی وسیع شده است. آنها نه تنها به کشورهای همسایه مانند پاکستان و ایران

مهاجرت نموده بلکه به کشورهای اورپائی، امریکائی شمالی، روسیه، آسیای مرکزیه آسترالیا مهاجر شده اند. این امر نشان می دهد که آنان گزینه های متعددی برای مهاجرت داشته اند. در سال های اخیر بسیاری از افغان از کشورهای اخیر از امتیاز شهروندی تمامی امکانات ناشی از آن برخوردار شده اند. در سال های اخیر پیوستی اعضای خانواده فرد پناهنده در غرب و یا ازدواج میان افغانهای پناهنده با افرادی در داخل افغانستان باعث شده که راهی کوتاه برای اقامت در غرب برای بسیاری از افراد ساکن در افغانستان مهیا شود و آنان با دشواریهای رد درخواست پناهندگی روبرو نشوند. علاوه بر این، تحقیقات راجع به پدیده مهاجرت نشان داده که وجود جامعه مهاجر در کشورهای غربی سبب شده تا تناسبی بین کسانی که از کشور خارج می شوند، و آنها که ساکن می شوند، به وجود آید. این روند، تثبیت شده و شبکه حمایتی لازم برای آن نیز وجود دارد.

**عدم موفقیت و پایداری پروسه برگشت:** اگرچه رقم افغان های برگشت کننده به کشورشان نا معلوم است (یک تعداد بیشتر از یکبار رفت و آمد کرده اند) ولی بر اساس آخرین تخمین ها از سال ۲۰۰۱ میلادی بدینسو در حدود ۵،۷ میلیون نفر به کشور برگشت نموده اند. به اضافه این رقم، تاهنوز در حدود ۲،۷ میلیون افغان در کشورهای ایران و پاکستان مهاجر هستند و این افراد هیچ گونه تمایلی به برگشت به کشور شان ندارند، مگر اینکه بعضی اقدامات اجباری توسط کشورهای میزبان روی دست گرفته شود که میتوان آنها بازگرداندن اجباری نامید. اما برای بسیاری از افراد بازگشت به کشور یک روند پایدار نبوده است، چرا که برای آنان حتا یافتن خانه و سرپناه در کشور دشوار بوده است، چه رسد به دسترسی به خدمات اولیه و یا برخورداری از حمایت و امنیت بسیاری دیگر هم از قبل بدون خانه و کاشانه بوده اند.

**فشارهای ناشی از افزایش جمعیت:** پیش بینی ها حکایت از آن دارند که جمعیت افغانستان با در نظر داشت میزان بالای تولد (۲،۴ درصد) تا سال ۲۰۳۰ به ۴۰ میلیون نفر بالغ شود. به این ترتیب یافتن منابع مانند زمین، خدمات و اشتغال در داخل کشور دشوارتر خواهد شد؛ چرا که تأمین چنین نوع منابع برای نفوس فعلی کشور یعنی برای حدود ۲۸ میلیون نفر هم کافی نیست. احتمال دارد این نوع فشارها و شرایط آسیب پذیر سبب بیجاشدگی جمعیت بیشتری شده و این امر به افزایش میزان پناهندگان در خارج از کشور و بیجاشدگان داخلی منجر خواهد شد.

**نامانی عامل کلیدی بیجاشدگی:** در این اواخر افزایش نامانی ها و خشونت ها در افغانستان امیدواری چندانی برجای نمی گذارد که برای مشکلات یادشده به زودی راه حلی پیدا شود. در چند سال اخیر قتل غیرنظامیان و افراد ملکی و حوادث نا منی به شکلی پیوسته افزایش یافته و احتمالاً در ادامه سال ۲۰۱۴ این روند ادامه می یابد. با این وصف، باید در نظر داشت که تلفات افراد ملکی تنها بخشی از واقعیتها را بازگو می کند، و باید عواملی چون افزایش موارد تهدیدها، ارباب و نقض حقوق بشر، افزایش موارد معافیت از جرایم و عدم حمایت دولت افغانستان و قوای امینی این کشور نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. گزینه های پیش روی افراد به شکل روزافزون محدودتر می شود؛ یعنی وضعیت به گونه ای است که باید نسبت به کسانی که در قدرت هستند، مطیع و فرمانبردار بود، در غیر این صورت باید کشور را ترک کرد و یا خطرات احتمالی و حتما مرگ را به جان خرید. به این ترتیب، آوارگی و ترک خانه گزینه مناسب تری برای کسانی است که بتوانند زمینه لازم را برای آن مهیا کنند.

**عدم رشد اقتصادی و فقدان فرصت های تامین معیشت بدیل:** نمی توان انکار کرد که افغانستان بعد از ۱۲ سال کمک های توسعه و انکشافی بین المللی هنوز هم از جمله کشورهای انکشاف نیافته محسوب گردیده و در سطوح مختلف با دشواریهایی دست و پنجه نرم می کند. افغانستان مقام ۱۷۵ را از ۱۸۷ در زمینه شاخص انکشاف بشری و مقام ۱۴۷ را از ۱۴۸ در عرصه شاخص نابرابری جنسیتی یا عدم تساوی حقوق زن و مرد حاصل نموده است. افغانستان همچنین در زمینه دو شاخص مهم، مرگ و میر اطفال زیر سن پنج سال و مرگ و میر مادران هنگام تولد نوزادان، بلندترین ارقام را در جهان تشکیل می دهد. در حالی که بیشتر آوارگیها و مهاجرت مستقیماً از اثر نامانی و نقض حقوق بشر صورت می گیرد، اشتباه است اگر این بیجاشدگیها را «اختیاری» قلمداد کنیم.



می ۲۰۱۴

واکنش کند و ناکافی: دولت افغانستان در قسمت اتحاد اقدامات و برنامه های لازم جهت رفع نیازمندی های برگشت کننده گان بسیار بصورت کند و آهسته عمل نموده است و انتظار دارد کسانی که به کشور بر می گردند، به سادگی در مناطق اولیه خود دوباره اسکان یابند. در این اواخر دولت «برنامه تامین مواد غذائی و تغذیه افغانستان» و «پالیسی ملی بیجاشده گان داخلی» را امضا نموده است. هرچند این تعهدات تا هنوز در قالب سند مانده و اجرا نشده اند، و لازم است با توصیه هایی دقیق و ارائه چارچوبی مشخص زمینه عملی شدن این سیاستها فراهم گردد. بسیاری از برنامه های کمکی آینده برای افغانستان متکی به «چارچوب دوجانبه حساسدهی توکیو (توافقات توکیو) می باشد، و ممالک همپیل کننده به صورت روزافزون از سرازیر نمودن وجوه مالی بیشتر به یک دولت فاسد و فاقد کارایی در هراس اند. این موضوع همراه با کاهش میزان فعالیت نهادهای بشردوستانه و بازیگران عرصه توسعه و انکشاف، باعث ادامه فشارها روی جوامع آسیب پذیر شده و از همین رو سبب آوارگی و بیجاشدگی بیشتر می گردد. در صورتی که خدمات و کمک ها جهت رفع نیازمندی ها تامین نگردد، مردمان نیازمند به مناطقی می روند که بتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند.

### مردمان بیجاشده به کجا میروند؟

اگر بتوان برآورد کرد که افراد و خانواده ها، دست کم شمار بیشتر آنها، احتمالاً به کجا روی می آورند، می توان کمکها را نیز در همان عرصه ها متمرکز ساخت و همچنین از بیجاشدگی و آوارگی بیشتر جلوگیری کرد. مهاجرت به سمت مقاصد معمول اکنون دشوارتر شده (کشور پاکستان ناامن است و در قسمت پذیرش مهاجرین ناشکیبا و ایران هم دیگر پذیرای مهاجرین بیشتری نیست) و مهاجرت و پناهنده شدن به کشورهای دورتر نیازمند منابع قابل ملاحظه (هم منابع مالی و هم تحصیلات) دارد، و از این رو رفتن به خارج افغانستان به شکلی روزافزون دشوار شده است. این امر سبب افزایش بیجاشدگان داخلی می گردد.

در ده سال اخیر بصورت کل افغانستان و خاصاً پایتخت این کشور رشد سریع شهری را تجربه نموده است و در سال ۲۰۱۱ در حدود ۷،۲ میلیون نفر (۲۵ درصد نفوس کشور) در شهر ها زنده گی میکرده است؛ و این رقم بلندتر از سطح اوسط در آسیا محسوب میگردد. شهر کابل از نگاه نفوس جزو شهرهایی بوده که سریع ترین رشد را در سطح منطقه داشته و در جولای ۲۰۱۳، ۵۳ ساحه مسکونی غیررسمی تخمین گردیده است، درحالیکه در واقع شاید این رقم بلندتر باشد. سایر شهر ها





## چرا به واقعیت ها توجه نمی شود؟

آن دست کم این است که گفته شود پروژه دولت سازی که بیش از یک دهه با حمایت بین المللی به راه افتاده، موفقیت چندانی نداشته است. اگر کشورهای غربی چنین وانمود کنند که در حال حاضر هیچ گونه بحرانی ناشی از بیجاشدن مردم وجود ندارد، آنها از مسوولیت های خویش شانه خالی نموده و بعداً دولت افغانستان را در این عرصه مقصر محسوب می نمایند. برعلاوه اگر دولتهای غربی بپذیرند که در ایجاد چنین بحرانی سهم داشته اند و یا دست کم مانع بروز آن نشده اند، باید در عرصه پناهندگی نیز مسئولیت به دوش گیرند.

و سرانجام، چه بپذیریم و یا نه، واقعیت این است که در حال حاضر سوریه مورد توجه جهانیان قرار گرفته و افغانستان از فکر و اندیشه آنها خارج شده است. اگرچه کشورهای اروپائی که شاهد بحران برخاسته از بیجاشدن و مهاجرت توده های عظیم از افغان ها در سالهای اخیر بوده اند، ولی سوریه که از نظر جغرافیایی به اروپا نزدیکتر است، توجه آنها را در مورد هرآنچه در افغانستان و پیرامون آن جریان دارد، دور کرده است.

باجود این وضعیت وجود دلایلی که دیگر کشورهای غربی نمی خواهند خود را بیشتر به مسایل افغانستان درگیر سازند، ما باید هنوز هم پرسش های ذیل را مطرح سازیم: اگر به نشانه های اولیه چنین هشدارهایی بی توجهی شود، منتظر چه عواقبی باید بود؟ در صورت عدم اتخاذ اقدامات لازم و عدم آماده گی و تهیه کمک های لازم، آیا ما مجبور خواهیم شد در آینده چه از نگاه مالی و چه از همه مهمتر از لحاظ انسانی بهای بیشتری پرداخت کنیم؟ نگاهی به گذشته نشان می دهد که وقتی غرب در گذشته افغانستان را رها کرد و به حال خود گذاشت، تنها با تهدید تروریسم در این کشور از خواب غفلت بیدار شد. چه چیزی باید ما را وادار کند تا ببندیشیم که ترکیب عواملی نظیر بحران حل نشده بیجاشده گان داخلی، رشد شهری و نفوس روبه افزایش جوان که زمینه کار و تحصیلات برای آنان فراهم نیست، یک روز رفع گردیده و وضعیت بهتر خواهد شد؟

سوسانی سشمیدل مشاور ارشد و از بنیانگذاران «دفتر

ارتباطات در افغانستان» و همکار در کالج دیپلماسی آسیا-

اقیانوسیه در پوهنتون ملی آسترلیا

[susanne.schmeidl@tlo-afghanistan.org](mailto:susanne.schmeidl@tlo-afghanistan.org)

[www.tloafghanistan.org](http://www.tloafghanistan.org) [www.anu.edu.au](http://www.anu.edu.au)

۱. برنامه برگشت اختیاری و استقرار مجدد، دفترمهاجرین ملل متحد سال ۲۰۱۲

[www.unhcr.org/4fedc64b9.html](http://www.unhcr.org/4fedc64b9.html)

۲. بر اساس منابع مختلف نفوس افغانستان بصورت کل بین ۲۵ الی ۳۰ میلیون نفر و بر اساس تخمین UNFPA بیش از ۳۰ میلیون برآورده شده است. بنابراین نفوس شهری در حدود ۲۵ الی ۳۰ فیصد نفوس کل کشور تخمین می شود.

افغانستان در شرایط حساس روند انتقال سیاسی و امنیتی قرار دارد، و این دو عامل با وضعیت اقتصادی دوره انتقال نیز مرتبط است؛ و تمامی این عوامل هم در داخل و هم خارج افغانستان وضعیت را به وجود آورده که همه «منتظرند ببینند چه خواهد شد». کسانی که واقعیت های را مینگرند، از نگاه استراتژیکی و عملی مایل به انجام هیچ کاری نبوده و یا توانائی اجرای آن را ندارند.

باید به عوامل فوق این عنصر را نیز اضافه کرد که کسی نمی خواهد ناکامیها را بپذیرد. چرا که پذیرش یک بحران دیگر آوارگی و بیجاشدگی به معنای قبول ناکامی و شکست است و مفهوم



می ۲۰۱۴

## انتقال و بیجاشدن

خالد کوثر

افغانستان در سال ۲۰۱۴ ترکیبی از انتقالات امنیتی سیاسی و اقتصادی را تجربه خواهد کرد، که نحوه برخورد با آنها در تعیین میزان بیجا شدن بعدی مردم افغانستان در سال های آینده بنیادین و تعیین کننده خواهد بود.

در پیش بینی دورنما برای افغانستان در جریان و بعد از سال ۲۰۱۴ در این مورد موافقت عمومی وجود دارد که به احتمال زیاد یکی از توجه بین المللی عمدتاً برتا ثیر خروج نیروهای بین المللی از افغانستان تا اواخر این سال معطوف بوده است. با این حال، انتقال سیاسی در سال ۲۰۱۴ که با انتخابات ریاست جمهوری آغاز می شود در کوتاه مدت به همان پیمانه دارای اهمیت برای امنیت و ثبات خواهد بود. تشویش های وجود دارند که یک پروسه انتقال اقتصادی منجر به نا امنی و یا ورشکستگی سیاسی شود که این میتواند باعث کاهش دست رسی به معیشت پایدار برای تعداد زیاد افغان ها شده و این ممکن سبب مهاجرت بیشتر شود. حد اقل کشورهای همسایه افغانستان طوریکه معلوم می شود انتقال با ثبات سیاسی را به عنوان یک اولویت می نگرند و احتمال نمی رود که اینها پروسه را به نا کامی بکشاند.

حتی طوریکه ضرورت محافظت و کمک برای بیجاشدگان ممکن افزایش یابد؛ دسترسی به کمک های بشردوستانه و امنیت احتمالاً دشوارتر خواهد شد. اما اکنون ساختارهای حقوقی، نهادی و برنامه ریزی برجسته (گرچه نه چندان جامع) در ساحه موجود اند تا با آواره گان افغان کمک کنند. در حالی که ممکن است محدودیت هایی در ظرفیت، هماهنگی و موثریت این ساختارها موجود باشد، اما حد اقل بنیاد و اساسی برای پاسخ دهی به تحرکات جدید موجود است.

زمانی که از تعداد کثیر افغان ها پرسیده شد، اکثر آنها ملاحظاتی را در مورد تمرکز اساسی جامعه بین المللی در سال ۲۰۱۴ به محور اصلی چشم انداز فوری کشور شان اظهار داشتند. یکی از دلایل، خطر به حال تعلیق درآوردن اجراءات است در زمانیکه همگان در انتظار آشکار شدن آینده هستند. امروز اولویت ها در ساحات مختلف وجود دارند مانند فساد در حقوق زنان، افزایش بیکاری، ظرفیت سازی حکومت های محلی و جلب اعتماد سرمایه گذاران. این همچنین برای بی جا شده گان نیز صدق می کند؛ در حالی که سال ۲۰۱۴ ممکن بیجا شدن های بیشتر را به باریاورد اما



IOM/Katsusi Kaya

یابد. هر چند احتمالاً روند مهاجرت آن عده از کسانی که در صد پناهجویی در خارج از کشورهای منطقه هستند و میخواهند به ترکیه، اروپا و استرالیا بروند ادامه یابد. در عین حال تعداد زیادی افغان ها به ساختن آینده کشورشان متعهد هستند و بعضی آنها پس از بازگشت منابع زیادی را در کشورشان سرمایه گذاری نموده واند آنها شاید نخواهند ترک وطن نمایند مگر اینکه وضعیت غیر قابل جلوگیری شود و خارج شدن از کشور اجتناب ناپذیر گردد.

خالد کوثر [k.koser@gcsp.ch](mailto:k.koser@gcsp.ch) معاون رئیس و رئیس علمی در مرکز جینیوا برای پالیسی امنیتی. [www.gcsp.ch](http://www.gcsp.ch) و محقق ارشد غیر مقیم در پروژه Brookings-LSE برای بی جا شده گان داخلی [www.brookings.edu/about/project/IDP](http://www.brookings.edu/about/project/IDP)

این به هیچ وجه نمیتواند باعث شود که با ابعاد بحران موجود مقابله صورت نگیرد.

دلیل دیگر، مقاومت در برابر این مفکوره است که گویا سرنوشت افغانستان عملاً در دست جامعه بین المللی قرار دارد. درعوض افغان ها سال ۲۰۱۴ را به عنوان مرحله گذار در پروژه دراز مدت دولت سازی و بخشی از انتقال وسیع میان گذشته و آینده می نگرند. در نهایت، این حس وجود دارد که فضای باور به تحقق این پیشگویی ها خلق گردیده است. عدم اطمینان در مورد آینده افغانستان که با توجه بین المللی در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است از حلا بر مهاجرت و تصمیم گیری های امروزی برای بازگشت به وطن تاثیر فراوان گذاشته است.

این مقاله از قسمت های از گزارشی تهیه شده توسط نویسنده برای سازمان مهاجرت بین المللی MOI تحت عنوان انتقال، بحران و تحرک در افغانستان: گفتار و واقعیت؛ گزینش شده است.

[www.iom.int/files/live/sites/iom/files/Country/docs/Transition-Crisis-and-Mobility-in-Afghanistan-2014.pdf](http://www.iom.int/files/live/sites/iom/files/Country/docs/Transition-Crisis-and-Mobility-in-Afghanistan-2014.pdf)

با در نظر داشت عدم اطمینان به آینده و به پایداری بازگشت داوطلبانه و استقرار مجدد پناهندگان؛ انتظار نمی رود که عودت قابل ملاحظه مهاجرین موجود در جریان و یا بلافاصله بعد از انتقال در سال ۲۰۱۴ اتفاق بیافتد. اما همچنین جریان عظیم مهاجرت ویا مهاجرت های فرامرزی به طور عموم پیش بینی نمی شود. به دلایل اقتصادی و سیاسی و برای امنیت دسته های معین همچنان امکان و میل به رفتن به سوی ایران و پاکستان ممکن در سال آینده کاهش

### سپاسگزاری از تمام کمک کنندگان مالی در سال ۲۰۱۴ - ۲۰۱۳

از تمام سازمان ها و افرادی که برای «نشریه بررسی مهاجرت اجباری» در سیال ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ وجوه مالی فراهم نموده اند، سپاسگزاری می شود. ما کاملاً به تمویل وجوه مالی و کمک های خارجی جهت تأمین مصارف پروژه بشمول استخدام کارمندان متکی بوده ایم. ما عمیقاً از تمویل کننده گان ذیل در قسمت ذیل در قسمت حمایت و همکاری شان قدرانی مینماییم.

Arcus Foundation • Danish Refugee Council • DHL • ISIM, Georgetown University • Lex Justi • Luxembourg Ministry of Foreign Affairs • John D and Catherine T MacArthur Foundation • Mohammed Abu-Risha • Norwegian Ministry of Foreign Affairs • Norwegian Refugee Council/Internal Displacement Monitoring Centre • Oak Foundation • Open Society Justice Initiative • Oxfam • Refugees International • Swiss Agency for Development and Cooperation/Swiss Cooperation Office - Afghanistan • Swiss Federal Department of Foreign Affairs • UNDP Evaluation Office • UN-Habitat • UNHCR • UNOCHA • US Dept of State's Bureau of Population, Refugees, and Migration • Women's Refugee Commission

### مشاورین بین المللی نشریه بررسی مهاجرت اجباری

مشاورین ما همکاری فردی با این مرکز داشته اند و لزوماً از سازمان مربوطه خود نمایندگی نمی کنند.

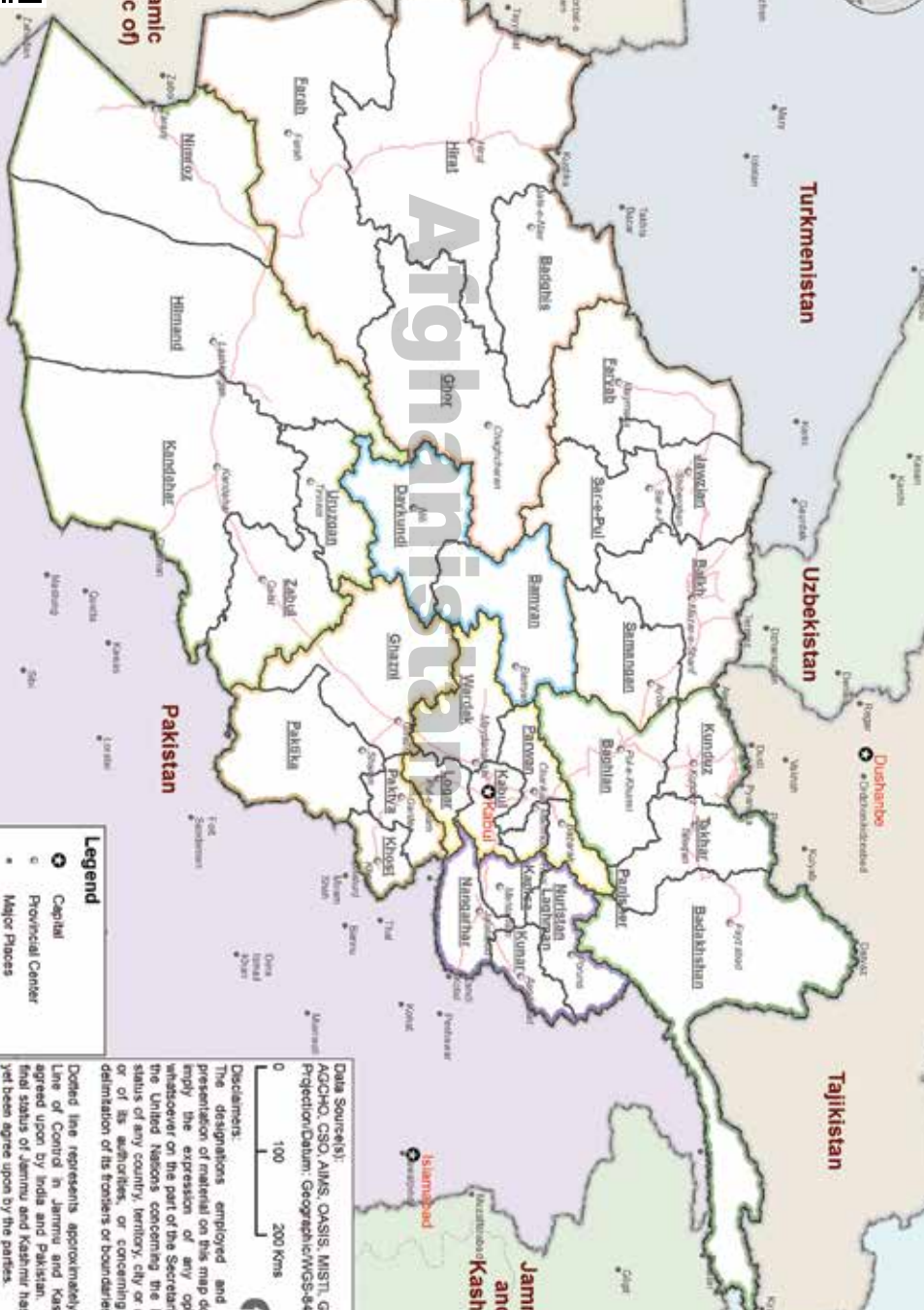
<b>Lina Abirafeh</b> UN Rapid Response Team	<b>Elena Fiddian-Qasmieh</b> Refugee Studies Centre
<b>Guido Ambroso</b> UNHCR	<b>Rachel Hastie</b> Oxfam GB
<b>Nina M Birkeland</b> Norwegian Refugee Council	<b>Lucy Kiama</b> Refugee Consortium of Kenya
<b>Dawn Chatty</b> Refugee Studies Centre	<b>Khalid Koser</b> Geneva Centre for Security Policy
<b>Jeff Crisp</b> Refugees International	<b>Erin Mooney</b> ProCap
<b>Mark Cutts</b> OCHA	<b>Kathrine Starup</b> Danish Refugee Council
<b>Eva Espinar</b> University of Alicante	<b>Richard Williams</b> Independent consultant



Iran (Islamic Republic of)



www.fmreview.org/afghanistan-dari



**Legend**

- Capital
- Provincial Center
- Major Places
- Provincial Boundaries
- Main Road
- International Boundaries

**Data Source(s):**  
 ACOCHO, CSO, AIMS, OASIS, MIST, GAUL  
 Projection: Datum: Geographic/GCS-84

**Disclaimer:**  
 The designations employed and the presentation of material on this map do not imply the expression of any opinion whatsoever on the part of the Secretariat of the United Nations concerning the legal status of any country, territory, city or area or of its authorities, or concerning the delimitation of its frontiers or boundaries.

Dotted line represents approximately the Line of Control in Jammu and Kashmir agreed upon by India and Pakistan. The final status of Jammu and Kashmir has not yet been agreed upon by the parties.

Map courtesy of OCHA  
 Website: <http://tinyhumanitarianresponse.info/>

